

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۳۱

## در کتاب می خوانیم :

عاشورا ، مهم ترین سوره از قرآن ناطق زیر بار ظلم نرفتن

بیعت با یزید؟ یاری دادن فرشتگان و جنیان صفات منافقان و یزیدیان  
تقدم جان بر مال فریبکاری، بی نشاطی در نماز آگاهی دادن به شکها  
پیمان شکنی کوفیان پایان زندگی مرگ است تهدید چه معنایی دارد  
نیاز امام به یاران مخلص تهمت اختلاف افکنی به ولی خدا  
شهادت نماینده ی امام رسوا کردن دشمن در میدان جنگ هدایت در  
میدان نبرد وسوسه و احاطه ی شیطان در سپاه دشمن

سرشناسه : زارع پور، محمود، ۱۳۳۶

شمارگان: ۵۰۰۰ قیمت: ۶۰.۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۱

آدرس نویسنده : [m5736z.blog.ir](http://m5736z.blog.ir) لطفا پیام ارسال نمایید

آدرس کتاب های منتشر شده: [zarepoorketab.blog.ir](http://zarepoorketab.blog.ir)



حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

## فهرست

### بخش اول : سوره امام حسین (علیه السلام)

آیاتی که امام حسین در مسیر حرکت خود از مدینه تا شام، بالای نیزه به آنها استناد فرمودند

عاشورا ، مهم‌ترین سوره از قرآن ناطق

آیاتی که امام سجاد در کاخ یزید جهت آگاهی تلاوت به آن استناد فرمودند

آیاتی که حضرت زینب در اسارت در مقابل یزید تلاوت کرده و استناد نمودند

حضرت فاطمه صغری دختر امام حسین(ع) تلاوت فرمودند

### بخش دوم : امام حسین (علیه السلام) ، تجسم عینی زندگی قرآنی

تجلی آیات قرآن در قیام عاشورا

### بخش سوم : مقامات امام حسین علیه السلام و قرآن

### بخش چهارم : آیات اخلاق در سیمای امام حسین علیه السلام

### بخش پنجم آیات در شان امام حسین علیه السلام

آموزه های حسینی

### بخش ششم : مبانی قرآنی زیارت عاشورا

زیارت عاشورا تبیین آیات عاشورا از قرآن وجود حضرت حسین (ع) است

دشمنی با دشمنان، سیستم دفاعی در برابر خطرها

**مقدمه :**

خدای باری تعالی قرآن را در مکه و مدینه طی ۲۳ سال از زندگی پر برکت بر قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل کرد و سپس حقایق و اسرار و علوم شگفت انگیزش را به او الهام نمود. امامان معصوم علیهم السلام نیز وارث علوم همه انبیاء به ویژه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند و دریچه الهامات الهی نیز به طور کامل بر روی آنان باز است، به همین جهت گفتار و رفتارشان تفسیر آیات قرآن می شود.

به عقیده ما وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) گویای قرآن است زیرا که بارها خودش می فرمود **من قرآن ناطقم** و بارها خداوند آنرا به قلب مقدس رسول اکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل فرمود و بعد در اختیار شما قرار داد تا با عمل با دستورات قرآن، بر دوش گیرنده دین و وحی خدا شوید. که بدون تردید وجود قرآن با صراحت از مردم می خواهد به کسی که علوم من را در اختیار دارد مراجعه کنید، و از این رو دیدگاهشان روشن، اسرارش اشکار، ظاهرش درخشان است.

با آیات قرآن شخصیت و منزلت ائمه هدی روشن می گردد. که خداوند متعال می فرماید:  
**وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوْقِنُونَ** (سجده؛ ۲۴)

قرآن ضرورت وجود امام زمان را در هر عصری روشن می سازد، که باید در هر زمان کسی باشد تا مراد این کتاب الهی را فهمیده و به دیگران ترجمه کند و دستوراتش را عملی سازد. البته تمام این فواید و حقایق، با وجود حجت الهی تحقق می یابند. چون همه آنها را در گفتار و کردارش، به خوبی نشان می دهد و اصلاً امام معصوم در هر زمان قرآن ناطق است. و لذا کتاب آسمانی، انسان آسمانی و همزنگ خودش را همیشه لازم دارد تا به جهانیان خودش را به روشنی نشان دهد.

در کتاب حاضر سعی شده تجسم عینی آیات قرآن را در وجود امام حسین علیه السلام بیان نموده و تمام آیاتی که امام از زمان حرکت از مدینه تا مکه و هنگام قیام و حتی بالای نیزه که در سخنان به آن استناد نموده را با توضیحات مکملی و تفسیری کوتاه همراه ترجمه به نظم از قرآن منظوم ارائه دهد. ضمناً اخلاق و رفتار و مقامات امام را با قرآن مقایسه کرده و در انتها اثرات قیام را در دوره های تاریخی بالاخص با انقلاب اسلامی و راهپیمایی با شکوه و میلیونی اربعین توضیح داده و بالاخره با مقایسه زیارت عاشورا و آیات قرآن کتاب به پایان رسیده است.

**مؤلف : محمود زارع پور**

## سوره امام حسین (علیه السلام)

در میان شیعه امامیه معروف است که سوره فجر سوره امام حسین (علیه السلام) و آن به روایتی است از امام صادق (علیه السلام) که : سوره فجر را در هر نماز واجب و مستحب بخوانید **فَإِنَّمَا سُوْرَهُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ** (تفسیر نور الثقلین ج ۵ ص ۵۷۱) و دیگر اینکه صاحب نفس مطمئنه را که در آیات آخر این سوره آمده، امام حسین (علیه السلام) معرفی کرده اند و همین امر شاید مهمترین علت شهرت این سوره به نام امام باشد؛ چنان که در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: **يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ** را نشنیده ای؟ منظور از این آیه، امام حسین (علیه السلام) است. او صاحب نفس مطمئنه و راضیه و مرضیه است یاران او نیز از دودمان رسالتند و در روز رستاخیز از خداوند راضی و خدا نیز از آنان راضی است.

هرچه امام حسین علیه السلام به ظهر عاشورا نزدیکتر می شد هیجان و برافروختگی صورت ایشان بیشتر می شد. مثل یک کسی که مدتها عزیزش را ندیده، وقتی به وطنش برمی گردد و به کوچه شان می رسد در آن لحظات آخر می دود. عزاداران امام حسین علیه السلام وقتی به مراکز عزاداری می رسند لب درگاه صدای یا حسین آنها بیشتر می شود. (بحارالانوار ج ۳۶ ص ۱۳۱)

این سنت الهی است که وقتی قومی طغیان و ستم را به اوج رسانند، خداوند زمینه هلاک و نابودی فرعونیان را فراهم می سازد. تازیانه های ستم فرعونی سالها بر گرده بنی اسرائیل محروم نواخته می شد. خداوند، موسای نجاتبخش را مامور رهایی آنان ساخت و فرعونیان در نیل، غرق شدند. قوم عاد و ثمود نیز در فساد و تباهی به نهایت رسیده بودند که خداوند، با صاعقه عذاب و صیحه آسمانی

نابودشان ساخت. امویان نیز برای نابودی دین خدا، کمر همت بسته بودند و با عترت پیامبر دشمنی می کردند. طغیانشان که به اوج رسید، موجی از خون از کربلا به راه افتاد و سلطه اموی را ویران ساخت. اگر حکومت شوم بنی امیه را، شام مرگ و تیرگی ظلمت به شمار آوریم، نهضت حسینی و خون شهدای کربلا، فجری بود که دیوار ظلمت ظلم را شکافت و روزنه‌ای به روز بیداری و فجر رستگاری گشود. حسین بن علی علیه‌السلام با عاشورای خویش، فجری از ایمان و عقیده و حریت را در ظلمت ظلم و در سیاهی ستم پدید آورد.

### **کهیص (اولین آیه از سوره مریم) و حضرت یحیی**

از جمله سور شریفه قرآن کریم که در آن اشاراتی به امام حسین علیه السلام وارد شده، سوره مبارکه مریم است. در همین سوره آیاتی نیز در شأن **حضرت یحیی** علیه السلام آمده است، پیامبری که زندگانی و شهادت ایشان شباهت فراوانی به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام داشته است... کمال الدین دمیری از علمای بزرگ اهل تسنن می نویسد: چهار نفر پس از مرگ صحبت کردند:

۱. **یحیی بن زکریا** (علیهما السلام) هنگامی که ذبح شد. ۲. **حبیب نجار** (مؤمن آل یس) هنگامی که گفت ای کاش قومم می دانستند. ۳. **جعفر طیار** (علیه السلام) هنگامی که آیه **وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَىٰ آخِرٍ رَّا خَوَانِد**.

۴. **حسین بن علی** (علیه السلام) هنگامی که آیه **سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ** و آیات سوره کهف و ... را تلاوت کرده اند. در برخی روایات، عبارت **کهیص** (سوره مریم سلام الله) به واقعه کربلا تأویل شده است،

## تفسیر قرآن , آگاهی از آینده

فاضل گرامی سید نورالدین جزایری در کتاب خود «خصایص الزینبیه» چنین نقل می کند: روزگاری که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کوفه بود، زینب (سلام الله) در خانه اش مجلسی داشت که برای زنها قرآن تفسیر و معنی آن را آشکار می کرد

روزی **کهیص** را تفسیر می نمود که ناگاه امیرالمؤمنین به خانه او آمد و فرمود: ای نور و روشنی دو چشمانم! شنیدم برای زن ها **کهیص** را تفسیر می نمایی؟  
زینب (سلام الله علیها) گفت: آری

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: این رمز و نشانه ای است برای مصیبت و اندوهی که به شما عترت و فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روی می آورد. پس از آن مصائب و اندوه ها را شرح داد و آشکار ساخت. آن گاه زینب گریه کرد. زینب (سلام الله علیها) عرض کرد: من قبلاً این حوادث را که برایم رخ می دهد، از مادرم فاطمه سلام الله شنیده بودم. (الله اکبر)

این حروف رمزی است که فقط خداوند و اولیاء الله و معصومین به اذن خدا اطلاع دارند. خدا داستان حضرت سیدالشهداء علیه السلام را برای زکریا نقل کرده :  
تفسیر **کهیص** این است؛ پس **کاف** علامت اختصاری نام کربلاست، **هاء** علامت شهادت خاندان امام حسین علیه السلام ، **یاء** علامت نام یزید بوده که همان کسی است که این ستم را بر امام حسین علیه السلام روا داشته، **عین** علامت عطش و تشنگی امام در روز عاشورا است و **صاد** علامت صبر و بردباری سیدالشهداء در مواجهه با این مصائب است.

کهیصص، از حروف مقطعه قرآن است که در آن اسرار و رموزی نهفته و در برخی دعاها خداوند را به این حروف سوگند می‌دهیم و می‌گوییم: بحق کهیصص چنانکه حضرت علی علیه السلام در دعایی فرمودند: اللهم نسئلك یا کاف، ها، یا، عین، صاد. طبق برخی تفاسیر، این حروف رمزی اشاره به حوادث یا فضایل یا مسایلی دارد که اهل بیت به علم آن آگاهند. از جمله تفسیرها و تاویل های این حروف، انطباق آن با حادثه کربلا است.

در روایات است: حضرت زکریا علیه السلام نام پنج تن آل عبا را از جبرئیل فراگرفت و چون به نام امام حسین علیه السلام می‌رسید، اندوهگین می‌شد و اشک در چشمش می‌آمد، اما با نام های دیگر، اندوهش می‌رفت.

راز آن را از خداوند پرسید. خداوند با «کهیصص» قصه آن را خبر داد.

زکریا سه روز در مصیبت حسین علیه السلام گریست و از خدا خواست که فرزندی به او عطا کند و با محبت او، آزمایشش کند و آن گونه که محمد صلی الله علیه و آله را در سوگ فرزندش به داغ نشانند، او را هم داغدار کند.

پس خداوند، یحیی را به او عطا کرد. یحیی نیز همچون حسین علیه السلام شش ماهه به دنیا آمد. میان یحیی بن زکریا و حسین بن علی شباهت های دیگر نیز وجود دارد.

سر هر دو مظلومانه بریده شده و سر هر دو در طشت و طبقی پیش طاغوت زمانشان نهاده شد.

## عاشورا ، مهم‌ترین سوره از قرآن ناطق

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعُذًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ  
«توبه ۱۱۱»

همانا خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند پس (دشمنان دین را) به قتل می‌رسانند و (یا خود) کشته می‌شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده، و از خدا با وفاتر به عهد کیست؟ پس از این معامله‌ای که کردید بسی شاد باشید که این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است.

حق تعالی در قرآن کریم به مؤمنین امر می‌فرماید تا با بذل مال و امکانات و موقعیت اجتماعی و حداکثر تلاش و کوشش در راه خدا و بذل جان و استقبال از مرگ و قتل و شهادت خود و دوستان و اقوام و خاندان و استقبال از اسارت و شکنجه و زندان و تبعید و تهدید برای رضای خدا و دفاع از دین خدا مجاهدت نمایند

و عالی‌ترین درجه تجسم عملی و عینی ویژگی‌های برجسته و ارزشمندی است که حق تعالی تحت عنوان ویژگی‌های مؤمنین و متقین و ابرار و عبادالرحمن و حزب الله و رجال الهی و موقنین و صابرين و سابقین و تائبین و مقیمین الصلوة و دهها عنوان دیگر از خواص بندگان خویش در قرآن کریم مطرح فرموده



التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ اینان  
همان از گناه پشیمانان، خداپرستان، حمد و شکر نعمت گزاران، روزه داران، نماز  
با خضوع گزاران، امر به معروف و نهی از منکر کنندگان، و نگهبانان حدود  
الهی اند، و مؤمنان را بشارت ده. (توبه ۱۱۲)

اگر در آیات مذکور تدبّر شود، اسراری از توبه، از عبادت، از حمد، از روزه، از  
نماز، از سجده، از مجاهدت با اموال و انفس و معامله با خدا و از اسرار فوز  
عظیم و از اسرار امر به معروف و نهی از منکر و از اسرار مراقبت از حدود و  
ارزش های الهی بر ما متجلی خواهد گشت که تا قبل از آن بی بهره بودیم .

چنین پیوندی بین عاشورا و تمامی آیات عرفانی و اخلاقی در قرآن و ویژگی های  
انبیاء و صدیقین و شهدا و اولیاء و ابرار و متقین و موقنین و صابرین و حزب الله  
و مؤمنین حقیقی وجود دارد چنین پیوندی بین عاشورا و تمامی آیات در دفاع از  
دین خدا و اجرای دستورات الهی در برخورد با منافقین و ضالین و خائنین به  
اسلام و قرآن وجود دارد گویا حضرت قرآن ناطق و قرآن عملی و قرآن مجسم و  
قرآن متجلی و مشهور است که در روز عاشورا تجلیات آیات وجود خود را برای  
اهل معرفت به نمایش گذاشته است.

عالی ترین درجه تجسم عینی و عملی آیات فوق در عاشورا توسط حضرت بوجود  
آمده و تمامی ظرائف و اسراری که حق تعالی در آیات فوق مطرح فرموده و یا  
مستتر نموده در عاشورا تجسم یافته و او حقیقت توبه، و عبادت حقیقی،  
حقیقت حمد، و روزه داری حقیقی، حقیقت رکوع و سجود حقیقی و حقیقت امر

به معروف و نهی از منکر حقیقی و حقیقت محافظت و پاسداری از حدود و ارزش‌های الهی را از رسول خدا و اهل البیت او آموخته و خود زاهدترین و عابدترین و عارف‌ترین فرد زمان خود پس از رسول خدا و اهل البیت علیهم السلام بوده است

امام حسین (علیه السلام) از بیعت یزید سر باز زد و قصد داشت از مدینه خارج شود، برادرش محمد بن حنفیه به خدمت ایشان رسید و عرض کرد: به نظر من تا می‌توانی از شهرها و حوزه تسلط یزید دوری کن قاصدهایی به اطراف گسیل‌دار و مردم را به بیعت خود بخوان اگر با تو بیعت کردند، حکومتی چون حکومت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تاسیس کن.

ولی اگر به گرد دیگری جمع شدند، سکوت اختیار کن یا به مکه برو اگر آنجا را محل مطمئنی یافتی همانجا بمان وگرنه به طرف یمن برو که مردم یمن یاران جدت، پدرت و برادرت بودند، اگر در آنجا هم ایمن نبودی به کوهها و بیابانها برو تا ببینیم کار این قوم به کجا می‌رسد، خدا بین ما و این قوم قضاوت کند. همین پیشنهاد را نیز عبدالله بن عباس می‌کند (طبری ج ۵).

امام این پیشنهادها را نمی‌پذیرد؛ چرا که دلایل بسیاری داشت که این حرکت هیچ سودمند نخواهد بود؛ زیرا هدف آن حضرت (علیه السلام) تنها گریز از بیعت نبود، بلکه مقاومت و مقابله با خلافت شخص فاسد و فاجری چون یزید است. می‌فرماید: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذَا بَلِيَتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدٍ؛** آنگاه که افرادی چون یزید بر مسند حکومت اسلامی بنشینند، باید فاتحه اسلام را خواند. (مقتل خواری ج ۱ ص ۱۸۴ لهوف ص ۲۰).

آیاتی که امام حسین علیه السلام در مسیر حرکت خود به آنها استناد فرمودند :

آیه اول) : احزاب ۳۳ بیعت با یزید هرگز

حرکت امام حسین (علیه السلام) از مدینه تا کربلا اتفاقات قابل تأمل رخ داد و حضرت در مقابله با هر کدام با تأسی از قرآن حرکت خود را قاطعانه پیش می بردند در مدینه نماینده یزید مأمور شد تا از امام بیعت بگیرد، امام این آیه را فرمودند: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً** (احزاب ۳۳)

که از اهل بیت نبوت، الهه

بخواهد کند دور رجس و گناه

شما را ز هر عیب سازد بری

کند پاک و تطهیر از هر بدی

یعنی سازش ما اهل بیت با ناپاکان و بنی امیه هرگز هیئات من الله

يُطَهِّرْكُمْ بمعنای پاک نگه داشتن است نه پاک کردن از آلودگی قبلی

پیامبر اکرم، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) را زیر آن عبا گرد آورده و در جملات از سوی خدا بر او نازل گشت (۲۴ ذی الحجه). مسیحیان نجران، پس از گفت و گوی بسیار با پیامبر گفتند: گفت و گوهای شما ما را قانع نمی کند پس در وقت معینی با یکدیگر مباحله نمائیم و بر دروغگو نفرین بفرستیم، و از خدا بخواهیم دروغگو را هلاک و نابود کند. در این هنگام بود که حضرت جبرائیل نازل گردید، آیه مباحله را آورد. شاید سران هیئت نمایندگی نجران گمان می کردند که محمد (صلی الله علیه و آله) با افسران و سربازان خود به میدان مباحله بیاید. مسیحیان همگی با بهت و حیرت به چهره یکدیگر نگاه کردند و از اینکه او فرزندان معصوم و بی گناه و یگانه دختر و یادگار خود و داماد و پسرعمویش را به صحنه آورده، تعجب کردند و منصرف شده و به دادن مالیات و جزیه تن دادند.

## اطاعت از سیره ی پدرم علی علیه السلام

**آیه دوم): هود ۸۸** قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُم إِلَىٰ مَا أَنهَآكُمْ عَنْهُ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ

بگفتا که ای قوم تدبیر چیست	شما را مسبب به تکفیر چیست
چو بر من بدادست پروردگار	بسی حجت روشن و آشکار
به من داده روزی پاک و حلال	نه آیا پرستم خدای جلال
چو نهی شما می کنم در عمل	نباشد مرا قصد جنگ و جدل
که منظور من هست تنها همین	که اصلاح سازم شما را چنین
چو توفیق خواهم ز پروردگار	بکردم توکل برآن کردگار
به درگاه لطفش بپردم پناه	بجز راه یزدان نبودست راه

امام حسین علیه السلام در پایان وصیت نامه ای که قبل از حرکت به کربلا نوشتند به آیه فوق استناد کردند توفیق من جز به (اراده) خدا نیست که بر او توکل کرده به او روی آورده ام. کفار اعتراض داشتند که چرا ما از تصرف در اموالمان آزاد نباشیم؟

حضرت شعیب علیه السلام در این آیه جواب می فرمایند که اگر من شما را از تصرف بی قید و شرط محدود می کنم، به جهت اصلاح زندگی و جامعه ی شماست، نه به خاطر دشمنی، حسادت، تنگ نظری و یا امور دیگر، زیرا مصالح فردی نباید موجب ضرر و زیان به مصالح عمومی شود. جمله ی معروف امام حسین علیه السلام در وصیت نامه خود چنین می فرماید: **إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَ**

لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ  
أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ مِنْ أَرْوَى شَرَارَتِ  
وَ مَفْسَدِهِ وَ يَا بَرَاءَ فِسَادِ وَ سَتْمَگَرِي قِيَامِ نَكْرَدَم، مِنْ فِقْطِ بَرَاءِ إِصْلَاحِ دَرِ اَمَّتِ  
جَدِّمِ اَزِ وَطَنِ خُرُوجِ كَرْدَم. قِصْدِ دَارِمِ بَهِ مَعْرُوفِ اَمْرِ كَنَمِ وَ اَزِ مَنكَرِ بَازِ دَارِمِ وَ بَهِ  
سِيرِهِ وَ رُوشِ پَدْرَمِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبِ عَمَلِ نَمَائِمِ.

امروزه که فساد در اشکال گوناگون آن جامعه ما را به نابودی کشانیده و سیاست  
های نژاد گرایانه و ضد ارزشی پایه های اخوت اسلام و وحدت ملی در جامعه ما  
را متزلزل ساخته، ظلم و بیدادگری امن و آسایش زندگانی ما را ویران ساخته است،  
بیش از هر زمان دیگر و بیشتر از هر جامعه دیگر به درس های حسین علیه السلام و  
عاشورایش نیازمندیم.

اگر حسین علیه السلام برای احیای ارزشهای دین جدش از برق شمشیرهای سپاه ظلم  
و تباهی استقبال نمود و اگر حسین علیه السلام برای ترویج اندیشه اصلاحی و اصلاح  
گری در میان امت جدش به استقبال مرگ شتافت، ما بعنوان پیروان حسین و  
عاشورا نمی توانیم صرفاً به سوگواری و ماتم اکتفاء نماییم.

وظیفه آزادیخواهان، حرکت در مسیر عاشورا و تعقیب خط سرخ شهادت و  
شهامت بر سر عهدی است که با خدای خویش بسته و از مرزهای دینی و  
اعتقادی مان دفاع نماییم. اگر زینب علیها السلام برای انعکاس صدای  
عدالتخواهانه و دادگرایانه حسین علیه السلام کوچه های غربت و اسارت را در  
نوردید و با شهامت و عزت پیام خون حسین علیه السلام و کربلا را به گوش  
تاریخ زمزمه نمود،

ما اینک وظیفه داریم مخاطبان با درک و با احساس برای دریافت درس ها و آموزه های همیشه جاوید این پیام باشیم و با زنده نگهداشتن خط سرخ عاشورا با زینب علی همصدا گردیم.

تجلیل از حسین علیه السلام و عاشورا تحلیل از درس ها و آموزه های ماندگار این رخداد تاریخی است و زنده نگهداشتن نام و خاطره کربلا حرکت در مسیر عاشورا و حسینی زیستن و عاشورایی مردن است.

امیدورام با گذشت یک عاشورای دیگر روح و روان ما بیش از زمان های دیگر حسینی و عاشورایی گردیده و جان و دل مان برای همیشه همراه با حسین و همزاد با عاشورا تابناک و پر خروش باشد تا بر باطل و فساد بشوریم و با ظلم و بیداد درآزیم و در مسیر ایثار و شهادت پایدار مانیم.

## پیام آیه

۱. هدف انبیاء علیهم السلام اصلاح انسان ها و جوامع بشری است **إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ**
۲. مرز کار انبیا توان و قدرت آنهاست، نه ساعت، روز، ماه و سال. **مَا اسْتَطَعْتُ**
۳. اراده‌ی کارها از ما، ولی میزان توفیق از خداست. **إِن أُرِيدُ، مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ**
۴. در کارها آخرین تلاش را بکار ببریم، و بدانیم که موفقیت به دست خداست.
۵. توکل زمانی نتیجه‌بخش است که در کنار تلاش باشد. **مَا اسْتَطَعْتُ، تَوَكَّلْتُ**
۶. مصلح باید خود صالح و اهل ایمان، توکل، انابه و سوز باشد. **(مَا اسْتَطَعْتُ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ)**
۷. در این آیه برای امر به معروف و ناهی از منکر این سفارشها شده است.

## زیر بار ظلم نرفتن

آیه سوم قصص ۲۱ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

به وحشت از آن شهر موسی گریخت که دانست خونش بخواهند ریخت  
همی گفت نالان به یکتا خدا کزین ظالمان ساز من را رها

این آیه را حضرت موسی از خدا خواست که از ظلم ستمکاران محفوظ بماند.  
امام حسین علیه السلام در آخر ماه رجب به سمت مکه حرکت کرد. حضرت هنگام  
خروج از مدینه این آیه را تلاوت کردند.

شخصیت امامت حسین (علیه السلام) مانند نبوت حضرت موسی (علیه السلام) بروز و  
ظهور پیدا کرده بود، لذا آیاتی که امام علیه السلام تلاوت می کند دقیقاً با حالات  
حضرت موسی علیه السلام مطابقت دارد. مدینه نیز در منطقه حکومتی یزید قرار  
داشت، به همین جهت می خواستند در آنجا از حضرت بیعت بگیرند. امام درست  
مانند حضرت موسی همان آیه را تلاوت می فرماید که جنبه نفی داشت فَخَرَجَ  
مِنْهَا خَائِفًا

شجاعت، به معنای در دسترس دشمن قرار گرفتن نیست

- زندگی اولیاء الله غالباً با آوارگی و سختی همراه بوده است
- سعی و همت خود را بکار بریم؛ ولی نتیجه را از خداوند بخواهیم
- دعا باید با تلاش و حرکت همراه باشد

- رهبران الهی، در همه حالات از خداوند استمداد می کنند. رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ  
الظَّالِمِينَ، (رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي،

## راه هدایت فقط از جانب خداست

آیه ۴ قصص ۲۲ وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ

چو بیرون شد از مصر با درد او به مَدْيَنُ همی روی آورد او

بگفتا امیدست یکتا خدا به راه درستم شود رهنما

هنگامی که امام ۳ شعبان (قبل از حرکت به کربلا) حضرت هنگام ورود به منطقه امن مکه که نقطه آغاز تولد شخصیت جدید او محسوب می‌شود این آیه را تلاوت می‌کند. هم تولد شخصی حسین (علیه السلام) و هم تولد شخصیتی او در یک روز بوده است. این تقارن عجیبی است این از مواردی است که در تاریخ کمتر دیده می‌شود. در مکه هم در امان نبودند یزید مزدورانی را اجیر کرده بود که زیر لباس احرام شمشیر پنهان کرده و مترصد فرصتی بودند که امام را اجبار به بیعت کرده و در صورت امتناع ترور نمایند. امام حسین علیه السلام می‌دانست که بیعت کردن با فردی مثل یزید یعنی فاتحه‌ی اسلام را باید خواند لذا حج را نا تمام گذاشته و عمره بجا آورده و خارج می‌شوند.

۱- تحرک، هجرت و بکارگیری تاکتیک‌های متفاوت از لوازم یک انقلاب است.

۲- اول حرکت کنیم، سپس دعا کنیم و امیدوار باشیم. امیدواری، در همه‌ی

حالات پسندیده و فراز و نشیب‌ها، یک سنّت الهی در راه تربیت انسان‌هاست.

۴- کار خود را با استمداد از پروردگار آغاز کنیم.

۵- در محیط‌های طاغوت‌زده که زمینه‌ی انحراف و تصمیمات نابخردانه فراهم

است، از خدا، هدایت بجوئیم. يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ



## یاری دادن فرشتگان و جنیان و نپذیرفتن امام

آیه ۵،۶ نساء ۷۸ **أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَ ...**

چه باشید در برج و در قصر و کاخ      چه باشید در کومه و سنگلاخ

به هر جا که باشید و هر سازوبرگ      بگیرد گریبانتان سخت مرگ

امام حسین علیه السلام بسوی مدینه رهسپار شد گروه هایی از جن و فرشته برای یاری آن حضرت حاضر شدند و امام آیات فوق را تلاوت فرمودند و یاری آن ها نپذیرفت.

این آیه، هم تشویقی به جهاد و نترسیدن از مرگ در جبهه‌ی درگیری است و هم پاسخی به فال بد زندهای منافقان است، که بجای بررسی و فهم درست مسائل، تلخی‌ها و شکست‌ها را به گردن پیامبر خدا می‌اندازند.

**شان نزول :** قومی از اعراب به یکدیگر گفتند: با محمد هجرت می‌کنیم اگر سرزمین او نسبت به ما و چارپایان ما سازگار افتاد او راست می‌گوید و دین او هم راست است و اگر با ما سازگار نیفتاد معلوم می‌شود دین او درست نیست و خودش هم راستگو نمی‌باشد چون وارد مدینه شدند حال آن‌ها دگرگون شد. با توجه به قطعی و حتمی بودن مرگ، فرار از جنگ چرا؟. نباید با سلب مسئولیت از خود، لغزشها را توجیه کرد و گناهان خود را به گردن دیگری انداخت پیروزی و شکست، مرگ و حیات، تلخی‌ها و شیرینی‌ها همه در مدار مقدرات حکیمانه خداست. منشأ همه‌ی حوادث تلخ و شیرین خداست، نه آنچه ثنویت می‌گوید و اهریمن و یزدان را مطرح می‌کند

**آل عمران ۱۵۴** ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ ... يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هُنَا قُل لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

پس از آن همه غم به امر خدا	شما را فراغت گرفتی فرا .....
بگفتند کی کشته گشتیم ما	اگر کار ما بُد به امر خدا
(اگر دین ما برحق و کامل است	چرا پس بدیدیم روی شکست)
بگو گر که بودید در بیت خویش	قضا باز هم مرگ آورد پیش
کسی را که بهرش به لوح قضا	نوشته شده نیستی و فنا
به پای خودش می کند طی راه	ز منزل بیاید سوی قتلگاه
که تا آزمایش خدای جهان	هرآنچه که دارند در دل نهان
هرآنچه که دارند در قلب خویش	کند خالص آن را خداوند کیش
خدا هست آگه از اسرار و راز	دَرِ قلب ها، پیش او هست باز

پس کشته شدن عده ای از شما دلیل این نیست که شما بر حق نیستید، بلکه بخاطر قضا و قدر الهی است که بر کشته شدن گروهی از شما در این مکان خاص جاری شده، لذا هیچ گریزی از اجل مسمی نیست و به فرض که شما بیرون نمی آمدید باز آنهایی که سرنوشت آنها به قتل بود، در همین نقطه کشته می شدند. اعتقاد به مقدرات حتمی پروردگار، به انسان آرامش می دهد و امکان فرار نیست. حوادث تلخ و شکست در جبهه ها، یکی از راههای امتحان و شناسایی روحیه ها و درجات ایمان است. حوادث تلخ و شیرین، صحنه ای برای تجلی روح و فکر شماست و گرنه خداوند همه ی روحیه ها و افکار را از قبل می داند.

## صفات منافقان و یزیدیان

آیه ۷ توبه ۵۴ وَ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ  
وَ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَ هُمْ كُسَالَى وَ لَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَ هُمْ كَارِهُونَ

نشد بخشش آن جماعت قبول      که هستند کافر، به رب و رسول  
نخوانند جز با کسالت صلوات      نبخشند جز با کراهت زکات

امام حسین علیه السلام خصوصیات سپاه کفر و نفاق را که یزید بنا کرده و عدم بیعت را اعلام می دارند یزیدی که ارتباطی با نماز و قرآن ندارد و سگ باز و شراب خوار و قمار بازی بیش نیست و نمایندگانش هیچ تقیدی به اسلام و نماز ندارند و نماینده اش نماز صبح را به علت مست بودن ۴ رکعتی میخواند و ...

در داستان یوسف، زلیخا تمام درها را با دست خود بست و از یوسف کام خواست. اما یوسف علیه السلام به سوی در فرار کرد و زن هم به دنبال او می دوید. در این صحنه یوسف و زلیخا از نظر ظاهر و حرکات فیزیکی، هردو می دویدند، اما انگیزه‌ی یکی فرار از گناه و انگیزه‌ی دیگری گناه کردن بود. و این است معنای نقش نیت و انگیزه در اعمال انسان.

- با کفر، کسالت و کراهت، اعمال خیر پذیرفته نیست .  
- در قرآن، بارها منافق را کافر دانسته - متخلفان از جنگ تبوک، به ظاهر مسلمان، ولی در باطن کافرند - ارزش دهنده به کارها، نیت و نشاط و عشق است. آری انگیزه مهم است، نه حرکات فیزیکی! - هدف اسلام از انفاق، رشد انتخابی و معنوی است، نه تنها سیر کردن شکم زیرا با کمک منافقین شکم‌هایی سیر می‌شود، اما رشد معنوی برای کمک کننده حاصل نمی‌شود.

## فریبکاری، بی نشاطی در نماز

آیه ۹۰،۸ م نساء ۱۴۲ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا

دورویان به نیرنگ کوشند نیک	ببندد خداشان در حيله لیک
هرآنکه که آیند اندر نماز	به بی میلی محض آیند باز
فقط بهر نیرنگ و روی و ریا	بیایند بهر نماز و دعا
کمی با ریا یاد یزدان کنند	سپس روح خود را پریشان کنند

امام حسین علیه السلام فرمودند که اسلام فقط پوسته ای از آن باقیمانده و با خلافت یزید که شخص فاسدی است فاتحه اسلام را باید خواند. و جواب نمایندگان یزید را با این آیه پاسخ می دهد.

نکته ها منافق، کسی است که در ظاهر احکام دینی را به جای می آورد، اما انگیزه های او الهی نیست. نماز می خواند، اما از روی ریاکاری، کسالت و غفلت. او گمان می کند با این روش خدا را فریب می دهد، در حالی که نمی داند خودش را فریب داده و خداوند به درون او آگاه است و جزای فریبکاری او را می دهد. قرآن نسبت به مؤمنان جمله ی **أَقَامُوا الصَّلَاةَ** به کار می برد ولی درباره ی منافقان **قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ** و تفاوت میان **أَقَامُوا** و **قَامُوا** تفاوت میان برپاداشتن و به پا خاستن است.

فریبکاری، بی نشاطی در نماز، ریاکاری و غفلت از یاد خدا، از نشانه های نفاق است - منافقان بدانند که با خدا طرفند - کیفر خدا متناسب با عمل است - نماز منافقان، نه روحیه و نشاط دارد، نه انگیزه، نه مقدار. **كَسَالَى، يُرَآؤْنَ، قَلِيلًا.**

## آگاهی دادن به شکاکی ها

آیه ۱۰ م نساء ۱۴۳ مُدْبَذِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هُوَ لَا إِلَى هُوَ لَا وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ  
فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

دودل گشته اند و دورو در بیان      نه با مؤمنانند نه کافران  
کسی را که گمراه نماید خدا      نبینی که یابد ره راست را

تَدْبُذُ حَرَكَتِ چیزی است که در هوا آویخته باشد و هیچ جایگاه و پایگاه محکم  
و استواری در روی زمین نداشته باشد.

امام حسین علیه السلام برای کسانی که فریب خورده بودند و در شک و تردید به سر  
می بردند خود را معرفی کرده که جد و پدرش کیست و ... یعنی امام دست از  
هدایت منحرفان حتی در مقابل نمایندگان یزید بر نداشتند و سخنانی ایراد نمودند  
تا شاید هدایت شوند.

منافقان، استقلال فکر و عقیده ندارند به هر حرکتی می چرخند، به دیگران وابسته  
و بی هدف سرگردانند. منافق، آرامش ندارد چون پیوسته باید موضع جدید،  
تصمیم فوری و عجولانه بگیرد. مُدْبَذِينَ بَيْنَ ذَلِكَ

**تفسیر المیزان** منافقین بین دو گروه مؤمن و کافر متردد هستند و با هر دو طرف  
آمد و شد دارند، اما نه به کفار بستگی و تعلق دارند و نه به مؤمنان، و علت واقعی  
این مذبذب بودن منافقین این است که به علت لجاجت، خداوند آنها را گمراه  
کرده و لذا راهی بسوی هدایت ندارند. این حالت سرگردانی را خودشان بر نگزیده  
اند، بلکه مهر الهی موجب این تحریک و اضطراب برای آنها شده تا سعی و  
تلاششان در زندگی به یک هدف ثابت و آرامش بخش منتهی نگردد.

## پایان زندگی مرگ است تهدید چه معنایی دارد

آیه ۱۱۸ آل عمران ۱۸۵ کل نفس ذائقة الموت و إنما توفون أجوركم فمن زحزح  
عن النار و أدخل الجنة فقد فاز و ما الحياة الدنيا إلا متاع الغرور

هرآن کس که آمد به دار الفنا

چشد لاجرم شربت مرگ را

همانا که بینند روز شمار

سزای عمل نیز فرجام کار

پس آن کس که خود را ز سوزنده نار

نگه داشت و ماند از آن برکنار

بگردید داخل به باغ بهشت

سعادت نصیبش شد از سرنوشت

بلی زندگانی دنیای نیست

متاع فریبنده ای بیش نیست

این آیه را امام حسین علیه السلام در جواب مصلحت اندیشان و سازشکاران تن پرور و گاهی هم وقتی تهدید ماموران یزید را می شنیدند تلاوت می فرمودند. این آیه به اولیای الهی که مورد آزار و اذیت و تکذیب کفار قرار می گیرند، روحیه صبر و مقاومت می بخشد، زیرا می فرماید: همه می میرند و لجاجت‌ها موقتی است و پاداش تحمل این مشکلات را خداوند بی کم و کاست عطا می کند.

(۱) مرگ در راه است، پس این همه لجاجت و استکبار در برابر حق، برای چه؟

(۲) مرگ، عدم نیست، یک امر وجودی قابل درک و راه انتقال از دنیا به آخرت است.

(۳) گناهان و عوامل سوق دهنده به دوزخ، دارای جاذبه‌هایی است که باید انسان با نیروی ایمان و عمل صالح خود را برهاند. زُحِزِحَ عَنِ النَّارِ

(۴) جزای کامل در آخرت است، و پاداش‌های دنیوی بی ارزش. تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

## تهمت به ولی خدا اختلاف افکنی

آیه ۴۱ م یونس ۴۱ وَ إِن كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ  
وَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ

بسی افترا بر تو آورده اند	چو تکذیبت ای مصطفی کرده اند
سرانجام آن هرچه شد مال من	بگو کار من باشد از خویشتن
سرانجام آن نیک و بد، هرچه بُد	که کار شما نیز از بهر خود
که بیزار هستم ز فعل شما	شما یید از کار نیکم جدا

در آستانه عید قربان که امام حسین علیه السلام به دلیل شدت فشارها و ناامنی موجود تصمیم به خروج از مکه و حرکت به سوی کربلا گرفتند نماینده یزید که مأمور شده بود یا بیعت از امام بگیرد یا او را به شهادت برساند در راه مکه راه را بر امام و اهل بیتش بست و درگیر شدند به امام گفتند: می ترسیم شما بین مردم و حکومت یزید شکاف و اختلاف بیفکنی!

(۱) در مقابل تکذیب کنندگان احساس شکست نکنیم، چون پاداش هدایت و ارشاد را می بریم و مخالفان نیز به کیفر تکذیب و لجابت خود می رسند ولی برنده ی این معامله ما هستیم. (لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ)

(۲) اسلام دین استدلال و اخلاق است، نه سازش با کفار. اگر حق را پذیرا نشدند، بیزاری خود را از رفتار و عقاید آنان اعلام کنیم. (أَنْتُمْ بَرِيئُونَ، وَ أَنَا بَرِيءٌ)

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

کسانی که چون محنت آید به پیش شکیبائی آرند هر لحظه بیش

بگویند مائیم از کردگار به او بازگردیم فرجام کار

در وسط راه بود که خبر خیانت مردم کوفه و شهادت پسرعم امام مسلم بن عقیل به ایشان رسید.

فرزدق شاعر معروف در بین راه مکه و عراق به امام چنین گفت: چگونه به طرف عراق می روی در حالی که پسرعموی تو را کشته اند؟ امام بلافاصله پس از شنیدن خبر آیه استرجاء را تلاوت فرمودند

صابران، به جای خود باختگی و پناهندگی به دیگران، تنها به خدا پناه می برند. زیرا از دید آنها، تمام جهان کلاس درس و میدان آزمایش است که باید در آن رشد کنیم. دنیا جای ماندن نیست، خوابگاه و عشرتکده نیست و شداید و سختی های آن نیز نشانه ی بی مهری خداوند نیست.

ناگواری ها برای آن است که زیر پای ما داغ شود تا تندتر و سریعتر حرکت کنیم، بنابراین در تلخی ها نیز شیرینی است زیرا شکوفا شدن استعدادها، کامیابی از پادشاهای الهی را بدنبال دارد مصیبت هایی که از طرف اوست، تصرف مالک حقیقی و خداوند در مملوک خود است.



## یاد خدا به هنگام ناگواری‌ها، آثار فراوان دارد:

- الف: انسان را از کلام کفر آمیز و شکایت باز می‌دارد.
- ب: موجب تسلیت و دلداری و تلقین به انسان است.
- ج: مانع وسوسه‌های شیطانی است.
- د: اظهار عقاید حق است
- ه: برای دیگران درس و الگو شدن

## مردم در برابر مشکلات و مصایب چند دسته‌اند:

- الف: گروهی جیغ و داد می‌کنند. «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً»
- ب: گروهی بردبار و صبور هستند. وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ
- ج: گروهی علاوه بر صبر، شکرگزارند. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمَدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلٰى مُصَابِهِمْ

این برخوردها، نشانه‌ی معرفت هر کس نسبت به فلسفه‌ی مصایب و سختی‌هاست. همان گونه که کودک، از خوردن پیاز تند، بی‌تابی می‌کند و نوجوان تحمل می‌کند، ولی بزرگسال پول می‌دهد تا پیاز خریده و بخورد.

## آیه ۱۴م فتح ۱۰ پیمان شکنی کوفیان

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

کسانی که کردند بیعت تو را	همانا که بستند عهد خدا
چو دستی گرفتند در دست راست	فراز چنان دست دست خداست
چو کس نقض پیمان بگیرد به پیش	زیانها رساندست بر نفس خویش
هرآن کس که آورد پیمان به جا	به عهدی که بسته است با کبریا
بزودی از این کار رب کریم	بر او اجر بسیار بخشد عظیم

در نزدیکی کربلا همین که حُرّ به امام گفت: چرا آمده ای؟ فرمود: نامه های دعوت شما مرا به این جا آورد ولی حالا پشیمان شده اید و این آیه فوق را تلاوت فرمود. پس از مرگ معاویه، امام حسین علیه السلام بیعت با یزید را مشروع ندانست و با توجه به فرمان یزید برای کشتن او در صورت خودداری از بیعت، در ۲۸ رجب سال ۶۰ قمری از مدینه به مکه رفت. در مدت چهار ماه حضور در مکه، نامه های فراوانی از سوی مردم کوفه بیعت برای پذیرش زمامداری دریافت کرد و پس از آنکه فرستاده اش مسلم بن عقیل، همدلی کوفیان را تأیید کرد، و در زمان حادثه تنها شد و بیعت شکستند. در ۸ ذی الحجه، پیش از آنکه از پیمان شکنی بعدی کوفیان و کشته شدن مسلم باخبر شود، به سمت کوفه حرکت کرد. (بیعت) به معنای پیمان و تعهد است. کسی که با دیگری بیعت می کند، گویا مال و جان خود را برای اهداف او در معرض بیع و فروش قرار می دهد

## آیه ۱۵ احزاب ۲۳ شهادت نماینده ی با وفای امام

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

از افراد مؤمن به «رب و معاد»	گروهی جوانمرد هستند و راد
به عهدی که بستند با کردگار	وفادار ماندند بس استوار
بماندند بر عهد خود پا بجای	دگرگون نکردند عهد خدای
گروهی ندادند تغییر عهد	کشند انتظار شهادت به مهد

کلمه‌ی (نحب) دارای معانی زیادی است ولی در این جا به معنای نذر و عهد و پیمانی است که چه بسا انجام آن منجر به مرگ یا خطر بزرگی شود در برابر گروهی که خواهان زندگی در رفاه بودند، (يَوَدُّوْا لَوْ اَنَّهُمْ بَادُوْنَ فِي الْاَعْرَابِ) گروهی در انتظار شهادتند

در مسیر کربلا هنگامی که خبر شهادت نامه رسان خود (قیس بن مسهر صیداوی) را شنید، گریه کرد و این آیه را تلاوت فرمود. امام حسین علیه السلام در کربلا هم هنگام وداع با اصحابش و گاهی بالای سر شهدا این آیه را تلاوت می فرمود.

**شیخ طوسی :** چنین روایت شده که این آیه درباره حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب و علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده و منظور از این قسمت آیه فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ حمزه و جعفر است و مقصود از وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ در آیه علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد. همه‌ی اصحاب پیامبر و مؤمنان در یک درجه نیستند. دفاع از حق تا مرز شهادت، نشانه‌ی صداقت در ایمان است. تعهد، لازم الاجرا و عمل به آن نشانه صداقت است

## آیه ۱۶م قصص ۴۱ هدایت در میدان نبرد

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ

بر اهل ضلالت بگشته امام بگشتند دعوت به دوزخ تمام

ندارند یاور به روز جزا که گردند از آن عقوبت رها

همین که فرماندار کوفه (ابن زیاد) نامه رسمی برای حُرّ فرستاد که راه را بر حسین علیه السلام ببندد و او نامه را به امام عرضه داشت امام آیه فوق را تلاوت فرمود .

وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ

بر اهل ضلالت بگشته امام بگشتند دعوت به دوزخ تمام

ندارند یاور به روز جزا که گردند از آن عقوبت رها

قرآن مجید همچنان که در مورد پیشوایان هدایت و نور، کلمه‌ی ائِمَّةً را بکار برده است، و جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا

این کلمه را بر جلوداران ضلالت و نار نیز اطلاق فرموده است، و جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ

ائِمَّةً : جمع امام، پیشوایان، مراد سردستگان کفر و ضلال و پیشاهنگان کاروان گمراهان است که در دنیا به آنان خَطّ و نشان می‌دهند و در دنیا پیشاپیش ایشان به سوی بدبختی حرکت، و در قیامت نیز در جلو پیروانشان به جانب جهنّم راه می‌افتند و آنان را به دوزخ می‌کشانند و بدانجا وارد می‌گردانند.

و از این رو است که در قیامت، هر کس با رهبری که در دنیا انتخاب کرده به دادگاه عدل الهی احضار می‌شود.

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فرعون نیز به عنوان یکی از همین پیشوایان در آن روز قومش را به دوزخ وارد می‌کند روحیه‌ی استکباری، انسان را رهبر دوزخیان می‌سازد

- نقش حکومت‌ها را در شکل‌دهی ساختار فرهنگی و عقیدتی جامعه نمی‌توان نادیده گرفت

- تبلیغات مستکبران، در واقع دعوت به دوزخ است

- مستکبرانی که امروز به عِدّه و عُدّه دل خوش دارند، در قیامت، بی‌کس و یاور خواهند بود

- کیفرهای الهی، مخصوص آخرت نیست. لعنت و نفرین مردم، تبلور قهر الهی است.

چنانکه دعای خیر مردم و نام نیک، نشانه‌ی لطف خداوند است.

- نفرین بر ظالم حتی بعد از نابودی او لازم است

- زشت کاری‌های دنیوی، به زشت‌روئی‌های اخروی می‌انجامد .

## آیه ۱۷م مجادله ۱۹ وسوسه و احاطه ی شیطان در سپاه دشمن

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ

همانا که ایشان به فعل و مرام بگشتند از حزب شیطان تمام

بدان حزب شیطان به روز شمار زیانکار می ماند و خوار و زار

امام حسین علیه السلام در کربلا درباره لشکر یزید برای دخترش سکینه این آیه را تلاوت فرمود و همچنین امام در کربلا به لشکر یزید فرمود استحوذ الشیطان علی اولیائه روش شیطان این گونه است که : گام به گام انسان را به سوی خود می کشاند. خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ گاهی مطلبی را القا می کند، نظیر کسی که از دور سنگی پرتاب می کند. أَلْقَى الشَّيْطَانُ

گاهی تماس می گیرد ولی نفوذی ندارد. مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ

گاهی در دل نفوذ می کند. يُوسِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ

گاهی در دل نفوذ می کند و همانجا می ماند. فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ

گاهی انسان برادر شیطان می شود. إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ

گاهی مرید شیطان می شود و شیطان بر او تسلط کامل می یابد استحوذ علیهم الشیطان حضرت علی علیه السلام می فرماید: اگر حق و باطل به طور روشن مطرح باشند، مشکلی پیش نمی آید ولی مخلوط کردن حق و باطل سبب بروز فتنه و تسلط شیطان می شود. مؤمن در صورت تماس با شیطان، متذکر یاد خدا می شود، اما منافق که از مرحله تماس به مرحله سلطه پذیری رسیده، و متذکر هم نمی شود.

## آیه ۱۸م یونس ۷۱ رسوا کردن دشمن در میدان جنگ

و اٰتٰلُ عَلَيْهِمْ نَبَاٌ نُوحٍ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اِنَّ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذٰكِرِي  
بَاٰتِ اللّٰهِ فَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ فَاَجْمِعُوا اَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ اَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ  
غُمَّةً ثُمَّ اَقْضُوا اِلَيَّ وَ لَا تَنْظُرُوْنَ.

کنون ای پیمبر تو ای پرفتوح	بر این مردمان گوی احوال نوح
که رو کرد بر امت خویشان	بر ایشان چنین راند گوی سخن
کنون گر ندارید باور شما	که هستم رسولی زیکتا خدا
بر آیات یزدان تکبر کنید	به انکارورزی تدبر کنید
ندارید باور چو اندرز من	کز الله گویم نه از خویشان
توکل نمایم به یکتا خدا	پناه من است او ز رنج و بلا
شما نیز همراه بتهای خوار	ببندید تدبیر خود را به کار
که این امر هرگز نماند نهان	شود دیر یا زود روزی عیان
هرآنچه شما را بود در توان	نمایید در حق من، بی امان

این آیه، استقامت و پشت گرمی حضرت نوح علیه السلام را به امدادهای الهی می‌رساند که از تهدیدها و نقشه‌های دشمن هراسی نداشت.

نقل شده که امام حسین علیه السلام نیز در کربلا، قبل از ظهر عاشورا این آیه را بر سپاه کوفه خوانده.

در روز عاشورا نیز در بحبوحه جنگ آیاتی را تلاوت فرمودند که علاوه بر رسوا کردن دشمن، به بیان اهداف و مقاصد خویش از جنگ پرداختند تا آنان که در لشکر یزید بودند این کلمات را شنیده باشند و خود راه خود را انتخاب کنند

آشنا کردن مردم با خبرهای مهم و مفید گذشته و تاریخ و فلسفه‌ی آن، از وظایف رهبران الهی است.

انبیا از مردم و با مردم بودند و حتی تا آخرین لحظه با مخالفان خود برخورد عاطفی داشتند.

دل اگر آمادگی نداشته باشد، حتی تذکر و یادآوری انبیا هم بر او سنگین است  
(كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذَكِيرِي).

ایمان به هدف، بزرگ‌ترین اهرم مقاومت انبیا و مبارزه‌طلبی آنان است  
انبیاء مخالفان خود را به مبارزه می‌طلبیدند.

انبیاء با توکل به خدا، قدرت‌های مخالف را تحقیر و به مؤمنان شجاعت می‌دادند  
و همه قدرت‌ها را پوچ می‌دانستند.

ارزیابی درست، جمع‌آوری قوا و تصمیم قاطع، از اصول مبارزه است. انبیا از شهادت نمی‌ترسیدند (أَمْرُكُمْ وَ شُرَكَاءُكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً)



آیه ۱۹م اعراف ۱۹۶ تقاضای امام از دشمن

إِنَّمَا وَلِيُّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ

فقط یار من هست یکتا خدا

که قرآن فرستاده اینک مرا

خداوند با صالحان است یار

بود یاور نیکوان کردگار

امام حسین علیه السلام بعد از شهادت یارانش در ظهر عاشورا آیه را تلاوت کرده و فرمودند کار مرا یک سره نمایند و مهلتم ندهید. یعنی در کنار یاران باوفای خویش را آرزو می کردند و زودتر پیوستن را در دل داشتند.

توجه صالحان به سرپرستی خداوند، سبب مقاومت و نهراسیدن آنان از مرگ است و شهادت را افتخار می دانند - رابطه‌ی خداوند با انسان مؤمن، بسیار نزدیک است و با لقای یکدیگر لذت بخش تر.

صالح بودن، از جایگاه والایی نزد خداوند برخوردار است، تمام انبیا از صالحان بوده‌اند و آرزوی ملحق شدن به آنان را داشته‌اند، چنانکه حضرت یوسف فرمود: **تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ** و ما نیز در پایان هر نماز، به آنان سلام می‌فرستیم. به طور کلی با توجه به مصادیق ولایت و پذیرش یا رد آنها، دو گونه ولایت وجود دارد ولایتهای مطرود و ولایتهای مقبول، ولایتهایی است که اعمال یا پذیرش آنها نسبت به فرد یا افرادی مطرح شده و خدای تعالی آن را تأیید کرده است. امام ولایت داشتند از طرف خدا و با ولایت مطرود به مخالفت پرداختند.

## آیه ۲۰م غافر ۲۷ پناه بردن امام به معشوق

وَ قَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ

چو موسی حکایت ز قتلش شنید بجز تکیه بر رب پناهی ندید

بگفتا بجویم پناه از خدا که او آفریدست ما و شما

ز شر هرآن سرکش پُرعناد که ایمان ندارد به روز معاد

موسی با گفتنِ عُدْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ ضمن اعلام پناهندگی خود به خدا، به مردم گفت : فرعون خدای شما نیست ضرب المثل (هر کجا نمک خوردی نمکدان نشکن) همه جا درست نیست، زیرا موسی سالها سرسفره‌ی فرعون بود ولی چون فرعون حق را نپذیرفت، عاقبت به قهر الهی گرفتارش کرد.

امام حسین علیه السلام نیز بعد از نصایح و ارشاد و معرفی خود و اتمام حجت با فریب خوردگان و زرخریدگان و هشدار به سپاهیان مقابل در انتها نیز فرمودند من به پروردگار خود و پروردگار شما از شر هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد، پناه می برم و با این اذکار بود که به میدان نبرد شتافت و جانانه در راه خداوند متعال به شهادت رسید

در برابر تهدیدهای دشمن به خدا پناه ببریم. (إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي) به کسی پناه ببریم که امور همه‌ی ما بدست اوست و همه تحت ربوبیت او هستیم. شخص فرعون مهم نیست، خصلت فرعونی مهم است که تکبر باشد و باید از آن به خدا پناه برد.

## آیه ۲۱ م آل عمران ۱۷۸ مهلت دادن خدا به کافران

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا  
وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

مبادا که ناباوران خدای	نمایند در در دل چنین فکر و رای
که این مهلتی که به آنها دهیم	چنین فرصتی که بر آنها نهیم
بر احوال آنان بود نیک تر	به خیر و صلاحست نزدیک تر
که بلکه اگر فرصتی داده ایم	بر ایشان کنون وقت بنهاده ایم
ازاین روست تا کافران به کیش	دمادم فزایند بر کفر خویش
عذابی ببینند از کردگار	که در ذلت افتند و گردند خوار

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا در اطراف خیمه‌ها و حضرت زینب سلام الله علیها در مقابل یزید این آیه را قرائت کردند. کفر، مانع شناخت حقیقت است.

اهل کفر، داشتن امکانات، بدست آوردن پیروزی‌ها و زندگی در رفاه خود را نشان شایستگی خود می‌دانند، در حالی که خداوند آنان را به دلیل آلودگی به کفر و فساد، مهلت می‌دهد تا در تباهی خویش غرق شوند

- کوتاه یا بلند بودن عمر و زمان رفاه، بدست خداست و امتیاز خوبی برای افراد ستمکار و مستکبر نیست. لذا مهلت‌های الهی، نشانه‌ی محبوبیت نیست .

- نعمت‌ها به شرطی سودمند هستند که در راه رشد و خیر قرار گیرند، نه در راه شرّ و گناه - طول عمر مهم نیست، چگونگی بهره از عمر مهم است

**خدایا! اگر عمر من چراگاه شیطان خواهد شد، آن را کوتاه بگردان.**

## آیه ۲۲ م کهف ۱-۱۳ تلاوت بعد از حادثه کربلا

نَحْنُ نَقْصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ۱۳

کنون کامل آن ماجرا را درست بگوییم بر تو ز روز نخست

که بودند آزاده مردان راد بگشتند مؤمن به یزدان داد

به نور هدایت به ایمانشان دمامم بیفزود یزدانشان

چنانکه وقتی مادر موسی وی را به دریا می اندازد و می خواهد به دخترش سفارش کند که وی را تعقیب کند و کار وی را پیگیری کند تعبیر «قُصِّیه» به کار می برد. امام حسین علیه السلام از اول سوره کهف بالای نیزه در بازار شام شروع به تلاوت نمودند و مردم متحیر بودند. و سرگذشت اصحاب کهف را یادآور شدند که به خاطر زیر بار نرفتن ظلم به غار پناه بردند و تن به ذلت مستکبران ندادند و هجرت نمودند. بهره گیری از حقایق و عبرت های تاریخ، از روشهای تربیتی قرآن است.

### مردم نسبت به فساد و جامعهی فاسد سه دسته اند

گروهی در فساد جامعه هضم می شوند. (آنان که هجرت نکنند و ایمان کامل نداشته باشند). گروهی که در جامعهی فاسد، خود را حفظ می کنند. (مثل اصحاب کهف) گروهی که جامعهی فاسد را تغییر می دهند و اصلاح می کنند. (مثل انبیا و اولیا) در روایات آمده است که اصحاب کهف، جزو اصحاب و یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) خواهند بود

وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ

چو تکذیبت ای مصطفی کرده اند      بسی افترا بر تو آورده اند  
بگو کار من باشد از خویشتن      سرانجام آن هرچه شد مال من  
که کار شما نیز از بهر خود      سرانجام آن نیک و بد، هرچه بُد  
شما یید از کار نیکم جدا      که بیزار هستم ز فعل شما

لِي عَمَلِي ... : سزا و جزای کارم را می بینم، و شما سزا و جزای کارتان را می بینید.  
أَنْتُمْ بَرِيئُونَ ... : شما مقصّر نبوده و مورد مؤاخذه قرار نمی گیرید در مقابل کاری  
که من می کنم، و من هم مقصّر نبوده و مورد مؤاخذه قرار نمی گیرم در مقابل  
کاری که شما می کنید شما از آنچه می کنم بیزار و گریزانید، من هم از آنچه می کنید  
بیزار و گریزانم

حضرت امام حسین علیه السلام در برخورد با عبیدالله بن حر جعفی، که خواست  
اسب و تجهیزاتش را به امام هدیه دهد روی برگرداند و خود را از جنگ با یاران  
یزید معذور دارد، همین آیه را تلاوت فرمود. امام حسین علیه السلام بعضی از اصحاب  
پس از آنکه دعوت امام را نپذیرفتند روی گرداند و فرمود حال که در راه ما از نثار  
جان دریغ می کنی، ما نیز به مال تو نیازی نداریم. سپس این آیه را تلاوت نمود. ما  
كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا؛ من هرگز گمراه کنندگان را یار و مددکار نمی گیرم

## پیام های آیه

۱- مردم را نمی‌توان به ایمان آوردن مجبور کرد. وظیفه‌ی پیامبران ارشاد و هدایت است، نه اجبار.

۲- رهبر باید خود را برای تکذیب گروهی از مردم آماده کند. «وَإِنْ كَذَّبُوكَ»

۳- در مقابل تکذیب کنندگان احساس شکست نکنیم، چون پاداش هدایت و ارشاد را می‌بریم و مخالفان نیز به کیفر تکذیب و لجابت خود می‌رسند ولی برنده‌ی این معامله ما هستیم. «لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ»

۴- پیامبر در برابر تکذیب کنندگان موضع‌گیری قاطعی داشت. «فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ»

۵- سود و زیان هرکس تنها به خود او بر می‌گردد. «لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ»

۶- اسلام دین استدلال و اخلاق است، نه سازش با کفار.

اگر حق را پذیرا نشدند، بیزاری خود را از رفتار و عقاید آنان اعلام کنیم.

۷- رضای به کار دیگران، انسان را شریک در پاداش یا کیفر می‌کند.

(دلیل آنکه مزد هر کس مخصوص خود اوست، این است که من و شما هیچ يك به کار دیگری راضی نیستیم)

مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَ مَا كُنْتُ مَتَّخِذَ  
الْمُضِلِّينَ عَضُدًا

در آن دم که خاک زمین و آسمان همه خلق کردیم اندر جهان

در آن دم که حتی خود این کسان همی خلق می کرد، روزی رسان

نبودند حاضر به درگاه ما گواهی نجستی از آنها، خدا

کجا کی بر این گمراهان می سزد که خواهم بگیرم از آنها مدد

امام حسین علیه السلام از عبیدالله بن حر جعفی پس از آنکه دعوت امام را نپذیرفت و سپس این آیه را تلاوت نمود ما كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا؛ من هرگز گمراه کنندگان را یار و مددکار نمی گیرم. به حضرت علی علیه السلام هم پیشنهاد دادند: تا استقرار یافتن حکومت، معاویه را بر امارت ثابت نگهدار و پس از قدرت یافتن، او را کنار بگذار! حضرت فرمود: مَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا خدا، بی نیاز مطلق است و به هیچ یآوری حتی در آفرینش نیاز ندارد و اگر اموری را به دیگران می سپارد، مانند واگذاری تدبیر به فرشتگان، (فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا) این کار امامان علی علیه السلام و فرزندش امام حسین از روی عجز و ناتوانی نیست، بلکه از روی حکمت و در مسیر تربیت و رشد انسان است و برای آیندگان که درس بگیرند و با ظلم و ظالم مدارا نکنند. حقطلبان نباید از منحرفان کمک بگیرند و باید استقلال سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند

آیه ۲۵م شعراء ۲۲۷ هشدار امام به ستمکاران

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا  
وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

مگر شاعرانی که بر کردگار بگردیده مؤمن، شده نیک کار

خدا را نمایند بسیار یاد بگویند ذکر خدا را زیاد

بر آنان چون ظلمی بیامد به پیش بجستند یاری از اشعار خویش

ستم پیشگان خود بدانند زود کدامین مکانست جای خلود

خداوند در کمین ستمگران است. و آنان که ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه کیفر گاهی و دوزخ انتقامی بازگشت می کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: مصداق روشن ظلم، ظلم در حق آل محمد علیهم السلام است. **سر مبارك امام حسين عليه السلام بالای نیزه این آیه فوق را تلاوت فرمود** و هشدار می دادند که روزگار این طور نمی ماند و انتقام سختی در انتظار ستمگران و ستم پذیران است .

همچنین ابن زیاد، پس از آن که سر مطهر امام حسین (علیه السلام) را تحویل گرفت، آن را به (خولی بن یزید اصبحی) داد و گفت: این را ببر نگهدار و هر وقت خواستم، بیاور. خولی به زنش گفت: این سر یک خارجی است که بر ابن زیاد خروج کرده و از گفتن اسمش خودداری کرد؛ آن سر را روی خاک، زیر طشت گذاشت. پاسی از شب گذشت، زن بیرون آمد. دید که نوری قوی از آن سر به سوی آسمان بالا می رود! و صدای قرائت قرآن از آن سر بریده می شنید تا طلوع فجر و **سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ** در آن شب، قضایایی رخ داد که در نهایت آن زن به دست شوهرش شهید شد.



آیه ۲۶م کهف ۹ ماجرای کربلا عجیب تر است

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا

تو آیا گمان می کنی ای سلیم که قصه است اصحاب کهف و رقیم

ولی ماجرائیست بس آشکار خبر ز آن بدادست پروردگار

آنچه که از تاریخ نقل شده این است که سر بریده و مقدس حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) به هنگامی که در شهر دمشق عبور داده می شد این آیه شریفه سوره کهف را تلاوت فرمود. شاید سر تلاوت این آیه مشترکات میان اصحاب کهف و امام حسین (علیه السلام) و یاران وی است. اما با وجود این مشترکات، خداوند، داستان حسین (علیه السلام) را شگفت تر ساخته است.

سر مطهر با زبان فصیح گفت: **أَعْجَبُ مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ قَتْلِي وَ حَمَلِي كِشْتَن** من و گرداندن سر من در شهرها از داستان اصحاب کهف نیز تعجب آورتر است.

صوت قرآن رسد از نیزه یار نغمه دارد لب خونین نگار

به لبش سوره کهف آمده باز بر سر نیزه کند راز و نیاز

(زید بن ارقم) میگوید: در غرّة خود نشسته بودم. دیدم سر بریده امام را به سر نیزه زده و می برند؛ هنگامیکه محاذی منزل من رسید، شنیدم که این آیه را می خواند. از تعجب موهای بدنم راست شد! صدا زد: **رَأْسُكَ وَ اللَّهِ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ أَعْجَبُ وَ أَعْجَبُ**؛ به خدا سوگند! سر بریده تو ای فرزند رسول خدا، عجیب تر و عجیب تر است. این ماجرا عجیب تر از جریان اصحاب کهف است. **رقیم** کوهی است که **غار** یا قریه ای که اصحاب کهف در آنجا است،

## آیه ۲۷م بقره ۱۳۷ دفع شر دشمنان

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقِ  
فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

گر ایمان بیارند همچون شما	یهود و نصاری به دین خدا
هدایت بگردند بر راه راست	به آیین پاکی که دین خداست
و گر روی از این کار برتافتند	همانا ره باطلی یافتند
الا مؤمنان به پروردگار	قوی دل بمانید نیز استوار
همانا شما را یگانه اله	خود از شر آنها بدارد نگاه
به هر چیز آگاه باشد خدای	سمیع و علیم است هم رهنمای

سلمة بن کهیل میگوید: **سر بریده امام حسین علیه السلام را بالای نیزه دیدم که این آیه را می خواندند.**

اگر اهل کتاب، یهود و نصاری، به جای سرسختی و خودمحوری و تکیه بر مسائل نژادی و قبیله‌ای، همانند شما مسلمانان به تمام انبیا و کتب آسمانی ایمان بیاورند و تعصبات نابجا را کنار بگذارند، حتماً هدایت می‌یابند، ولی اگر همچون گذشته، تنها خود را بر حق بدانند و دیگران را منحرف بشمارند، آنان در ستیز باحق و جدایی از حق خواهند بود. البته شما مسلمانان به راه خود دلگرم باشید و از تحقیرها و توطئه‌های آنان نترسید. چون خداوند شر آنان را از شما دفع و شما را در برابر آنان حمایت و کفایت می‌کند، زیرا که او شنوای داناست. مسلمانان، الگوی هدایت یافتگان واقعی هستند **بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ** زیرا به تمام انبیا و کتاب‌های آسمانی، ایمان و اعتقاد و احترام دارند.

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ تَرِنًا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا  
وَوَلَدًا

تو آن دم که در باغ وارد شدی      که مفتون این مال و ثروت بُدی  
نگفتی چرا، طبق میل خداست      هرآن چیز کاندرا جهان پابجاست  
به غیر از خدا نیست ربی دگر      که باشد توانا به خلق اثر  
گر امروز من را به فرزند و مال      فروتر بینی ز خود در مال  
نگردی تو مغرور بر این صفت      که داری چنین رتبت و منزلت

ابن شهرآشوب: وقتی یزید در پی اعتراض سفیر روم به ظلم رفته بر ابا عبد الله، دستور به کشتن او داد، سر مبارک امام حسین علیه السلام با صدای بلند فرمود لا حول و لا قوه الا بالله هر دگرگونی و نیروی، تنها به دست خدا است از این رو انسان، با گفتن این ذکر، خود و امور زندگانی اش را به خدا می سپارد. البته این عبارت در قرآن نیامده، اما عبارت لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ یک بار به کار رفته است قوت و نیرو فقط به دست خدا است. از این رو انسان، با گفتن این ذکر، خود و امور زندگانی اش را به خدا می سپارد امام حسین علیه السلام در روز عاشورا پیوسته این ذکر را بر زبان جاری می کرد

**تفویض امور**: امام با گفتن إلهی رضاً برضاک، تسلیماً لأمرک، صَبْرًا عَلَی قَضَائِکَ، یا رَبِّ لا معبود سواک، عاقبت ستمگران را به خدا واگذار نمودند.

## آیات ۲۹م کهف ۱۱.۱۲ واکنش امام از تعجب

فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿١١﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ﴿١٢﴾

خداوند میراندشان چند سال	چو توصیف کردند خود شرح حال
خداوند زد پرده بیهوشی	که بر گوش آنها خود از خاموشی
همه فارغ از آن همه شور و تاب	بگشتند بیدار ز آن پس ز خواب
که بودند در محنت و در ستوه	که معلوم گردد کز آن دو گروه
همه فارغ از رنج و دور از عذاب	چه مدت برفتند یکسر به خواب

(حرث بن وُكَيْدَةَ) می گوید: من در میان مأموران حمل رأس امام حسین علیه السلام بودم، شنیدم این آیات را قرائت کرد؛ و نیز شنیدم که آیه وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ... را خواند؛ من در پیش خودم تعجب کرده و مشکوک شدم.

در همان حال صدای امام را شنیدم که فرمود: يَا ابْنَ وُكَيْدَةَ أَمَا عَلِمْتَ إِنَّا مَعَشَرَ الْأَئِمَّةِ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّنَا؛ ای فرزند وُكَيْدَةَ! آیا نمی دانی که ما امامان نزد خدا زنده ایم؟

پیش خود تصمیم گرفتم که سر امام را از مأموران سرقت کنم و جای دیگری ببرم و احترام بگذارم.

امام صدا زد: ای فرزند وُكَيْدَةَ! نمی توانی این کار را بکنی! گناه ریختن خون من به وسیله آن ها از گرداندن سرم بزرگ تر است! آن ها را به حال خود واگذار.

## آیه ۳۰ م غافر ۷۱.۷۰ نادیده گرفتن آیات الهی

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَ بِمَا أُرْسِلْنَا بِهِ رُسُلْنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ \* إِذِ الْأَغْلَالُ فِي  
أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ؛

کسانی که در صحبت و در خطاب دروغین بخواندند ما را کتاب

همه حکمهای خدای جهان که ابلاغ کردند پیغمبران

دروغین بخواندند قوم عنود بدین کار کیفر بگردند زود

کشیده شود گردن کافران به غلها و زنجیرهایی گران

امام حسین علیه السلام از عاقبت و سرانجام کار سپاه مقابل خود هشدار دادند و با شرائطی که پیش می آمد باز هم خطبه ها خواندند و زمانی که نصایح خود را بی نتیجه دید فرمودند شکم های شما از مال حرام پر شده و سخن حق را نمی توانید بپذیرید. (اشاره به وعده ها و پول هایی که در میان سپاه از طرف عبیدالله و یزید بین سپاه کوفه و ..... توزیع شده بود)

در این آیه انواع عذاب برای کافران مطرح شده است:

الف) شکنجهی جسمی در غل و زنجیر. الْأَغْلَالُ

ب) شیوهی بردن به دوزخ که با تحقیر است. يُسْحَبُونَ

ج) اول در آب داغ، سپس در آتش دوزخ. فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ

د) آتش برافروختهی دوزخ که هرگز سردی و تخفیف ندارد. يُسْجَرُونَ

ه) سؤال از شرکای خیالی که مایهی شرمندگی آنان است. قِيلَ لَهُمْ أَيَّنَ

## آیاتی که امام سجاد علیه السلام در کاخ یزید جهت آگاهی؛ تلاوت و به آن استناد فرمودند

### ۳۱. مَوَدَّةٌ فِي الْقُرْبَى شوری ۲۳

پیرمردی از شامیان در مقابل قافله اسیران ایستاد و گفت: شکر خدای را که شما را کشت و یزید را بر شما پیروزی داد. امام زین العابدین (علیه السلام) به آن مردی که از تبلیغات زهرآگین اموی در امان نمانده بود، فرمود: ای شیخ، آیا قرآن خوانده ای؟ گفت: آری فرمود: این آیه را قرائت کرده ای

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى** گفت:  
آری امام (علیه السلام) فرمود: آن خویشاوندان که خدای تعالی به دوستی آنها امر فرموده و برای رسول الله اجر رسالت قرار داده ماییم.

به مردم بگو ای رسول خدا  
نخواهم نه اجر و نه مزد از شما  
مگر آنکه در حق خویشان من  
محبت بورزید اندر وطن

۳۲. **پس آیه تطهیر** (احزاب ۳۳) را امام سجاد علیه السلام که در حق اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است برای پیرمرد و حاضرین در مجلس یزید تلاوت فرمودند  
**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**

که از اهل بیت نبوت، اله  
بخواید کند دور رجز و گناه  
شما را ز هر عیب سازد بری  
کند پاک و تطهیر از هر بدی

مراد از این آیه ماییم که خداوند ما را از هر آلائش ظاهر و باطن پاکیزه داشته است و حالا ای مردم حال و روزگار ما خاندان را می بینید که یزیدیان و ... چه کردند و ما را خارجی معرفی می کنند در حالی که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن اشاره گردیده است.

**۳۳ . آیه خمس** (انفال ۴۱) سپس آیه خمس را تلاوت کردند و به معرفی خود پرداختند و بعضی از روایات استفاده می شود که حتی امام سجاد (علیه السلام) به هنگام اسارت در شام با همین آیه به شامیان استدلال فرمود و گفت: منظور از آیه آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ مائیم که خدا به پیامبرش دستور داده که حق ما ادا شود (و این چنین شما شامیان همه این حقوق را ضایع کردید).

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمْسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى  
وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ ...

بدانید ای مؤمنان ز آنچه هست	که آید شما را غنیمت بدست
بود خمس آن از خدای نکو	ز پیغمبرست و ز خویشان او
رسد بر یتیمان و شخص فقیر	بر آن کس که در راه شد ناگزیر
چو دارید ایمان به یکتا خدا	بر آنچه که فرمود بر مصطفی
بباید ز حکم غنیمت کنون	اطاعت نمایید بی چندوچون
که یزدان تواناست بر هرچه هست	به هر چیز بر قدرت آورده دست

پیرمرد بسیار تعجب کرد و گریست و گفت چقدر من بی خبر مانده ام. سپس به امام (علیه السلام) عرض کرد: اگر توبه کنم آیا توبه ام پذیرفته است؟ امام به او اطمینان داد این پیرمرد را به خاطر همین آگاهی به دستور یزید شهید کردند. ذی القربی، ما هستیم. فقها، خمس را در هفت چیز واجب می‌دانند:

۱. سود و منفعت کسب و درآمد سالیانه،

۲. گنج، ۳. معادن، ۴. گوه‌هایی که از غواصی به دست می‌آید،

۵. مال حلال مخلوط به حرام، ۶. زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد،

۷. غنیمت جنگی.

بسیار روشن است که خداوند نیاز به خمس ندارد، بنابراین سهم خدا، برای حاکمیت قانون خدا و ولایت رسول، تبلیغات و رساندن ندای اسلام به گوش جهانیان، نجات مستضعفان و جلوگیری از مفسدان است

برپایه‌ی روایات، سهم خدا در اختیار رسول و سهم رسول پس از او، در اختیار امام است. و این سه سهم در زمان غیبت امام، در اختیار نواب خاص و یا نواب عام او یعنی مجتهد جامع الشرایط و مرجع تقلید قرار داده می‌شود.

**ذی القربی**، به معنای صاحب قرابت و نزدیک بودن با ارحام، به دلیل روایات بسیار از شیعه و نیز برخی روایات اهل سنت، همه‌ی بستگان پیامبر صلی الله علیه و آله نیستند، بلکه مراد، امامان اهل بیت علیهم السلام می‌باشند که مقام امامت و رهبری دارند و خمس، متعلق به رهبر و حکومت اسلامی است، نه فامیل پیامبر. ذی القربی در بقره ۱۷۷. اسراء ۲۶. روم ۳۸. شوری ۲۳ آمده



## ۳۴. حق نزدیکان و فقیران

و آیه وَ آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (اسراء ۲۶)

ادا کن حقوق همه قوم و خویش      هرآن کس که داری تو نزدیک خویش

ز مسکین بکن دستگیری تو چند      بده حق ابن السبیل نژد

از اسراف و تبذیر پرهیز کن      بکن ریشه آن خود از بیخ و بن

**تبذیرا** بذر: تخم و پاشیدن تخم. به شخص اسرافکار از آن «مبذّر» می گویند که مال را می پاشد و بیهوده مصرف می کند. وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا

امام صادق علیه السلام: هر کس چیزی را در غیر مسیر طاعت خدا مصرف کند، مبذّر است

مفسّران شیعه و سنی مانند طبری، با الهام از روایات، می نویسند: امام سجاد علیه السلام در دوران اسارت وقتی همراه قافله اسرا به شام رسید، در مقام محاجّه با آنان که اسرای اهل بیت را بی دین و خارجی می خواندند، با استناد به این آیه فرمودند: مراد از ذَا الْقُرْبَىٰ ما هستیم!

خداوند به پیامبر وحی کرد که فدک را به فاطمه علیها السلام بدهد اما پس از آن حضرت، فدک را از اهل بیت به ناحق گرفتند و اهل بیت برای گرفتن حقّ خود همواره به این آیه استناد می کردند.

## آیاتی که حضرت زینب سلام الله علیها در اسارت در مقابل یزید تلاوت کرده و استناد نمودند

### ۳۵. فرصت دادن به ستمگران

ای یزید، لحظه ای بیندیش و فکر کن! مگر فراموش کرده ای کلام خدا را که می فرماید:

وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (آل عمران ۱۷۸)

مبادا که ناباوران خدای	نمایند در در دل چنین فکر و رای
که این مهلتی که به آنها دهیم	چنین فرصتی که بر آنها نهیم
بر احوال آنان بود نیک تر	به خیر و صلاحست نزدیک تر
که بلکه اگر فرصتی داده ایم	بر ایشان کنون وقت بنهاده ایم
ازاین روست تا کافران به کیش	دمادم فزایند بر کفر خویش
عذابی ببینند از کردگار	که در ذلت افتند و گردند خوار

هنگامی که به فرمان یزید امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، خاندان آن حضرت را به اسارت به کاخ یزید در شام بردند. یزید در مجلس خود با غرور تمام خطاب به حضرت زینب سلام الله علیها گفت: دیدید که خدا با ماست، و خدا با شما چه کرد و حسین را کشت. حضرت در پاسخ او، این آیه را تلاوت کرد و فرمود:

من تو را پست و کوچک و شایسته هرگونه تحقیر می‌دانم. هر آنچه می‌خواهی انجام بده، ولی به خدا سوگند که نور خدا را نمی‌توانی خاموش کنی.

**به زودی خودت به جمع آنان ملحق می‌گرددی** و در آن جایگاه، عذابی ابدی است که آرزو می‌کنی ای کاش دست‌هایم شل و زبانم لال می‌گشت و هرگز چنین یاره‌هایی را به زبان نمی‌آوردم و هرگز چنین کارهای ناشایستی را انجام نمی‌دادم.

پروردگارا! حق ما را از دشمنان ما بگیر و از آنان که بر ما ظلم کردند انتقام بکش و آتش قهر و غضبت را بر کسانی که خون ما و حامیان ما را ریختند، فرو فرست.

قسم به خدا که ای یزید! به همین زودی است که در عرصه محشر به محضر رسول الله (صلی الله علیه و آله) وارد شوی، در حالی که بارگرانی از مسؤولیت ریختن خون فرزندان او و هتک حرمت خاندان و پاره‌های تن او را بر گردن گرفته‌ای.

آن روز، همان روزی است که خداوند تمامی آنان را جمع می‌نماید و پریشانی و پراکندگی آنان را سامان می‌بخشد و حقشان را می‌ستاند.

**امام علی (علیه السلام) : چه بسیار که نعمت و موقعیت به آنها داده شد و خود را گم کردند. مصیبت یا به خاطر گناه است و یا برای امتحان. و نعمت یا برای متدین بودن است و یا برای گناه کار بودن.**

لذا برای کافران آسایش و راحتی قرار می‌دهد و مؤمنان را هر چه از نظر رتبه و درجه برتر و بالاتر باشند، به بلا و گرفتاری بیش‌تری دچار می‌سازد.

### ۳۶. شهیدان شاهد و زنده

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

مبادا نماید در دل گمان آل عمران ۱۶۹ که آنها که در راه رب جهان

بگشتند کشته، دگر مرده اند که آنان همه تا ابد زنده اند

همیشه به درگاه پروردگار بر آنهاست رزق نکو برقرار

حضرت زینب سلام الله در قبال این که یزید امام حسین و شهدا را مُرده و کشته و نابودی خطاب کردند، زنده بودن شهدا را طبق آیه متذکر شدند.

بزرگداشت شهدا، پیام و درسی قرآنی است. انتظار شهادت نیز يك ارزش است باب شهادت باز است. شهادت برخی مؤمنان، عامل عقب نشینی یا دلسردی دیگر مؤمنان نمی شود. (مؤمن با این که شهادت دوستان و عزیزان خود را می بیند، باز خود در انتظار شهادت است) مؤمنان واقعی پایبند عهد و پیمان خود با خدا هستند و هیچ چیز حتی شهادت دوستان و عزیزان، روحیه آنان را تغییر نمی دهد

### خطبه های حضرت زینب در مجلس یزید

یزید در حالی که با چوب خیزران بر لب و دندان مبارک امام می زد این اشعار را سرود: ما بزرگان بنی هاشم را کشتیم و آن را به حساب جنگ بدر گذاشتیم؛ این روز در مقابل آن روز قرار گرفت. بنی هاشم با پادشاهی بازی کردند، وگرنه نه خبری از رسالت بود و نه وحی نازل می شد من از فرزندان خندق نباشم اگر از فرزندان احمد انتقام کارهای او را نگیرم.

در این حال حضرت زینب (سلام الله علیها) برخاست و این چنین خطبه خواند:  
به نام خداوند بخشنده و مهربان خداوند جهانیان را حمد و سپاس می گویم و  
بر پیامبر اسلام و خاندان او درود و سلام می فرستم. خداوند متعال حقیقت را  
نیکو بازگو فرمود آنجا که در قرآن بیان داشت :

**ای یزید، لحظه ای بیندیش و فکر کن!** مگر فراموش کرده ای کلام خدا را که  
می فرماید و آیه فوق را تلاوت نمود. ای فرزند آزاد شدگان منظور در فتح مکه  
است که پیامبر(ص) جد آنها ابوسفیان را آزاد کرد و فرمود **اذهبوا انتم الطلقاء**  
بروید شما آزادید. آیا این راه و رسم انصاف و عدالت است که زنان و کنیزان خود  
را در پس پرده نگاه داری و زنان و دختران رسول خدا را میان عده ای بیگانه حاضر  
کنی .... و یزید در همین حال با عصای خود بر لب و دندان ابا عبدالله سید  
جوانان اهل بهشت می کوبی؟! **به خدا سوگند که با ارتکاب این جنایت بزرگ،  
پوست خود را شکافتی و گوشت بدن خود را پاره نمودی** (لهوف سید ابن طاووس)

بزودی با همین بار سنگین که ریختن خون پاک فرزندان رسول خدا و بی احترامی  
به حرمت اهل بیت و جگر گوشه های اوست بر آن حضرت وارد خواهی شد. تو  
کوچکتر از آنی که بخواهم با تو سخن بگویم و چون نسبت به مردم تکلیف  
روشنگری و اتمام حجت دارم، با چون تویی سخن می گویم و در این خطبه حزب  
الله و حزب شیطان را معرفی می کند. اما چه توقع و انتظاری است از فرزند آن  
جگرخواری که جگر پاکان را جوید و بیرون انداخت و گوشتش از خون شهیدان  
اسلام روییده است؟ چگونه می توان از فردی انتظار کوتاه آمدن داشت که  
همواره با بغض و دشمنی و کینه و عداوت، به خاندان ما نگریسته است؟

### ۳۷. پایان کار کسانیکه زشتکاری

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ

گنهگار مردم همه سربه سر روم ۱۰ سرانجامشان نیز بودی بتر

چو کردند آیات حق ریشخند به آتش درافتند با غل و بند

آری، کلام خدا صدق و راست و عین واقعیت و حقیقت است.

یزید در حالی که با چوب خیزران بر لب و دندان مبارک امام می زد این اشعار را سرود: "ما بزرگان بنی هاشم را کشتیم و آن را به حساب جنگ بدر گذاشتیم؛ این روز در مقابل آن روز قرار گرفت.

در مسجد اموی حضرت زینب ناگهان دست برد و گریبان خود را پاره نمود. سپس با آه و ناله جانسوز که دلها را جریحه دار می نمود فرمود: ای حسینم! ای محبوب رسول خدا! ای فرزند مکه و منای پسر فاطمه زهرا، بزرگ سرور زنان! ای پسر دختر رسول خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله! و نوحه سرایی کرد و از نوحه سرایی او همه اهل مجلس به گریه افتادند ولی یزید ساکت بود. ای یزید، از اینکه زمین و آسمان را بر ما تنگ گرفته ای. و ما را همچون اسیران از سوئی به سوی دیگر می بری، گمان داری که ما در نزد خدا خوار و پست شده ایم و تو در پیشگاه او قرب و منزلت یافته ای؟ و با این تصور خام و باطل، باد به غبغب انداخته و با نگاه غرورآمیز و شادمانه به اطراف خود می نگری؟ از اینکه دنیایت آباد شده و امور طبق مراد تو می چرخد و مقام و منصبی را که حق ما خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، در دست گرفته ای، شادمانی؟ اگر چنین تصور باطلی بر وجود تو حکمفرما شده است،

## ۳۸. لعنت خدا بر ستمکاران

حضرت زینب سلام الله علیها ادامه می دهند: پسر سفیان! اگر چه تو امروز کشتار و اسارت ما را غنیمت شمرده ای و به آن می بالی، اما طولی نمی کشد که مجبور می گردی غرامت و تاوان آن را پس بدهی، و آن روزی است که آنچه از پیش فرستاده ای خواهی یافت

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ وَ خداوند هرگز به بندگان خود ستم نمی ورزد

به پاداش اعمال ناچیز و زشت حج ۱۰ که سر زد از آن مردم بدسرشت

خداوند بر کس نسازد ستم که خود ظلم کردند بر خویش هم

ای یزید، ما از بیدادگری های تو، به پیشگاه او شکایت می بریم و او تنها پناهگاه و امید ماست پس هر مکاری که می توانی بساز و هر تلاشی که می توانی انجام بده؛ ولی بدان به خدا سوگند! هرگز توان آن را نداری که ذکر خیر ما را از یادها ببری و قدرت آن را نداری که وحی ما را نابود سازی و دوره ی ما را به پایان رسانی و نمی توانی ننگ و عار اعمالت را از دامن خود بزدايي.

ای یزید! بدان که عقلت ضعیف و ایام حکومتت اندک و اجتماعت رو به پراکندگی و پریشانی است روزی خواهد رسید که منادی ندا خواهد کرد: آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

### ۳۹. حضرت زینب چندین بار آیات را در کربلا و در اسارت تلاوت می کردند

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (احزاب ۲۳)

از افراد مؤمن به «رب و معاد»	گروهی جوانمرد هستند و راد
به عهدی که بستند با کردگار	وفادار ماندند بس استوار
بماندند بر عهد خود پا بجای	دگرگون نکردند عهد خدای
گروهی ندادند تغییر عهد	کشند انتظار شهادت به مهد

امام حسین علیه السلام هم در کربلا هنگام وداع با اصحابش و گاهی بالای سر شهدا این آیه را تلاوت می فرمودند.

**ای پسر سفیان!** اگر چه تو امروز کشتار و اسارت ما را غنیمت شمرده ای و به آن می بالی، اما طولی نمی کشد که مجبور می گردی غرامت و تاوان آن را پس بدهی، و آن روزی است که آنچه از پیش فرستاده ای خواهی یافت " و خداوند هرگز به بندگان خود ستم نمی ورزد (حج ۱۰) ما از بیدادگری های تو، به پیشگاه او شکایت می بریم و او تنها پناهگاه و امید ماست پس هر مگری که می توانی بساز و هر تلاشی که می توانی انجام بده؛ ولی بدان به خدا سوگند! هرگز توان آن را نداری که ذکر خیر ما را از یادها ببری و قدرت آن را نداری که وحی ما را نابود سازی و دوره ی ما را به پایان رسانی و نمی توانی ننگ و عار اعمالت را از دامن خود بزداپی.



**ای یزید!** بدان که عقلت ضعیف و ایام حکومت اندک و اجتماعت رو به پراکندگی و پریشانی است روزی خواهد رسید که منادی ندا خواهد کرد:

آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمکاران باد

یزید گفت: با هیچ کدام از شماها سخنی نگفتم، مگر اینکه جواب درستی به من می‌دهید.

بعد از خطبه‌ی حضرت زینب سلام الله علیها که سبب رسوایی یزید شد. او از شامیان نظر خواست که با این اسیران چه کنم؟  
شامیان در پاسخ گفتند: آنها را از دم شمشیر بگذران.

یکی از انصار به نام لقمان بن بشیر گفت: بین اگر رسول خدا بود با آنان چه می‌کرد؛ تو نیز همان طور رفتار کن.

امام باقر علیه السلام که کودکی بود، در مجلس حضور داشت، سخنان قاطعی گفت که یزید را از قتل اسرا منصرف کرد.

یزید سر بر زیر انداخت و سپس دستور داد آنان را از مجلس بیرون ببرند.

۴۰. نور خدا خاموش شدنی نیست در جواب یزید که خود را پیروز و امام حسین علیه الیلام را مرده و کشته می دانستند و فکر می کردند که همه چیز به پایان رسیده این آیه را تلاوت نمودند. **يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ** (صف ۸)

بخواهند کفار، نور خدا  
به گفتار لغو و کلام خطا  
نمایند خاموش اندر قلوب  
بپوشند بر آن لباس عیوب  
و لیکن خداوند والامقام  
نگهدار آن نور باشد تمام  
اگرچه که کفار بر ذوالجلال  
نباشند خوش دل از این گونه حال

حضرت زینب (سلام الله علیها) تلاش می کند تا بهترین تصویر را از کشته شدگان و شخصیت آنان ارائه دهد همچنان که تلاش دارد تا تصویری از جانبازی شهدا و قساوت و شقاوت دشمنان ارائه کند که هیچ اما و اگر باقی نماند و دستگاه تبلیغاتی و رسانه های دشمن نتوانند آن را دگرگون سازند و یا تصویری دروغین به خورد مردم دهند.

امام حسین (علیه السلام) با شهادت خویش و فرزندان و یارانش، کاری که از عهده کمتر کسی برمی آمد انجام داد و خود را قربانی خدا و رضایت او کرد. و عامل بیداری در تمام ادیان و در تمام اعصار برای تمام ملل شد و این شهادت و شجاعت و از خودگذشتگی سرمشقی برای جهانیان گردید و هیچوقت خاموش شدنی نیست. در روایات بدون شک متواتر می خوانیم که پیروزی اسلام بر دیگر ادیان آسمانی، در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تحقق خواهد یافت.

## ۴۱ . اسرای کربلا شروع کردند به بیداری مردم

**حضرت فاطمه صغری دختر امام حسین (علیه السلام) شروع به سخن فرمودند :**

بعد از حمد خدا فرمودند: ای مردم کوفه، ای مردم خودخواه و حيله گر! ما خاندانی هستیم که خدا ما را با شما و شما را با ما مورد امتحان قرار داده است، و ما از عهده آن امتحان به خوبی بر آمدیم ....

سوره عنکبوت آیه ۲ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

به دل می نمایند آیا گمان همین که برانند روی زبان

که هستیم مؤمن به یکتا خدا رها می شوند و نیاید بلا؟

و ما نشان دادیم که حاضریم سختی خروج از خانه و شهر خود و سختی و رنج راه و شهادت عزیزان و عزیزترین انسانها و اسارت خود را برای احیای دین خدا بپذیریم و شما در این امتحان چه کردید؟

... تن به ذلت برای چه کسانی دادید..... شگفتا!!

مردم بر اثر تبلیغات و فریب، دارند زیاله بر سر اینها می ریزند و خانواده ی امام چه می گویند و هدفشان ارشاد و هدایت است.

«شیخ طوسی» گوید: این آیه درباره عده ای از اهل مکه نازل شده که از مکه به عنوان مهاجرت بیرون آمدند و مشرکین به آنان حمله ور شدند سپس مراجعت کردند وقتی که نزول این آیه را شنیدند دوباره از مکه بیرون آمدند بالنتیجه عده ای از آنها کشته شدند و عده ای رهائی یافتند

سپس درباره آنان آیه ۹۶ همین سوره «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا» نازل گردید. و نیز گوید در باره عمار یاسر و کسانی که در نزدیکی مکه بوده اند، نازل شده.

و همچنین گویند درباره کسانی نازل شده که قبلاً از وجوب جهاد و زکات مسلمان شدند ولی وقتی که جهاد و زکات واجب شده بود از اجرای آن امتناع ورزیدند.

این سوره درباره‌ی چند موضوع، مطالبی را بیان می‌کند از جمله: ایمان، تکلیف بشر، آزمایش الهی، تاریخ برخی انبیا، نهی از مجادله‌ی غیر نیکو و تکیه بر غیر خدا.

ایمان، تنها با زبان و شعار نیست، بلکه همراه با آزمایش است. ادّعا کافی نیست، باید عملکرد را دید و قضاوت کرد.

### **سعدیا گرچه سخندان و نصحیت گوئی / ز عمل کار برآید به سخندانی نیست**

آزمایش، يك سنّت الهی در طول تاریخ است

- حوادث را تصادف نپنداریم؛ همه اسباب آزمایش ماست
- آشنایی با تاریخ و حوادث پیشینیان، مردم را برای پذیرش حوادث آماده می‌کند
- دلیل آزمایش‌های الهی، عینی و محقق شدن علم ازلی خداوند و جدا شدن مؤمنان واقعی و شکوفا شدن استعدادهای درونی و به فعلیت رسیدن آنهاست .

## بخش دوم امام حسین (علیه السلام) ، تجسم عینی زندگی قرآنی

### تجلی آیات قرآن در قیام عاشورا

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ  
وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ  
وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ  
وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً  
وَأَجراً عظيماً احزاب ۳۵

به آنکس که تسلیم امر خداست به آنکس که مؤمن برآن کبریاست

به آنان که طاعت کنند و دعا عبادت نمایند دور از ریا

به آنان که دارند صدق بیان نیارند جز راستی بر زبان

بر آن کس که صابر بود در بلا به آنان که دارند ترس از خدا

به آن خیرخواهان مسکین نواز که یاری نمایند اهل نیاز

برآن روزه داران پرهیزکار که هستند مشتاق پروردگار

به آنان که دارند حجبی تمام همه پاک دامن بدور از حرام

به آنان که بسیار سازند یاد یگانه کسی را که هستی بداد

از ایزد بر آنهاست اجری عظیم ببینند آمرزش از آن کریم

آیات صبر و صابرين، آیات رضا و مرضيین، آیات خضوع و خاضعين، آیات جهاد و مجاهدين، آیات معرفت و عارفین، آیات توکل و متوکلین، آیات ابرار و برّ، آیات یقین و موقنین، آیات تقوی' و متقین، آیات ایمان و مؤمنین، آیات علم و عالمین آیات عشق و ایثار و مؤثرین، آیات امر به معروف و آمرین، آیات نهی از منکر و ناهین، آیات حفاظت از حدود الهی و حافظین، آیات صلوة و مقیمین و خاشعین، آیات ذکر الله و الذاکرین، آیات حزب الله و فائزین، آیات انصار و اصحاب حقیقی رسول خدا و صدها آیات دیگر همه و همه یک باره در روز عاشورا از وجود حضرت متجلی گشت.

**۴۲ سوره فجر :** يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً

مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

رسیدی به آرامشی و قرار

الا ای که با یاد پروردگار

به سوی خدا گام بگذار پیش

بیا این زمان سوی یزدان خویش

ز تو نیز راضیست یکتا خدا

که هستی تو خوشنود از کبریا

به باغ بهشتم تو می کن سرای

کنون در صف بندگانم درآی

اکنون حضرت در روز عاشورا تمامی حقیقت و اسرار آیات مذکور در مراقبت و دفاع از دین خدا و حدود الهی را مجسم فرموده است و لذا حقیقتاً و بدون هرگونه اغراق و گزافه گویی، می توان گفت حضرت به صورت عینی و عملی آیات فوق در عالی ترین درجه آن را در عاشورا متجلی فرموده است.

گویا تمامی آیات مذکور یک‌باره در روز عاشورا بواسطه فیوضات وجود مطهر حضرت متجلی گشته و صورت عینی و عملی و ناطق یافته است .

و همان‌گونه که بر رسول خدا نازل شده بود از فرزند رسول خدا به سوی خدا صاعد گشت و این تجلیات تفسیر آن روایت معروف از رسول خداست که فرمود حسین منّی و انا من حسین؛

و لذا به روشنی و بدون هیچ‌گونه مبالغه و اغراق می‌توان گفت که عاشورا آیاتی از قرآن وجود حسین است .

و همان‌گونه که بر هر مسلمان و بر هر مؤمنی طبق آیات شریفه قرآن واجب است در آیات قرآن تدبّر نماید، نیز واجب است که در آیات وجود قرآن ناطق حضرت در روز عاشورا تدبّر نماید.



اکسیر حیات بخشی که به کارها و افکار، رنگ جاودانگی می‌بخشد اخلاص و انجام عمل برای رضای الهی است. خداوند در قرآن از بندگان مؤمن خویش خواسته است که کارها را فقط برای رضای او انجام دهند

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ بقره ۱۳۸

خدا را سزد دور از مکر و فن  
به هر چیز رنگی خدائی زدن  
به ما مسلمین بر خدا و کتاب  
ببخشید رنگی از ایمان ناب  
ز توحید بر کردگار بشر  
نکوتر نبودست رنگی دگر  
به اخلاص او را بخوانیم باز  
عبادت نمائیم آن بی نیاز

انسان در زندگی خویش باید رنگی را بپذیرد، اما در میان همه رنگ‌ها، رنگ خدایی بهتر است. ناگفته پیداست که تا رنگ نژاد و قبیله و هوسها را کنار نگذاریم، رنگ وحدت و برادری و تسلیم امر خدا بودن را نخواهیم گرفت. همه‌ی رنگ‌ها به مرور زمان کم رنگ و بی‌رنگ می‌شود. اما رنگ خدایی همیشگی و پایدار است.

كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ قِصص ۸۸

که هر چیز جز ذات یکتا خدا  
عدم گردد و می رود بر فنا

و چه رنگی بهتر از رنگ خدا که او را عبادت و بندگی می‌کنیم. بگذریم که یهود، کودکان خود را با آبی مخصوص شستشو داده و بدینوسیله به او رنگ مذهبی می‌دهند. بهترین رنگ آن است که صفا و بقا داشته و چشم اولیای خدا را به خود جلب کند. هم‌رنگ با فطرت و منطق بوده، مشتری آن خدا، و بهای آن بهشت.



در حدیث آمده: شخصی در دیوار خانه‌ی خود سوراخی ایجاد می‌کرد، امام صادق علیه السلام پرسید: چرا اینکار را انجام می‌دهی؟! جواب داد: تا دود اجاق منزل بیرون رود. امام فرمود: می‌توانی این منظور را داشته باشی که روزنه‌ی ورود روشنایی قرار دهی تا اوقات نماز را بشناسی. یعنی اگر بناست در دیوار روزنه‌ای ایجاد شود، چرا تنها برای بیرون کردن دود باشد؟ چرا برای ورود نور نباشد؟

بله می‌توان به هر کاری، رنگ خدایی داد. راه خدا، یکی است؛ اگر رنگ خدایی نباشد، رنگ‌های دیگر، انسان را گیج و متحیر می‌کند و هم‌رنگ شدن با جماعتی که اکثر آنها دچار انحرافند، خود مایه‌ی رسوایی و خواری در قیامت است.

و در آیه دیگر خداوند به پیامبر می‌فرماید: قرآن در ستایش طبقه‌ای از مجاهدان راه حق و تشویق آن‌ها می‌فرماید

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ توبه ۱۱۱

**خدا جان و مال همه مؤمنان**      **خریده به پاداش باغ جنان**

**بجنگند در راه پروردگار**      **نمایند در راه حق کارزار**

در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] این که بهشت برای آنان باشد خریده چنان که ملاحظه می‌شود خداوند در این آیه بهشت را بهای جان و مال مؤمنان جهادگر می‌شمارد.

**فروشنده : خداوند**      **خریدار : مومنین و مجاهدین**      **کالا : جان و مال در**

**راه خدا**      **بهاء : بهشت جاودان**      **و .....**

در ستایش تعدادی از انسان‌های الهی می‌فرماید: **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ  
ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ** (بقره ۲۰۷)

**گروهی نمایند جان را فدا      که راضی بگردد از آنها خدا**

**بر این بندگان حق بود مهربان      بود دوست با مؤمنان در جهان**

ابن‌ابی‌الحدید که از علمای قرن هفتم اهل سنت است، در شرح نهج البلاغه خود آورده است: تمام مفسران گفته‌اند این آیه درباره علی بن‌ابی‌طالب علیه السلام نازل شده است که در **ليلة المبيت** در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابید. و این موضوع در حدی از تواتر است که جز کافر یا دیوانه آنرا انکار نمی‌کند. در این آیه آنان که جانشان را با عشق به خدا می‌فروشدند هدفشان در بهشت فقط رضای الهی است (حماسه و عرفان ۲۴۷)

گاهی باید برای احیای یک معروف و یا محو یک منکر، جان را تسلیم کرد. حضرت علی علیه السلام فرمودند: کسی که در راه امر به معروف و نهی از منکر کشته شود، یکی از مصادیق این آیه است.

امام حسین علیه السلام هدف اصلی سفر به کربلا را تحصیل رضای الهی می‌داند از این رو در آغاز سفر و کنار قبر جدّ بزرگوارش صلی الله علیه و آله از خداوند می‌خواهد که او را به این همه موفق بدارد و راهی در پیش رویش بگذارد که رضای او و رضای رسولش در آن است. این معنا در خطابه‌های دیگر آن بزرگوار نیز کاملاً مشهود است (بحارالانوار ج ۴۴ ص ۳۷۷)

## ۴۶ . گذشت

گذشت عالی‌ترین کرامت انسانی است، به ویژه آن که آدمی قدرت بر انتقام نیز داشته باشد. آموزه‌های قرآنی نه تنها به عفو در مقابل بدی تأکید دارند بلکه در سطحی بالاتر توصیه می‌کند که جواب را با خوبی پاسخ دهید

فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ (شوری ۴۰)

ولی گر کسی عفو سازد عدو به صلح اندر آید به راه نکو

دیگر آیات : وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (بقره ۲۳۷)

و گر بخشد او را بود نیک تر به یزدان پرستیت نزدیکتر

وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (فصلت ۳۴)

بدان در جهان هیچ گه نیک و بد نخواهد همانند و یکسان شود

اگر خلق با تو بدی کرد و زشت تو با او نکویی کن ای خوش سرشت

دستیابی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام به آب و نیاشامیدن آن، جان فشانی دو تن از یاران امام علیه السلام در ظهر عاشورا که جهت اقامه نماز تن خود را سپر بلای آن حضرت ساختند و به شهادت رسیدند، ارادت‌های خالصانه ای است که اصحاب آن حضرت در عاشورا ابراز کردند. و در روز عاشورا تا زنده بودند نگذاشتند که از بنی هاشم وارد میدان شود و بنی هاشم نیز تا زنده بودند نگذاشتند امام علیه السلام وارد میدان شود و... همه و همه نمونه هایی بی‌مانند گذشت و ایثارند که در قیام سالار شهیدان جلوه گر شد.

عفو و اصلاح از کسی که قدرت انتقام دارد، پاداش بزرگی در پی خواهد داشت.

## ۴۷ . تواضع و فروتنی :

قرآن کریم از یک سو به نکوهش تکبر می‌پردازد: **وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا** (اسراء ۳۷)

مرو راه روی زمین با غرور      که نشکافی این خاک از کبر و زور

کجا؟ کی؟ چو کوهی شوی سربلند      به گردون نخواهی فکندن کمند

**فَبُئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ** (زمر ۷۲)      که بد منزلی هست بر سرکشان

و از سوی دیگر لزوم تواضع را گوشزد می‌کند **وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا** (فرقان ۶۳)

عباد خداوند رحمان کینند؟      کسانی که اندر تواضع زیند

گذارند چون در زمین گام خویش      رهی از تواضع بگیرند پیش

**وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ** (شعراء ۲۱۵)

پس آنگه ز رحمت گشا پُروبال      همه مؤمنان را به هروقت و حال

امام حسین علیه السلام نیز صاحب این سیره ارزشمند قرآنی بود.

مسعده گوید: گذر امام حسین علیه السلام به فقیرانی افتاد که گلیم خود را پهن

کرده و خود را بر آن افکنده بودند (و غذا می‌خوردند) و حضرت را دعوت نمودند، حضرت به زانو نشست و با آنان هم خوراک شد و متواضعانه برخورد نمود و آنان را تکریم نمود. سپس این آیه فوق را تلاوت نمود آن‌گاه فقرا را به منزل خویش دعوت نمود. پس برخاستند و همراه حضرت به منزل او آمدند.

## ۴۸. سخاوت :

جود و سخاوت از فضایل مهم اخلاقی است، هر اندازه بخل نشانه پستی و حقارت و ضعف ایمان و فقدان شخصیت است جود و سخاوت نشانه ایمان و شخصیت والای انسانی است

وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (حشر ۹)

پس انصار، آنان که ز آن پیشتر	که احمد بدانجا نماید سفر
بکشتند مؤمن چنانکه نکوست	مهاجر کسان را گرفتند دوست
به لطفی که از حق بر آنان رسد	نورزند نه رشکی و نه حسد
به هر چیز آن مردم نیکبخت	اگرچه که محتاج باشند سخت
ولی باز هم خود از آن دل کنند	مهاجرکسان را مقدم کنند
هرآن کس که خود راز بخل و ز آز	نگه داشت حقا بود سرفراز
همین مردمانند خود رستگار	چه در دار دنیا چه دار القرار

[انصار]... هر کس را که به سوی آنان کوچ کرد. دوست دارند و نسبت به آن چه به ایشان داده شده در دل‌هایشان حسد نمی‌یابند، هر چند در خودشان احتیاجی، [مبرم] باشد.

شیخ طوسی گویند: این آیه درباره انصار نازل گردیده زیرا آن‌ها وارد مدینه شده بودند. پیش از آن که مهاجرین وارد شوند و گویند: هر کسی که قبل از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه وارد شده باشد، او از انصار خواهد بود.

در کنار بهره‌مند کردن مهاجران از فیء، خداوند به ستایش انصار و مردم مدینه می‌پردازد که آنان، هم خانه‌هایشان را برای مهاجران آماده کردند و هم ایمانشان را کامل نمودند که تمام دستورات را بدون دغدغه عمل کردند.

**پیام‌ها :** بستر سازی برای ارائه خدمات به دیگران يك ارزش است

- هم ظاهر آراسته لازم است و هم باطن
- محبت به اهل ایمان مرز و بوم ندارد
- از ایثار و روحیات خوب دیگران نام ببرید
- دوستی پایدار آن است که به خاطر کمالات، افراد را دوست بداریم، نه به خاطر نام و قبیله و چشم داشت
- تظاهر به کمال ارزش ندارد، کمال آن است که در عمق جان باشد
- در ستایش از گروهی، نباید از گروه دیگر غافل شد تا ایجاد حساسیت شود
- در آیه قبل از مهاجرین ستایش شد و این آیه از انصار ستایش می‌کند.

و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا . إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا (انسان ۸ و ۹)

به حب خدا می‌نمایند سیر  
بگویند به رضای خدا  
یتیم و مساکین و شخص اسیر  
کنون برنهادیم خوان غذا  
فقط دین خود را بداریم پاس  
نخواهیم پاداش و اجر و سپاس

امام حسین علیه السلام اسوه سخاوت بود. روایت شده که «ابوهشام قناد» از بصره برای امام حسین علیه السلام کالا می‌آورد و آن حضرت از جای برنخاسته همه را به مردم می‌بخشید.

## ۴۹. احسانگری

انس گوید نزد امام حسین علیه السلام نشسته بودم در این هنگام یکی از کنیزان آن حضرت وارد شد و با دسته ریحانی که به آن حضرت هدیه کرد سلام و تحیت گفت. حضرت نیز به او فرمود: تو در راه خدا و برای خدا آزادی. من به آن حضرت عرض کردم: این کنیز با چند شاخه ریحان که اهمیتی ندارد به شما تحیت گفت، حال شما او را آزاد می‌کنید؟ حضرت فرمود: حق تعالی ما را چنین تربیت کرده.

وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا

چو شخصی بگوید شما را سلام نساء ۸۶ به پاسخ دهیدش سلامی تمام

همان گونه یا بهتر اندر جواب به پاسخ برانید اسب خطاب

حساب همه کار را کردگار شمارش نماید به روز شمار

مراد از تحیت، سلام کردن به دیگران، یا هر امر دیگری است که با آرزوی حیات و سلامتی و شادی دیگران همراه باشد، همچون هدیه دادن. چنانکه وقتی کنیزی به امام حسن علیه السلام هم دسته گلی هدیه داد، امام او را آزاد کرد و این آیه را قرائت فرمود. در اسلام، تشویق به سلام به دیگران شده، چه آنان را بشناسیم یا نشناسیم. و بخیل کسی شمرده شده که در سلام بخل ورزد. و پیامبر به هر کس می‌رسید حتی به کودکان، سلام می‌داد. در نظام تربیتی اسلام، تحیت تنها از کوچک نسبت به بزرگ نیست، خدا، پیامبر و فرشتگان، به مؤمنان سلام می‌دهند.

سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ عَلَىٰ فرشتگان. تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

## ۵۰. امر به معروف و نهی از منکر:

امر به معروف و نهی از منکر محور تحقق یافتن حکمیت ارزش‌ها و محو پلیدی‌ها است بنای رفیع جامعه اسلامی بر ستون مستحکم امر به معروف و نهی از منکر گذاشته شده و امت مسلمان بهترین امتی هستند که برای امر به معروف و نهی از منکر برانگیخته شدند. امام حسین علیه السلام مصداق این آیه بود: **وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** (آل عمران ۱۰۴)

کسانی که هستند داناترین

ز بین شما مردم اهل دین

نمایند دعوت به خیر و فلاح

سزد مردمان را همی بر صلاح

بدارند از کار بد برحذر

کنند امر بر کار نیک و دگر

که این گونه اندر جهان مصلحند

همانا که این مردمان مفلحند

آن بزرگوار هدف قیام خود را اصلاح‌طلبی و امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرد از اولین مراحل امر به معروف که همان اندرز و نصیحت است آغاز کرد و بارها و بارها حتی در میدان جنگ با یزیدیان.

از آنجا که این عامل ارزش نهضت امام حسین علیه السلام را بسیار بالا می‌برد، باید

این اصل مهم را بشناسیم که چگونه این اصل آن قدر اهمیت دارد که

شخصیتی مثل امام حسین علیه السلام را وادار می‌کند تا جانش را فدا کند. حسین

بن علی در راه امر به معروف و نهی از منکر، یعنی در راه اساسی‌ترین اصلی که

ضامن بقای اجتماع اسلامی است، کشته شد؛



اصلی که اگر نباشد جامعه متلاشی شده، از میان می رود آیات قرآن در این زمینه زیاد است و از جوامع گذشته که یاد می کند، می گوید انسان هایی متلاشی و هلاک شدند؛ زیرا در میان آنها نیروی اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر نبود

اما برخی از شرایط آن یکی این است که امر به معروف و نهی از منکر (یعنی مصلح جامعه بشری) اول باید خود صالح باشد تا بتواند اصلاح کند: **التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ** (توبه ۱۱۲) ( اشعار صفحات قبل )

و تا آخرین مرحله که گذشتن از جان خویش است در راه احیای این عنصر مهم کوشا بود. **إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي مُحَمَّدٌ ص أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ** من برای اصلاح در امت جدم محمد ص قیام کردم و امر به معروف و نهی از منکر را طالبم... (بحار الانوار ج ۴۴ ص ۳۲۹)

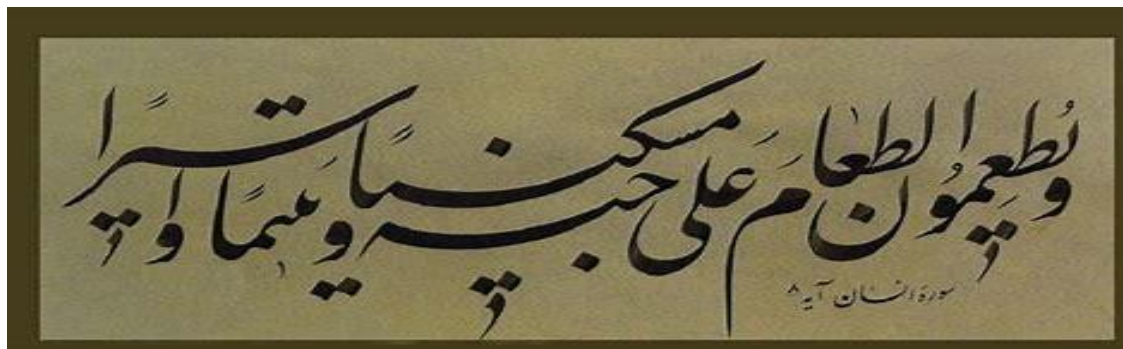
قرارگرفتن آیهی امر به معروف و نهی از منکر در میان دو آیهی که دستور اتحاد و یکپارچگی می دهد، شاید از آن رو باشد که در نظام اجتماعی متفرق و از هم پاشیده، یا قدرت دعوت به خیر و معروف وجود ندارد و یا اینکه چنین دعوت هایی مؤثر و کارساز نیست.

به عنوان وظیفه ای عمومی و همگانی که هرکس به مقدار توانایی خود باید به آن اقدام کند.

علی علیه السلام فرمود: اگر امر به معروف و نهی از منکر ترك شود، کارهای نیک و خیر تعطیل و اشرار و بدان بر خوبان مسلط می شوند.

## ۵۱. ایثار

در سوره انسان نیز درخشش دیگری از این فداکاری را که ناظر بر اهل بیت است



و غذای خود را با آن که دوستش دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می‌دهند. (و می‌گویند:) ما برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما پاداش و تشکر نمی‌خواهیم. ایثار یکی از جلوه‌های عرفانی قیام امام حسین علیه السلام و بلکه از زیباترین آنهاست جلوه‌ای که قرآن کریم بسیار بر آن تأکید کرده و در نمودهای مختلف ظاهر گشته است

شهادت در راه خدا و انفاق مال که آیات بسیاری درباره آن‌ها نازل شده از این جمله است. اوج ایثار و از خودگذشتگی را در ليله المبیت که علی علیه السلام به جای پیامبر خوابید می‌توان ملاحظه کرد و خداوند مدال **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ** (بقره ۲۰۷) را درباره آن بزرگوار نازل کرد. اساس قیام امام حسین علیه السلام و یاران آن بزرگوار که برگرفته از مکتب آن حضرت است بر محور از خودگذشتگی است. عدم قبول بیعت امام با امویان و از خودگذشتن برای اثبات حقیقت نمونه بارز ایثار آن بزرگوار بود.

اشعار آیات فوق در صفحات قبل بیان شد

## ۵۲ . توکل

یکی دیگر از آموزه های ارجمند قرآنی توکل است کارها را به خدا سپردن و دل از هر چه غیر اوست برکنندن، به یک مبدأ خبیر قادر تکیه کردن و در راه او گام برداشتن است وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ  
إِنَّ اللَّهَ بِالْعُمْرَةِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (طلاق ۳)

ز جائی که در باور شخص نیست      بر او رزق بخشد به هنگام زیست

هرآن کس توکل کند بر خدا      کفایت نماید ورا کبریا

که امر خدا نافذست و روان      هرآنچه بخواهد بگردد همان

مشخص نمودست پروردگار      که هر چیز را چیست قدر و شمار

وَ مَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (ابراهیم ۱۲)

چرا ما به یکتا خداوند راد      توکل نسازیم، نیز اعتماد

اگرچه که یزدان به راه درست      هدایت بفرمود ما را نخست

رساندید آزار خود را به ما      ستمها نمایید بر ما روا

بگیریم راه صبوری به پیش      توکل نماییم با صبر خویش

که اهل توکل به هرگونه حال      سپارند دل را به آن ذوالجلال

امام حسین علیه السلام در طول سفر خود به کربلا، خدا را تنها تکیه گاه خود می داند. در دومین سخنرانی خود در روز عاشورا پس از آن که هر دو سپاه آماده نبرد شدند خطاب به سربازان عمر سعد فرمود: سخن مرا بشنوید و عجله نکنید...

پس [در] کارتان با شریکان خود همداستان شوید تا کارتان بر شما مشتبه ننماید و درباره من تصمیم گرفته مهلتم ندهید. بی تردید سرور من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده و همواره دوستدار شایستگان است (بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۶) مفسرین گویند: که این قسمت از آیه **وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ** سوره طلاق ۲-۳

هرآن کس بترسید از کردگار      خداترس گردید و پرهیزکار

بر او می گشاید یگانه اله      دری بهر بیرون شدن از گناه

ز جایی که در باور شخص نیست      بر او رزق بخشد به هنگام زیست

درباره عوف بن مالک الاشجعی آمده که مردی فقیر و بی چیز بود و پسری داشت که مشرکین او را اسیر کرده بودند. عوف نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از درد اندرونی خویش به خاطر اسارت فرزند و فقر و بی چیزی می نالید.

پیامبر او را تسکین داد و در عین حال فرمود: امشب در خانه ما هیچ برگ و توشه ای جز یک مد طعام یافت نمی شود. سپس فرمود: ای عوف، صبر کن و پرهیزکار باش و زیاد کلمه **لا حول و لا قوه الا بالله** را بر زبان جاری ساز.

## ۵۳ . جامع اضداد

عده ای چنین می پندارند که انسان‌هایی که اهل عبادت و تهجد، عرفان و خلوت گزینی اند در صحنه اجتماع حضوری مؤثر نداشته و بالعکس انسان‌های حماسی و قاطع، از روحیه لطیفی برخوردار نیستند. قرآن از یک سو نجوای **وَمِنَ النَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ** (اسراء۷۹) سر می‌دهد. و از سوی دیگر بانگ **وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً** (توبه۳۶) بر می‌آورد و حسین علیه السلام نیز چنین بود آمیزه ای از حماسه و دلآوری و عرفان و معنویت .

زمانی ز شب را تو بیدار باش      ۷۹      به دل گرم تسبیح دادار باش

که بر توست واجب تهجد تمام      نماز شبت را همی خوان مدام

بجنگید با مشرکان متحد      ۳۶      بکوشید در یاری هم بجد

دعای عرفه امام حسین علیه السلام سراسر زمزمه های عارفانه او با معبود خویش است **الهی مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي مَسَاوِي فَكَيْفَ لَا يَكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِي خَدَايَا** کسی که خوبی‌هایش بدی است چگونه بدی‌هایش بدی نباشد. جملات عارفانه امام تنها یک روی سکه شخصیت است اما روی دیگر شخصیت حماسی و قهرمانی است که با سلاح خون به دیدار شمشیر می‌رود و چنین می‌سراید که **إِنْ كَانَ دِينُ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمِ إِلَّا بِقَتْلِ يَاسُوفِ خَدِينِي** (اعیان الشیعه ۵۸۱) اگر دین محمد صلی الله علیه و آله جز با کشتن من پایدار نمی‌ماند پس ای شمشیرها مرا دریا بید. سرور و سالار شهیدان موقع حمله به دشمن ذکر **لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم** هنگام احساس مرگ **انا لله و انا الیه راجعون** هنگام رسیدن به کربلا از بلاها و مصیبت‌های آن به خدا پناه می‌برد **اللهم أعوذُ بِكَ مِنَ الْكُرْبِ وَ الْبَلَاءِ**

## ۵۴. جاودانگی :

قرآن کریم کتابی است که با گذشت زمان رنگ کهنگی بر چهره مفاهیم بلندش نمی‌نشیند و همواره ماندگار و جاودانه است.

مردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد چگونه است که قرآن با بحث و گفتگو در مورد آن فرسوده نمی‌شود و همواره شاداب و تازه است؟ حضرت فرمودند: بدان جهت که خداوند قرآن را مخصوص عصر و دورانی خاص قرار نداد همچنانکه آن را به مردم خاصی اختصاص نداده است بلکه قرآن برای همه اعصار جدید و نزد هر گروهی تا به قیامت تازه است. (بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۱۳). از آنجا که سرشت سیره گفتاری و رفتاری امام حسین علیه السلام با آموزه های قرآنی عجین گشته است، شخصیت، قیام و سیره او جاودانه است

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا

بزرگ است یزدان که فرقان کتاب فرستاد بر عبد خود بر صواب

که تا خلق را از یگانه خدا بترساند و نیز روز جزا

مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ [انعام ۳۸]

که ما در کتاب ازل هیچ چیز فراموش نکردیم هرچند ریز

و لا رَطْبٍ و لا يابسٍ إلا في كتابٍ مبينٍ؛ [انعام ۵۹]

نه خشك و تری هست، نه مرگ و زیست که اندر کتاب مبین ثبت نیست

کلمه‌ی تر و خشک، کنایه از همه‌ی چیزهایی است که مقابل همنده، مثل مرگ و حیات، سلامتی و مرض، فقر و غنا، نیک و بد، مجرد و مادی.

این مطلب در آیه‌ی **وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ** سس ۱۲ نیز بیان شده است.

**هرآنچه نمودند بنوشته است**      **در آن کارنامه که گیرند دست**

**به يك لوح محفوظ ، پروردگار**      **نوشتست آن جمله را آشکار**

حضرت زینب سلام الله، شیر زن کربلا، این جاودانگی را پیش‌بینی کرده و خطاب به امام سجاد علیه السلام در دلداری آن حضرت بعد از واقعه دلخراش عاشورا می‌فرماید: بر فراز آرامگاه پدرت قبله ای ترتیب خواهد داد که نشانه هایش کهنه نمی‌گردد و گذشت روزگار آن را از بین نمی‌برد

هر چه ستمگران برای نابودی آن کوشش کنند، هرگز به خواسته خود نائل نمی‌شوند، پیوسته شکوه و جلال آن رو به افزایش است (مقتل مقرر، ص ۳۹۷)

امام حسین علیه السلام در قتلگاه و عروجگاه، عصر عاشورا در نیایشی عاشقانه با تن و بازوی زخم‌دار چنین عرضه می‌دارد: **إِلَهِي رِضًا بِقَضَائِكَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ** بر قضا و حکم تو صبر می‌کنم، ای خدای من، جز تو خدایی نیست ای فریادرس فریادگران. به همین علت امام و راه و نهضت‌ش الگوی تمام نهضت‌های آزادیبخش شد و جهانی ماند و جاودان و همیشگی.

## ۵۵ . حق تلاوت قرآن:

در قرآن، ایمان آورندگان به این کتاب الهی کسانی معرفی شدند که حق تلاوت را بجا آورند الَّذِينَ اتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ (بقره ۱۲۱)

کسانی که چون ما بر آنها کتاب  
بخواندند آن را درست و نکو  
نمودیم نازل به راه صواب  
بکردند بر آن عمل موبه مو  
که بر ایزد خویشان مؤمنند  
به تحقیق ایشان همه مؤمنند

امام صادق علیه السلام: آیاتش را روشن و شمرده می خوانند، سعی می کنند معنایش را بفهمند، احکام و فرامینش را به کار می بندند و به وعده هایش امیدوارند و از عذابش می ترسند... به خدا سوگند که حق تلاوت قرآن به حفظ آیات و پشت سر هم خواندن حروف و کلمات و تلاوت سوره ها و مطالعه حواشی آن نیست... در قسمتی از زیارت نامه امام حسین علیه السلام **أَشْهَدُ أَنَّكَ... تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ...** گواهی می دهم که تو حق تلاوت قرآن را ادا نمودی (کامل الزیارات ص ۳۷۱) و نیز آن حضرت: خدا را به خاطر فراگیری معنای قرآن و رسیدن به مقام فقاہت دینی حمد و سپاس می گوید **اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَىٰ أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنَّبُوءَةِ وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ** (تاریخ الطبری، ج ۳) خدا را به بهترین وجه ستایش کرده و در شاداید و آسایش و رنج و رفاه در مقابل نعمت هایش سپاسگزارم. خدایا! تو را می ستایم که بر ما خاندان، با نبوت، کرامت بخشیدی و قرآن را به ما آموختی و با دین و آیین آشنایمان ساختی و به ما گوش (حق شنو) و چشم (حق بین) و قلب (روشن) عطا فرمودی و از گروه مشرک و خدانشناس نگرداندی. نزدیک غروب تاسوعا پس از آن که امام درخواست برای تلاوت قرآن و عبادت کردند.



## ۵۶. چند بُعدی بودن

قرآن کریم کتابی است که از زوایای مختلف می‌توان به آن نگریست هر چند همه این ابعاد در یک جهت و آن هم هدایتگری **هُدًى لِّلنَّاسِ** هدایت و راهنما است.

**شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ**

بود ماه روزه همان نیک ماه بقره ۱۸۵ که قرآن فرستاد یکتا اله

که سازد هدایت عموم بشر نماید جدا راه نیکو ز شر

قرآن وسیله هدایت همه مردم است؛ «هُدًى لِّلنَّاسِ» همانند خورشید بر همه می‌تابد، در قرآن به موضوعات طبیعی، کیهانی، تاریخی، فلسفی، سیاسی و صنعتی اشاراتی شده، ولی هدف اصلی هدایت است. ولی تنها کسانی از آن بهره می‌برند که فطرت پاک داشته و در برابر حق خاضع باشند.

سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام همانند قرآن در چهره های گوناگون برای مردم جهان درخشید. برای **عارفان** در چهره دعای عرفه، برای **زاممداران حامی قسط و عدل و حامی مستضعفان و محرومان** در چهره نهضت و قیام علیه طغیانگران امویان. برای **پرهیزکاران** در چهره تارک دنیا، و برای دیگران در چهره های دیگر... امام از زمان حرکت از مدینه به مکه و سپس به کربلا و بعد هم بالای (نیزه) با اتفاقات و شرائط مختلف حدود ۴۰ آیه را تلاوت و روشنگری نمودند. همچنانکه حضرت سجاد و زینب سلام الله علیهما هم آیاتی را در مقابل یزیدیان در کاخ کوفه و شام استناد نمودند. هدف قرآن، هدایت مردم است و اگر به مسائلی از قبیل خلقت آسمانها و زمین و گیاهان و حیوانات و ... اشاره کرده به خاطر آن است که توجه مردم به آنها، موجب توجه به علم و قدرت و حکمت خداوند گردد.

## ۵۷. حق گوئی

قرآن کریم خود سخن حق است وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (حاقه ۵۱)

همانا که این گفته قولیست راست در انجام آن نیست نقصی و کاست  
وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ  
فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ (مائده ۴۸)

کتابی که اینک فرستاده ایم	به حق ای محمد (ص) تو را داده ایم
که بر آن کتب نیز کامد ز پیش	گواهی ببخشد به تصدیق خویش
ز پیشین کتب نیز کامل ترست	بر آن هرکه زد چنگ ز آتش برست
پس اکنون تو با آنچه ایزد بداد	بکن حکم در بین آنان، به داد
از اهواء این مردم نابکار	اطاعت مکن هیچ در روزگار
مبادا که حق را گذاری زمین	چو آنها بخواهند از تو چنین

امام حسین علیه السلام نیز زندگی و گفتارش بر مبنای حق و راستی بود چرا که بر مبنای آیه تطهیر امامان از هر گونه ناحق و پلیدی دور هستند. در بخشی از زیارت امام حسین علیه السلام که خطاب به ایشان است می خوانیم أَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَ إِلَيْكَ وَ أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ همانا حق با تو و به سوی توست و تو اهل حق و معدن آن هستی. (بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۲۹۴ و ۲۰)

- ۱- قرآن، سراسر حقّ و پیراسته از هر باطلی است. الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
- ۴- می توان میان اهل کتاب، طبق قرآن حکم کرد. فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
- ۵- خطری که رهبران را تهدید می کند، پیروی از تمایلات مردم و نادیده گرفتن حقّ
- ۶- یکی از ابزار آزمایش الهی، آمدن شریعت جدید است، تا روشن شود چه کسی ایمان می آورد و چه کسی تعصّب می ورزد. انسان به راهنمایی انبیا نیازمند بوده .

## ۵۸. حضور در محضر الهی

عارف، عالم را محضر خدا می‌داند و او را شاهد و ناظر بر جمیع امور می‌شمارد .  
قُلِ اَعْمَلُوا فَاَسَیْرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ وَ سَتُرَدُّوْنَ اِلٰی عَالِمِ الْغَیْبِ  
وَ الشَّهَادَةِ فَاَیْنَبِّئْكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ (توبه ۱۰۵)

بگو هرچه سازید از نیک و بد	خدا مزد آن بر شما می دهد
همین گونه گردند آگاه از	آن همه مؤمنان و رسول زمان
نمایند رجعت به پروردگار	که داناست بر غیب و بر آشکار
هرآن کار کردید از نیک و بد	خدا نیز پاداش آن می دهد

این آیه که بیان کننده‌ی آگاهی خدا و پیامبر و مؤمنان از عملکرد ماست، همان عقیده‌ی شیعه را مبنی بر **عرضه‌ی اعمال** بر اولیای خدا بیان می‌کند. و اگر اعمال ما خوب باشد، اولیای خدا از ما شاد می‌شوند و اگر بد باشد، نگران و اندوهگین می‌گردند. ایمان به این عرضه‌ی عمل، در ایجاد تقوا و حیا مؤثر است.

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بعد از شهادت اصحاب و یاران و خانواده اش سرش را به آسمان بلند کرد و گفت **اللَّهُمَّ اِنَّكَ تَرَى مَا يُصْنَعُ بَوْلِدِ نَبِيِّكَ** خدایا تو شاهدی که با پسر پیغمبر تو چه می‌کنند (بحارالانوار ج ۴۴، ص ۳۲۱) همچنان که پس از شهادت طفل شیرخوار دست مبارک خود را زیر گوی او گرفت وقتی که دستش پر از خون شد آن را به طرف آسمان پاشید و گفت **هَوْنٌ عَلٰی مَا نَزَلَ بِی اِنَّهُ بِعَيْنِ اللّٰهِ** آن چه که این مصیبت را بر من آسان می‌کند این است که این مصایب در محضر خدا و منظر او واقع می‌شود.

## ۵۹ . خوف و خشیت الهی

قرآن کریم مؤمنان را می ستاید که فقط از خدا می ترسند و جز او از کس دیگر هراس ندارند. الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا احزاب ۳۹

خدا مهر دستور زد این چنین	بر آن کس که تبلیغ کردست دین
بترسند آنان ز پروردگار	ز چیزی نترسند جز کردگار
همانا کفایت کند کردگار	که آرد حساب همه در شمار

آیه سخن از قاطعیّت و شهامت مبلّغ در ابلاغ دستوره‌های الهی به مردم است، ولی در مواردی مدارا، نرمش و سکوت برای جذب قلوب لازم است. خشیت غیر از خوف است، خشیت تأثر قلبی است که از عظمت امری ناشی می شود، ولی خوف انتظار وقوع امر ناپسندی است که موجب پرهیز از آن می شود.

سیره عملی امام حسین علیه السلام در جریان کربلا مصداق واقعی این آیه است. چرا که اگر ترس از نابودی خود و فرزندانش را داشت هرگز پای به این صحنه پرمخاطره نمی گذاشت. امام علیه السلام در زمره عارفانه خود در دعای عرفه چنین می فرماید که **اللّهُمَّ أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ** خدایا مرا آنچنان قرار ده که از تو بیمناک باشم به طوری که گویا تو را می بینم. از غیر خدا نمی ترسید. اگر در دنیا هیچ پناهگاهی نداشته باشم و کسی مرا حمایت نکند، من با یزید بیعت نمیکنم. **لَوْلَمْ يَكُن لِي مَلْجَأٌ وَ لَا مَاءُوِي لَمَا بَايَعْتُ يَزِيدَ أَوْلِيَا هَيْجَ كَوْنِهِ خَشِيْتِي** از غیر خدا ندارند، زیرا تنها خداوند را بزرگ می بینند. خدا ترسی مقدّمه‌ی شجاعت و شهامت است. مبلّغان الهی بدانند که حساب صبر و تحمل آنان با خداست.

## ۶۰ . مقام ذکر

از دیگر اوصاف پارسایان رسیدن به مقام ذکر است یاد خدا را در دل داشتن و همواره به یاد او بودن، یاد خدا مایه آرامش است الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ رعد ۲۸

همان مردمانی که بر کردگار  
بیارند ایمان و دارالقرار  
که دل‌های آنها به یاد خدا  
همی گیرد آرام و یابد صفا  
همانا بدانید یاد خداست  
که آرام دلها و رمز شفاست

و مؤمنان راستین آنانند که خرید و فروش و مشغولیات دنیوی آنها را از یاد خدا غافل نمی‌سازد رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ ... (نور ۳۷)

به کسب و تجارت گروهی رجال  
نگشتند غافل ز رب جلال

و بالاخره دشمنان خود را با استناد به آیه قرآن سرزنش می‌کند که اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ (مجادله ۱۹)

همانا که ایشان به فعل و مرام  
بگشتند از حزب شیطان تمام  
بدان حزب شیطان به روز شمار  
زیانکار می ماند و خوار و زار

ننگ بر شما و آنچه می‌خواهید، ما از خداییم و به سوی خدا باز می‌گردیم. یاد خدا تنها به ذکر زبانی نیست، اگر چه یکی از مصادیق روشن یاد خداست، آنچه مهم است یاد خدا بودن در تمام حالات خصوصاً در وقت گناه است.

کسی که از یاد خدا غافل است، آرامش ندارد و زندگی بدون آرامش زندگی نکبت باری است. مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا

هرآن کس ز یادم کند احتراز نگردد به رویش در رزق باز

اما در آیات دیگری می‌خوانیم هرگاه مؤمن خدا را یاد کند، دلش به لرزه می‌افتد. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ

کسی هست مؤمن که چون در میان رود نام و ذکر خدای جهان

هراسان بگردد دلش ز آن کمال که دارد همی ایزد ذوالجلال

گاهی انسان بخاطر وجود همه مقدمات، اطمینان و آرامش دارد، اما در عین حال از نتیجه هم نگران و بیمناک است. فرزندان، هم به وجود والدین، احساس آرامش می‌کنند و هم از آنها حساب می‌برند. گاهی انسان از آنجا که می‌داند فلان ناگواری برای آزمایش و رشد و ترفیع مقام اوست، خرسند و آرام است، اما اینکه آیا در انجام وظیفه موفق خواهد شد یا خیر، او را نگران می‌کند و به لرزه می‌اندازد. انسان‌های مؤمن وقتی در تلاوت قرآن به آیات عذاب، دوزخ و قهر الهی می‌رسند، لرزش بر اندام آنها مستولی می‌شود، اما هنگامی که آیات رحمت و رضوان و بهشت را قرائت می‌کنند، آرامشی شیرین، قلوب آنها را فرا می‌گیرد و آنها را دلگرم می‌سازد.

امام حسین علیه السلام به هنگام شهادت علی اصغرش با عبارت هین علی انه بعین الله این آرامش را ابراز فرمود و یا در دعای عرفه آمده است: یا ذاکر الذاکرین در این آیه آمده که دلها، و به ویژه دل مؤمن، با یاد خدا آرام می‌گیرد.

## ۶۱. صبر و تسلیم

صبر در برابر مصیبت‌ها و تسلیم در برابر اراده الهی یکی دیگر از خصلت‌های نیک عارفان است **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ**

پس ای اهل ایمان به صبر و نماز بقره ۱۵۳ از الله یاری بجوئید باز

خداوند با صابرانست یار بود یاور صابران کردگار

امام در وصیت‌نامه به محمدبن حنفیه زمانی که می‌خواست امام را از اهدافش و قیامش باز دارد، فرمود: هر کس مرارند کند و از یاری من سر باز زند صبر می‌کنم تا خدا بین من و قوم اموی حکم کند که او بهترین حکم‌کنندگان است (بحارالانوار ج ۴۴ ص ۳۳۰) صبحگاه عاشورا یاران خویش را چنین به صبر فرا می‌خواند که: ای کریم زادگان! صبوری کنید زیرا مرگ چونان پلی است که شما را از سختی‌ها و آسیب‌ها عبور داده و به بهشت‌های پهناور و نعمت‌های جاودانه می‌رساند (معانی الاخبار ص ۲۸۹) در قتلگاه و عروجگاه، عصر عاشورا در نیایشی عاشقانه با تن و بازوی زخم‌دار چنین عرضه می‌دارد: بر قضا و حکم تو صبر می‌کنم، ای خدای من، جز تو خدایی نیست ای فریادرس فریادگران (مقتل)

**صبر** مشابه این کلام الهی را در همین سوره خواندیم که خداوند به بنی اسرائیل می‌فرمود: در برابر ناملایمات و سختی‌ها، از صبر و نماز کمک بگیرید. در این آیه نیز به مسلمانان دستور داده می‌شود تا در برابر حوادث سخت زندگی، از صبر و نماز یاری بجویند. آری، دردهای یکسان، داروی یکسان لازم دارد.

اصولاً انسان محدود، در میان مشکلات متعدّد و حوادث ناگوار، اگر متصل به قدرت نامحدود الهی نباشد، متلاشی و منکوب می‌شود.

و انسان مرتبط با خداوند، در حوادث و سختی‌ها، خود را نمی‌بازد و برای او حوادث، بزرگ نمی‌نماید.

کسی که نماز را با حضور قلب و با توجّه می‌خواند، به معراج می‌رود. هرچه پرواز معنوی او بیشتر باشد و بالاتر رود، دنیا و مشکلات آن و حتی خوشی‌های آن کوچکتر می‌شود.

انسان، یا در نعمت بسر می‌برد که باید به آیه قبل عمل کند؛ **فَاذْكُرُونِي، اشْكُرُوا لِي** و یا در سختی بسر می‌برد که باید به این آیه عمل کند؛ **اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ** خداوند می‌فرماید: خدا با صابران است و نمی‌فرماید: با نمازگزاران است. زیرا نماز نیز نیاز به صبر و پایداری دارد.

در روایات می‌خوانیم: هرگاه کار سختی برای حضرت علی علیه السلام پیش می‌آمد حضرت دو رکعت نماز می‌خواند این سیره را بوعلی سینا نیز عمل می‌کرد.

صبر، مادر همه کمالات است؛ صبر در جنگ، مایه شجاعت است.

صبر در برابر گناه، وسیله تقواست. صبر از دنیا، نشانه زهد است.

صبر در شهوت، سبب عفت است. صبر در عبادت، موجب طاعت،

و صبر در شبهات، مایه ی وّرع است.



## ۶۲. عبادت

عبادت پیوند مخلوق با خالق و اوج کمال انسانی و ارج بخشیدن خداوندی است که نعمات فراوانی به ما عطا کرده است. قرآن، گاه پرستش را هدف آفرینش و گاه عامل نفی سلطه های شیطانی، و گاه زمینه وحی و پیامبری و... معرفی می کند

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات ۵۶)

### خدا انس و جن را نبخشید جان      جز آنکه پرستند رب جهان

امام حسین علیه السلام عبد صالح خدا بود و تجسم عینی آیات الهی، در عین حال که پهلوانی بزرگ بود، عابدی تمام عیار و عارفی کامل در پیشگاه الهی بود. علاوه بر نمازهای پنجگانه نمازهای دیگر بجای آورد و علاوه بر روزه ماه رمضان در ماههای دیگر هم روزهائی را روزه می گرفت و در هیچ سال حج خانه خدا از او فوت نشد مگر آن که ناچار به ترک شده باشد. (منبع پیشین ابوالشهاد۷۳۱) .

امام حسین علیه السلام انس ویژه ای با نماز داشت از برادرش حضرت ابوالفضل علیه السلام خواست یک شب از امویان مهلت بگیرد تا در آن شب فقط به دعا، نماز، تلاوت قرآن و استغفار و راز و نیاز با خدا پردازد

در حدیثی از امام حسین علیه السلام می خوانیم: خداوند مردم را نیافرید مگر برای معرفت و شناختن و چون او را شناختند، او را عبادت می کنند و هر که او را عبادت کند، از بندگی غیر او بی نیاز می شود. جنّ، قبل از انسان آفریده شده و دارای تکلیف است. در این آیه نیز نامش قبل از انسان آمده است. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ در قرآن، تمام آفرینش بر اساس حق است و هیچ آفریده ای باطل نیست،

## ۶۳ . عزت طلبی و ذلت ستیزی:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ (فاطر ۱۰)

هرآن کس که عزت نماید طلب بداند که عزت بود خاص رب

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در مقابل سپاه دشمن فریاد بر آورد که : آگاه باشید که زنازاده پسر زنازاده (ابن زیاد) مرا بین دو چیز مخیر ساخته یا شمشیر کشیده آماده جنگ شوم و یا لباس ذلت بپوشم و با یزید بیعت نمایم ولی ذلت از ما بسیار دور است . سیره امام نیز بر مبنای همین حبل متین الهی بود و لحظه ای تن به ذلت و سر به خواری نداد و سطر سطر قیام او نشانگر عزت مداری و پایداری بر راه هدایت الهی بود هر کس خواهان عزت است، عزت در پرتو ایمان و عمل صالح است. امام در قیام خود طالب عزت بود؛ هیئات من الذله

۱- عزت واقعی، نزد خداست، نه پیش مردم.

۲- عزت واقعی، در سایه‌ی ایمان و عمل صالح است.

۳- میان عقیده با عمل رابطه‌ی تنگاتنگ است و در یکدیگر اثر می‌گذارند.

۴- راه مؤمنان که عزت را از طریق ایمان و عمل صالح می‌جویند، راه رشد و تکامل است.

۵- هیچ کس با نیرنگ و گناه به عزت نمی‌رسد. است. «يَبُورُ»

در جملاتی امام و الله لا أعطیکم بیدی اعطاء الدلیل و لا اقرُّ لکم اقرار العبید به خدا سوگند! دست ذلت به سوی شما دراز نخواهم کرد و چون بندگان، تسلیم

شما نخواهم شد. **ألا انّ الدّعی ابن الدّعی قد ....** ؛ زنا زاده پسر زنا زاده مرا بین دو کار مخیر گذاشته: مبارزه با کمی اصحاب و یا ذلت؛ هیئات، من پستی و ذلت را انتخاب نخواهم کرد. انسان‌های غیرتمند و روح‌های با عزّت، مکان‌های ذلت و پستی را بر جایگاه کرامت و عزّت ترجیح نخواهند داد

زیرا که عزّت از آن خداست **وَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ** در سخنی دیگر **اِنِّي لَا اَرَى الْمَوْتَ اِلَّا سَعَادَةً و لَا الْحَيٰوةَ مَعَ الظّٰلِمِيْنَ اِلَّا بَرَمًا**؛ من مردن را برای خویش سعادت و زندگی با ستمگران را مایه ملامت و سرزنش می‌بینم.

در این زمینه، کلمات بسیاری از آن حضرت به ما رسیده است که می‌تواند برای همه عاشقان و انسان‌های آزاده و جوانمرد، الگو باشد.

عزت تنها از آن خداوند است، ولی آن را به مظهر اکمل و اتم خود حضرت محمد(صلی الله) و دیگر مظاهر یعنی مؤمنان نیز نسبت می‌دهد.

بسم الله الرحمن الرحيم مسلمین آگاه باشند که اسلام در خطر کفر است. مراجع و علمای اسلام بعضی محصور و بعضی محبوس و مهتوک هستند. دولت امر داد حوزه‌های علمیه را هتک کنند، و طلاب بی‌پناه را کتک بزنند، و بازار مسلمین را غارت کنند و درب و پنجره مغازه‌ها را بشکنند. با ما معامله بردگان قرون وسطی می‌کنند. به خدای متعال من این زندگی را نمی‌خواهم. **اِنِّي لَا اَرَى الْمَوْتَ اِلَّا سَعَادَةً و لَا الْحَيٰوةَ مَعَ الظّٰلِمِيْنَ اِلَّا بَرَمًا** کاش مأمورین بیایند و مرا بگیرند تا تکلیف نداشته باشم. فقط جرم علمای اسلام و سایر مسلمین آن است که دفاع از قرآن و ناموس اسلام و استقلال مملکت می‌نمایند و با استعمار مخالفت دارند. این است حال ما، تا آقای علّم و ارسنجانی چه بگویند. **روح الله الموسوی الخميني**

**علت عزیز بودن امام حسین (علیه السلام)** اگر بخواهیم تجلی صفت کمال در زندگی هر امام را به عنوان لقب آن حضرت برگزینیم، باید امام حسین علیه السلام را «حسین عزیز» بنامیم. عنصر «عزت» آنچنان در قیام امام حسین علیه السلام حضور دارد که می‌توان آن را به عنوان یک ملاک و اصلی کلی در نظر گرفته و گزارش‌های مورخان درباره این نهضت را با این ترازو سنجید.

و هر گزارشی را که کمترین شائبه ذلت در آن باشد مردود شمرد. عزت در لغت به معنای عظمت و بزرگواری و ارجمندی و سرافرازی آمده است. این منظور، این واژه‌ها را به معنای قدرت و رفعت باز دارنده از شکست خوردن در برابر ظالمان و ستمگران و ضد ذلت و خواری می‌داند.

**عزت یکی از صفات خدای متعال است** و تمام عزت از آن اوست و هر کس عزتی کسب می‌کند، از برکت دریای بی انتهای اوست.

زمانی که امام حسین (علیه السلام) در بیابان سوزان کربلا در محاصره نیروهای ابن زیاد قرار گرفت، از او خواسته شد تا بدون هیچ گونه قید و شرطی تسلیم شود. آن حضرت وقتی چنین وضعی را مشاهده کرد، در روز عاشورا در سخنرانی‌اش فرمود: «این ناکس پسر ناکس، مرا به پذیرفتن یکی از دو چیز مجبور کرده است: یا جنگ کنم یا ذلت را بپذیرم و تسلیم او شوم. هیئات که ذلت را بپذیرم.

امام در آن شرایط که مشکلات گوناگون متوجه آن حضرت بود، با تمام توان این جمله را بیان فرمود و در عمل هم ثابت کرد که مرگ با عزت، بهتر از زندگی ذلت بار است.

## ۶۴ . احیاگری قرآن

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ لِيَتَفَتَّرُوا عَلَى اللَّهِ  
الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (نحل ۱۱۶)

نباید که از پیش خود یک طعام	بخوانید پاک و دگر یک حرام
که با این چنین گفته های خطا	ببندید بر رب خود افترا
کسانی که بر ایزد خویشان	دروغی ببستند اندر سخن
نبینند روی سعادت به خود	نخواهند فیروز و منصور شد

(سرچشمه‌ی همه افتراها رسیدن به دنیایی است که) بهره‌ای اندک است، در حالی که برای آنان (در آخرت) عذابی دردناک است. آن چه را به دروغ وصف می‌کنید حلال و حرام نشمارید زیرا با این کار به خدا دروغ می‌بندید. این عبارت را امام حسین علیه السلام به لشگریان دروغگو و فریب خورده‌ی یزیدیان بارها فرمودند که هم نامه نوشتند و هم پیمان شکستند و هم پیرو و بیعت با فردی شرابخوار و حرامخواری چون یزید و ابن مرجانه شدند. (سرچشمه‌ی همه افتراها رسیدن به دنیا) بهره‌ای اندک است، در حالی که برای آنان عذابی دردناک است.

**آیه هرگونه تحلیل یا تحریمی را که بر مبنای قانون الهی نباشد، محکوم نموده و آنرا دروغ بستن به خدا، برای رسیدن به متاع بی‌ارزش دنیوی می‌شمرد.**

در مورد حلال و حرام‌ها، اظهار نظرهای بی‌جا و بی‌دلیل نکنیم بدعت در دین و احکام آن، ممنوع است. **وَلَا تَقُولُوا ... هَذَا حَلَالٌ...**

**۶۵. انفاق** لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ

بِهِ عَلِيمٌ آل عمران ۹۲

نیابید هرگز چنان منزلت  
که دارند خاصان حق در صفت  
مگر آنکه از آنچه دارید دوست  
نمایید انفاق بر خویش و دوست  
که هرچه نمایید انفاق مال  
بر آنست آگاه یکتا جلال

هرگز به نیکی نمی رسید تا زمانیکه از آنچه دوست می دارید انفاق کنید به مقام  
ابرار نایل نمی شوید مگر با انفاق جان و فرزند و...

امام روز عاشورا تمام آنچه را که در اختیار داشت و محبوب او بود در راه خدا  
انفاق کرد: یارانی مخلص، خانواده، جان خود،

در قرآن، ایمان و عمل صالح و جهاد و نماز و وفای به عهد، از نمونه‌های بَرّ  
معرفی و همگان توصیه شده‌اند که در انجام بَرّ همدیگر را یاری کنند **تَعَاوَنُوا عَلَى  
الْبِرِّ** و در آیه نیز می‌فرماید که شما هرگز به این گوهر گرانبها نمی‌رسید، مگر آنکه  
از آنچه دلپسند شماست و آن را دوست می‌دارید، انفاق کنید.

در احادیث می‌خوانیم: راه رسیدن به بَرّ، کمک به والدین قبل از درخواست آنان  
است، گرچه بی‌نیاز باشند

این تکلیفی است که خداوند آن را بر شیعیان لازم کرده آنجاکه در کتاب خود  
می‌فرماید: **«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ...»** پس ما بَرّ و تقوا و راه هدایت هستیم.

## ۶۶. مصباح الهدی

قرآن انبیا را هدایتگر مردم به امر الهی در پرتو صبر و یقین و عبادت معرفی کرده  
وَ جَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ... لَنَا عَابِدِينَ

بگشتند بر مردمان راهبر نشان داده راه نکو بر بشر

به آنها بگفتیم با وحی خویش ره کار نیکو بگیرد پیش

بگشتند از زمره عابدین نهادند دل را به یزدان و دین

امام مظهر این وصف برجسته است لذا پیامبر او را **مصباح الهدی** نامید. از رسول  
مکرم **إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ حَسِينِ** **چراغ هدایت و کشتی**  
**نجات است** : در تاریکی هولناک هوا و هوس و سختی های روزگار و **ظلمت دام**  
**های شیطانی** هرکسی که دنبال چراغ هدایت حسینی راه نیفتد گمراه شده و دچار  
سردرگمی و هلاکت خواهد شد. جلو افتادن از چراغ هدایت و عقب ماندن از  
آن باعث هلاکت است. پیامبر خدا وظیفه مسلمانان بعد از خود حتی صحابه را  
نیز با پیروی از اهل البیت مخصوصا امام حسین (علیه السلام) مشخص نموده اند .  
چنانچه در حدیث دیگری فرموده اند **حسن و حسین دو امام اند چه قیام کنند**  
**و چه ساکت بنشینند**. در هر عصر و زمان حرف امام حسین علیه السلام **حجت**  
**است**. نه تنها گفتار امام حسین علیه السلام بلکه تمام رفتار و کردار او نیز باید حجت  
باشد. و تخلف از آن جایز نیست. **حسین کشتی نجات است** : چنانچه کشتی  
حضرت نوح مایه نجات بشریت شد، هرکسی که بخواهد از غرق شدن در دریای  
متلاطم دنیا و آلودگی هایش در عصر بعد از پیامبر و سلم نجات پیدا کند باید  
سوار کشتی نجات امام حسین شود.

## ۶۷ . نفس مطمئنه

يا أَيَّتْهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً . فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي « فجر ۳۰ تا ۲۷ » هان ای روح آرام یافته به سوی پروردگارت بازگرد که تو از او راضی و او از تو راضی است. پس در زمره‌ی بندگان من درآی. و به بهشت من داخل شو! . اشعار آیات قبلا آورده شده

دل آرام و نفس مطمئنه، با ذکر خدا به دست می‌آید. راضی بودن و مرضی بودن، نشانه نفس مطمئنه است که او از خدا راضی است و خدا نیز از او راضی است.

امام صادق علیه السلام اقرؤ سورة الفجر في فرائضكم و نوافلكم زیرا در شان امام و صاحب نفس مطمئنه است. اصالت انسان با روح است و بدن، مرکب آن است يا أَيَّتْهَا النَّفْسُ (خطاب خداوند به نفس است) بهشت بدون یار و همدم، بهشت نیست. فَادْخُلِي فِي عِبَادِي بهشت، انواع و درجاتی دارد. جَنَّتِي چنانکه قرآن در موارد متعدد فرموده: جَنَّاتٍ عَدْنٍ

**پیروی از امام حسین (علیه السلام) و کسب نفس مطمئنه** مربی خوب کسی است که بخواهد شاگردش در زمان حیات خودش مانند او بشود. اگر مربی‌ای دارای چنین خصوصیتی بود معلوم می‌شود که واجد نفس شریف مربی‌گری است

امام حسین (علیه السلام) در عالم هستی به صورتی خاص واجد «نفس المطمئنه» بوده‌اند.



## ۶۸ - بهره مندی عموم مردم

در جهان هستی اموری وجود دارد که عموم انسان ها می توانند از آن فیض و بهره ببرند و اختصاص به هیچ طایفه و نژاد خاصی ندارد از جمله:

الف. رحمت الهی؛ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَوْفٌ رَحِيمٌ

ب. رسالت پیامبر اکرم صلی الله؛ وَ أَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا

ج. قبله و خانه ی کعبه إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا

د. قرآن کریم شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ

ه. عاشورای حسینی وَ بَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ

حَايِرَةَ الضَّلَالَةِ. و جانش را در راه تو بذل کرد تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند.

در زیارت عاشورا وَ ثَبَّتْ لِي قَدَمِ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مُهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ و مرا در سخن و اعتقاد و عمل نسبت به امام حسین (علیه السلام) ثابت قدم بدار، و مرا نسبت به یارانش همان کسانی که خون خویش را در رکاب حسین و برای حسین بذل نمودند، استوار ساز. می گویند بذل آن دادنی است که برگشتن برایش وجود ندارد. نمی دهد که بعد چیزی بگیرد.

**حفاظت از امام و رهبر در عاشورا** همه شهیدان در روز عاشورا به یکدیگر وصیت می کردند که نگذارید به امام گزند برسد و از او جدا نشوید. آنان حتی هنگام شهادت این قول را از یکدیگر می گرفتند و به همین خاطر در زیارت عاشورا، الَّذِينَ بَدَلُوا مُهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ بذل یعنی بخشش بدون چشم داشت.

## ۶۹. عبرت از تاریخ (عاشورا) تاریخ چراغ روشن آینده است

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ  
وَ لِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا محمد ۱۰

به روی زمین هیچ آیا گذر نخواهند بنمود و سیر و سفر

که بینند فرجام پیشینیان کزین پیش بودند از خاکیان

که نابودشان کرد ایزد تمام چو بودند مردان بی اهتمام

پس این کافران هم چو آن قوم خوار بگردند بر کیفر خود دچار

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ. ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ  
عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ. فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ  
فَعَلَبُوا هُنَالِكَ وَ انْقَلَبُوا صَاغِرِينَ (اعراف ۱۱۹ تا ۱۲۰)

سرانجام آن ساحران خرد و خوار بگشتند مغلوب در کارزار

وَ أَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ. و جادوگران به سجده افتادند. با پیروزی حضرت  
موسی، ضربه‌ی سختی بر نظام فرعون و مهم‌تر ایمان آوردن به موسی.

امام حسین علیه السلام آیاتی که به آن استناد می‌کردند چندین آیه از تاریخ پیامبران  
بالاخص حضرت موسی علیه السلام و از در کوفه و شام از اینکه وقایع کربلا خیلی  
عجیب تر از عاقبت اصحاب کهف می‌باشد. امام و نهضت عاشورا جهانی شده  
و بسیاری از دانشمندان غیر مسلمان نظراتی در باره ایشان داده اند. ولی از معاویه  
و یزید جز بدنامی و .... باقی نمانده حتی بین اهل تسنن که اطاعت از بعضی  
جرثومه‌ها را به عنوان اطاعت از اولی الامر می‌دانند. **در قرآن نابودی و هلاکت**  
**مردم، بر اساس عملکرد و خلق و خوی آنان است** گروهی به خاطر طغیان  
هلاک شدند. برخی به خاطر لجاجت و انکار. عده‌ای به دلیل مکر و حيله. و....

## ۷۰ . امام و زندگی قرآن محض

وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ (دخان ۲۰) وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاَعْتَرِلُونِ (۲۱)

همانا برم بر یگانه اله  
از آزار و از سنگسارم پناه  
اگر خود نگرید مؤمن به من  
مرا واگذارید بر خویشتن

و از اینکه مرا متهم (یا سنگسار) کنید، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم.  
و اگر به من ایمان نمی‌آورید پس (لااقل) از من کناره بگیرید. ای بندگان خدا من  
پروردگار خود و پروردگار شما پناه میبرم از این که آزاری به من برسانید

فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ (۲۲)

پس آنگاه برداشت دست دعا  
که این قوم، مجرم بود ای خدا

عُذْتُ : پناه برده‌ام. تَرْجُمُونَ : این که مرا سنگسار کنید. تکیه روی مسأله رجم،  
یعنی سنگسار کردن بدین خاطر است که اغلب پیغمبران و مردان خدا را بدین  
نحو تهدید به قتل نموده‌اند

۱- تهمت و شکنجه نباید مانع کار شود. إِنِّي عُذْتُ ... أَنْ تَرْجُمُونِ (مراد از رجم،  
یا تهمت زدن است و یا پرتاب سنگ)

۲- در شیوه‌ی تبلیغ مقابله به مثل مفید است. (در برابر فرعون که می‌گوید: من  
ربّ شما هستم موسی مکرر فرمود:) «بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ»

۳- تا انسان به خدا تکیه نکند و او را پناه خود نداند، نمی‌تواند در برابر ستمگران  
مقاومت کند.

## سبک زندگی که ماندگار ماند

عناصر و شاخص هایی که سبک زندگی حسینی و عاشورایی به جامعه انسانی معرفی می کند دارای مؤلفه هایی است که رعایت و به کار بستن آنها در زندگی ضامن سعادت و خوشبختی تمام جوامع است.

جناب شیخ مفید در ارشاد خود، پلان هایی از روحیه عزتمندانه امام حسین (علیه السلام) را در واقعه عاشورا این چنین به تصویر کشیده است:

وَاللّٰهُ لَا اَعْطِيْكُمْ بِيَدِيْ اِعْطَاءَ الدَّلِيْلِ وَ لَا اَفِرُّ فِرَارَ الْعَبِيْدِ؛ نه بخدا، نه دست خواری بشما خواهم داد، و نه مانند بندگان فرار خواهم نمود.

و من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می خوانم،

چرا که (این گروه) سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از بین برده و بدعت (در دین) را احیا کردند،

اگر سخنانم را بشنوید و فرمانم را اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می کنم.



## ۷۱. حسین علیه السلام ذبح عظیم

وَ قَدَّيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ [صافات ۱۰۷] و او را در ازای قربانی بزرگی باز رها نمودیم

فدا ساخت ذبحی بزرگ و عظیم بر آن مرد نیکو، خدای کریم

ذبح عظیم امام حسین علیه السلام است (عیون اخبار الرضا ع ج ۱ ص ۲۰۹)

حضرت زینب سلام الله علیها در خطبه هایش در اسارت می فرماید إلهی تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقُرْبَانَ خدایا این قربانی را از ما بپذیر و در مقابل یاوه گویی ها و اظهار پیروزی یزیدیان که گفتند خدا با شما چه کرد و .... می فرمایند ما رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا یک جرقه‌ی خالص، به یک جریان بزرگ تاریخی تبدیل می‌شود.

کلمات فداء و فدیة : پیش مرگ شدن و بلاگردان شدن و باز خرید است. خداوند وعده داد که نام نیک ابراهیم در تاریخ بماند وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ. صافات ۱۰۸

بر آیندگان نیز یادش نگاشت از او نام جاوید باقی گذاشت

بِذَبْحٍ عَظِيمٍ همه ساله صدها هزار گوسفند و گاو و شتر در قربانگاه اسماعیل به یاد او ذبح و قربانی می‌شود و معامله با خدا سود ابدی دارد. تمام مناسک حج، از طواف کعبه تا نمازی که پشت مقام ابراهیم خوانده می‌شود و پیدا شدن انبیایی از نسل او همه و همه نمونه‌هایی از یاد خیر او در تاریخ است.

۱- در فرهنگ دینی، ذبح حیوان برای دفع خطر مؤثر است وَ قَدَّيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ

۲- قربانی کردن، از سنت‌های ابراهیمی است. بِذَبْحٍ عَظِيمٍ

۳- یک جرقه‌ی خالص، به یک جریان بزرگ تاریخی تبدیل می‌شود.

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

پس از این هر آن کس که ورزد جدال آل عمران ۶۱ که در باب عیسی بود آن مقال

کنون چون به وحی یگانه خدا

شدی آگه از حالش ای مصطفی

بگو پس بیاپید تا این زمان

همه گرد آئیم در یک مکان

به همراه انفاس و اطفال و زن

تباهل نماییم ای انجمن

نماییم نفرین بر یکدگر

به درگاه پروردگار بشر

که ناراست گورا به خشم خدا

نماییم با این عمل مبتلا

**امام حسن و امام حسین** (علیهما السلام) بعنوان ابناءنا . أنفُس علی (علیه السلام) . نساء

حضرت فاطمه سلام الله علیها (۵تن) و با این کار، امر الهی به انجام رسیده است.

در سال دهم هجری، افرادی از سوی رسول خدا مأمور تبلیغ اسلام در منطقه

نجران شدند. مسیحیانِ نجران نیز نمایندگان را برای گفتگو با پیامبر به مدینه

گسیل داشتند. با وجود گفتگوهای که میان آنان شد، باز هم آنان بهانه‌جویی

کرده و در حقانیت اسلام تردید کردند. آیه نازل شد: بیاپید با حالت تضرع و

ابتهال بر دروغگویان نفرین کنیم. هنگامی که نمایندگان مسیحیان، پیشنهاد

مباهله شنیدند، به یکدیگر نگاه کرده و متحیر مانده و مهلت خواستند تا در این

باره فکر و اندیشه و مشورت کنند. بالاخره پذیرفتند و زمانی که متوجه شدند

پیامبر با نزدیکان و عزیزان و جگرگوشه‌های خودش آمده پشیمان شدند و با دادن

جزیه در پناه اسلام در کنار مسلمانان ماندند.

## ۷۳ . مقام اولی الامر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ نساء ۵۹

پس ای مؤمنان با رضا و قبول اطاعت کنید از خدا و رسول

همین گونه با رغبت و با رضا اطاعت نمایید اولی الامر را

روایات تفسیری بسیاری که مصادیق اولوا الامر (علیهم السلام) که اطاعت ایشان همانند اطاعت خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) واجب شده، پرداخته است. آیهی قبل، وظایف حاکمان که باید دادگر و امانتدار باشند، و سفارش شده که امانات به اهلش سپرده شود، این آیه سپردن به اهلش، در سایه اطاعت از خدا و رسول و اولی الامر است. این آیه به وظیفه‌ی مردم در برابر خدا و پیامبر اشاره می‌کند. با وجود سه مرجع خدا، پیامبر و اولی الامر هرگز مردم در بن بست قرار نمی‌گیرند. اطاعت از پیامبر و اولی الامر نیز، شعاعی از اطاعت خدا و در طول آن است، نه در عرض آن و به فرمان خداوند اطاعت از این دو لازم است. متأسفانه آیه در دوران خلفا و امویان دستخوش تعبیر غلط قرار گرفت و اطاعت از خلفا و حاکمان ظالم و بی لیاقتی چون معاویه و یزید و ... لازم شمرده و امام حسین علیه السلام را که طبق آیه ولی امر مسلمین است به عنوان خارجی نام بردند. امام صادق علیه السلام: آیه درباره علی و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده، وقتی آیات نماز بر پیامبر نازل شد تعداد رکعات نمازهای پنج‌گانه تعیین نشده بود، لذا رسول خدا خود، تعداد رکعات را بیان فرمود و نیز موقعی که آیه زکات نازل گردید تعیین مقدار زکات در اشیاء هم گفته نشده بود. پیامبر مثلاً خود درباره زکات درهم از قرار هر چهل درهم يك درهم بیان فرمود و ...

## ۷۴. عصمت و طهارت

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب)

خدا چنین می‌خواهد که هر رجس و آلاشی را از شما خانواده (نبوت) ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند. ذیل آیه موافق اخبار شیعه و اهل سنت راجع به شخص پیغمبر و علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام است و اگر راجع به زنان پیغمبر بود بایستی ضمیر مؤنث **عَنْكُنَّ** ذکر شود و به سیاق جمل صدر آیه باشد. بصراحت از عصمت امام حسین (علیه السلام) به همراه دیگر امامان معصوم (علیهم السلام) از اهل بیت بیان شده است. گناه، پلیدی روح است و خاندان نبوت باید از این پلیدی دور باشند. **لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ**

ام سلمه گوید: پیامبر در خانه من بود. علی و فاطمه و حسن و حسین را نزد خود خواند و آنها را به عبا خیریه مجلل داشت و سپس فرمود: **اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلَ بَيْتِي فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا** و خداوند آیه تطهیر را نازل فرمود سپس گوید: من گفتم یا رسول الله آیا من داخل در اهل البیت شما خواهم بود یا نه. فرمود: نه، ولی تو در خیر و خوبی هستی.

کلمه **إِنَّمَا** نشانه‌ی این است که آیه‌ی شریفه درباره‌ی یک موهبت استثنایی در مورد اهل بیت علیهم السلام سخن می‌گوید. **يُرِيدُ**، اراده‌ی تکوینی است، زیرا اراده‌ی تشریحی خداوند، پاکی همه‌ی مردم است نه تنها اهل بیت پیامبر اکرم علیهم السلام. رجس هر گونه ناپاکی ظاهری و باطنی است. **أَهْلَ الْبَيْتِ** همه‌ی خاندان پیامبر نیست، بلکه برخی افراد آن است که نام آنان در روایات شیعه و سنی آمده است. **عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَحَسَنَ وَحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ**.



**سوره هل اتی** (انسان) در بیان حسب و مقامات اخروی معصومین نزول یافته و خدا به صراحت از بهشتی بودن و مقامات اخروی آن حضرت سخن گفته است  
وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا انسان ۱۲

### به پاداش آن صبر، یزدان نوشت بر ایشان حریر و صفای بهشت

خداوند، مخلصان را به مراد خود می‌رساند. و کیفر و پاداش باید متناسب با عمل باشد. (حفظ و نجات محرومان، سبب حفظ و نجات انسان در قیامت است.)  
ترس امروز، امنیت فردا و مسرور کردن امروز، مسرور شدن فردا را به دنبال دارد و پاداش‌های الهی به خاطر صبر است. جَزَاءَهُمْ بِمَا صَبَرُوا

امام باقر علیه السلام: پاداش ابرار به خاطر صبوری چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمود:  
صبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی صبر کردم در حالی که در چشم، خار و در گلو تیغ داشتم. و درباره امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: لقد عجبت من صبرك ملائكة السماوات همانا از صبر تو فرشتگان آسمان به تعجب افتادند.  
اطعام ابرار برای دو هدف صورت گرفت: لَوْجِهِ اللَّهِ وَ نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا وَ به آن دو هدف هم رسیدند. فَوَقَاهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَّاهُمْ نَصْرَةً وَ سُورًا

### خداوند از شر آن روز سخت نگه داشت آن مردم نیکبخت

### خدا روی خندان و دل‌های شاد بر ایشان عطا کرد روز معاد

صابران نه تنها در قیامت پاداش می‌بینند، بلکه در دنیا، سلام و صلوات الهی را دریافت می‌کنند. بهشتیان در آسایش و آرامش به سر می‌برند مُتَكِينِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ هوای بهشت بسیار مطبوع و در بهشت، نعمت‌ها تسلیم ابرار هستند.

## ۷۶ . مقام راسخون در علم

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (آل عمران ۷)

بلی او خدائست کو بر صواب	به سویت فرستاده است این کتاب
که محکم بود برخی آیات آن که	اصل کتابست اندر بیان
گروهی از آیات را در سخن	تفاوت بود بهر معنا شدن
کسانی که دارند اندر ضمیر	تمایل به باطل طریق و مسیر
از این آیه ها خود اطاعت کنند	به تأویل آنان عنایت کنند
که تأویل سازند بر میل خویش	که هم شبهه هم فتنه آرند پیش
اگرچه که تأویل آن را، سزا	ندانند جز عالمان و خدا
بگویند بر این مبارک کتاب	بگشتیم مؤمن به راهی صواب
که آیات آن جمله از کبریاست	فرستاده از سوی ایزد به ماست
چنین نکته را کس نکردست ذکر	جز آنها که دارند عقلی و فکر

امام باقرعلیه السلام: رسول خدا افضل راسخان در علم بود پس از او اوصیای گرامیش. امامان معصوم علیهم السلام از مصادیق بارز راسخان در علم و عالمان به تاویل می باشند. تاویل قرآن اهداف و معارف و اسرار پشت پرده ای باشد که بعد روشن می شود. نظیر تعبیر خوابی که حضرت یوسف دید و بعد روشن شد و یا اسراری که در شکستن کشتی توسط خضر و موسی بود که بعد روشن شد.

دیگر مقام معنوی امام همانند دیگر اهل عصمت در قرآن اشاره شده در روایات ماثور از امام حسین علیه السلام بعنوان شهید صدیق یاد میشود یا **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ** توبه ۱۱۹

الا مؤمنان به پروردگار  
که دارید ایمان به روز شمار  
بترسید از کردگار مهین  
بگردید با صادقان همنشین

**آیه صادقین** به مؤمنان دستور می‌دهد همراه صادقین باشند و از آنان پیروی کنند. بنابر باور شیعه مقصود از صادقین، ائمه اهل بیت هستند. این آیه از دلایل قرآنی بر امامت امامان معصوم است

صادقین: آیه ۱۷۷ اهل ایمان، انفاق، نماز، وفای به عهد و صبر در برابر مشکلات را صادق می‌شمارد **ليس البرّ ... و آتی المال علی حبه... اولئک الذین صدقوا ...** آیه ۲۳ احزاب از آنان یاد شده **من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله و رسوله یا مهاجران اند که در آیه هشتم سوره حشر **للفقراء المهاجرین الذین اخرجوا من دیارهم ... اولئک هم الصادقون****

در میان احادیث شیعه و سنی نیز آمده صادقین، علی (علیه السلام) یا وی و اصحاب او یا علی و اهل بیتش یا محمد (صلی الله علیه و آله) و اهل بیتش هستند. در عین حال بسیاری از روایات شیعه، صادقین را به اهل بیت (علیهم السلام) تفسیر کرده‌اند. دوستی، همنشینی و همراهی با راستگویان، یکی از عوامل تربیت و جلوگیری انسان از انحراف است.

جهاد در راه خدا و شهادت نقش جهاد و شهادت حضرت چنان در تاریخ اسلام و تغییر جهت امت محمدصلی الله علیه و آله مهم و اساسی بوده که ایشان را بعنوان سیدالشهداء و سرور شهیدان معرفی میکند.

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه ۱۱۱) اشعار قبلا آورده شده

**دنیا**، بازار است و مردم در آن معامله گر. **فروشنده**، مردم اند و **خریدار** خداوند. **متاع** معامله، مال و جان است و **بهای معامله** بهشت. اگر به خدا بفروشند، سراسر سود و اگر به دیگری بفروشند، یکسره خسارت است.

۱. در پذیرش الهی، جهاد با جان بر جهاد مالی مقدم است. **أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ**  
 ۲. بهشت، در سایه‌ی جهاد و شمشیر و تقدیم جان و مال به خداست. **لَهُمُ الْجَنَّةَ**  
 ۳. اگر هدف از جهاد، خدا باشد، کشته شدن یا کشتن، تفاوتی نمی‌کند. **فَيُقْتَلُونَ وَ يُقْتَلُونَ**

۴. هدف مؤمن از جنگ، ابتدا نابود کردن باطل و اهل آن و سرانجام شهادت.  
 ۵. ارزش جهاد، مجاهدان و شهیدان، مخصوص اسلام نیست، در تورات و انجیل هم مطرح است.

و اگر امروزه در آن کتاب‌ها نیست، نشان تحریف آنهاست. **فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ**

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ بقره ۳۰

چو پروردگارت خدای مهین	به جمع ملائک بگفت این چنین
همانا نمایم من کردگار	به روی زمین جانشین برقرار
بگفتند آیا به روی زمین	کسانی بخواهی کنی جانشین
که بسیار ورزند کار فساد	بریزند همواره خون در بلاد
اگرچه که ما خویشان روز و شب	نمایم تسبیح و تقدیس رب
خدا گفت از رمز خلقت همی	ندانید چیزی که من دانمی

مسأله‌ی خلافت انسان در زمین مطرح و نگرانی فرشتگان از فسادهای بشر و توضیح خدا و سجده آنان در برابر نخستین انسان را بدنبال دارد. امام حسین علیه السلام برترین خلیفه بر روی زمین است در مقابل فردی قمار باز و .... به همین علت فرشتگان اعلام یاری را در کربلا با امام داشتند. و امام نپذیرفتند. فرشتگان، یا از طریق اخبار الهی و یا مشاهده‌ی انسان‌های قبل از حضرت آدم علیه السلام در عوالم دیگر یا در همین عالم و یا به خاطر پیش‌بینی صحیحی که از انسان خاکی و مادّی و تزاخم‌های طبیعی آنها داشتند، خونریزی و فساد انسان را پیش‌بینی می‌کردند. گرچه همه‌ی انسان‌ها، بالقوه استعداد خلیفه خدا شدن را دارند، برخی از آنها با رفتار خود به اندازه‌ای سقوط می‌کنند که از حیوان هم پست‌تر می‌شوند.

## ۸۰ . امین الله

وَأَوْزَتَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضاً لَمْ تَطُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرًا ۲۷ برآن ثروت و سرزمین و دیار شما را خدا داد وارث قرار

نصیب شما گشت آن آشیان که نهاده بودید گامی در آن

توانا به هر چیز یکتا خداست روانست حکمش به هر چیز خواست

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ  
مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا احزاب ۷۲

چو بر آسمانها و ارض و جبال امانت بداد عرضه آن ذوالجلال

بکردند از حمل آن امتناع نمودند اندیشه از این متاع

جز انسان که آن را پذیرفت زود که در ظلمت و جهل وامانده بود

**امین الله** امام حسین علیه السلام است که امانت بزرگ الهی از مسئولیت خلافت و رسالت الهی را بر عهده گرفته و به درستی از عهده آن برآمد. پذیرش این امانت، بزرگترین افتخار و امتیاز انسان است، و با رعایت آن خوشبخت و با ترک آن بدبخت خواهد بود.

همه موجودات عالم در برابر فرمان خدا خاضع و ساجدند و به صورت اجبار، نه اختیار به انجام وظیفه مشغولند و مسیر واحدی را برابر قوانین طبیعی و تکوینی می‌پیمایند، بجز انسان که با اراده و اختیار به انجام وظیفه می‌پردازد و اگر تکالیف شرعیّه را به جای آورد، سیر صعودی و سرانجام سعادت سرمدی دارد، و اگر غفلت نمود و طاعات و عبادات را رها کرد، سیر نزولی و سرانجام شقاوت ابدی دارد

## ۸۱ . رضی مرضی

امام حسین علیه السلام بی گمان از برجسته ترین مصادیق انسان هایی است که در این مقام قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام **يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُظْمِنَةُ** منظور از این آیه، امام حسین (علیه السلام) است **أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي**

## ۸۲ . امام

رسیدن به مقام امامت بسیار دشوارست و تنها کسانی به این مقام رسیده اند که از آزمونهای سخت الهی گذشتند و در مقام عصمت و طهارتی قرار گرفتند که ویژه مخلصان (خالص شدگان) است. مفهوم جامعی که پیشوایان هدایت و ضلالت را هر دو شامل می شود **يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ** اسراء ۷۱

**به یاد آر روزی که آید فرا** **که هر امتی را بیاید ندا**

پیشوایان الهی و صالح **قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا** بقره ۱۲۴

**به تو می نمایم عطا آن مقام** **کز امروز بر خلق گردی امام**

امام حسین که آیه تطهیر و ... درباره ایشان نازل شده به عنوان پیشوای الهی است و جواب **هل من ناصر** وی اطاعت از خداست که خیر و صلاح مردم در آن می باشد. امام در اصطلاح اسلامی (از دیدگاه قرآن) دو کاربرد دارد: کتابی مُنْزَل از جانب خدا بر رسول الهی برای هدایت مردم؛ آن انسان تعیین شده از جانب خدا برای هدایت مردم که دارای مقام عصمت باشد

## ۸۳. خلیفه الله

امام خلیفه الرسول (صلی الله علیه و آله) خلیفه الله در آسمان و زمین بودند چنانکه خدا خواسته بود مسئولیت بزرگ خلافت را با عبودیت خود به عهده گرفت و در مقام مظهر ربوبیت الهی گام برمیداشتند و **إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** (بقره ۳۰) چون برخی از آنها با رفتار خود به اندازه‌ای سقوط می‌کنند که از حیوان هم پست‌تر می‌شوند. دقیقاً کسانی که در مقابل امام حسین قرار گرفتند خوئی بدتر از حیوان را به خاطر موقعیتی که در دنیا آرزو می‌کردند دارا شدند مانند شمر عمر سعد و ابن مرجانه و .... قرارگاه خلیفه الله، لیاقت افراد الهی تا **قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى** می‌باشد

## ۸۴. عدالت خواهی

عدالت هدف اصلی پیامبران و فلسفه بعثت در طول تاریخ بشریت بوده است. امام حسین علیه السلام نیز در پی این اندیشه و هدف وارد شد و ملاحظه می‌کرد که سنت پیامبر فراموش شده و برای اسلام پوستینی وارونه خلفا دوخته اند و احساس خطر برای اسلام می‌کرد، لذا بنا بر وظیفه‌ی خود قیام نمود، ولی مظلوم واقع گردید، هر چند نتوانست به هدف ظاهری و تسلط بر ظالم دست یابد، ولی برای آیندگان و آزادیخواهان و عدالت خواهان مسلمان و غیر مسلمان الگوی جهانی شد. و باعث قیام‌هایی شد که خواب راحت را از بنی امیه و بنی عباس گرفت. به همین دلیل است که غیر مسلمان هم او را الگوی آزادیخواهی و آزادی می‌شناسند. و به او تاسّ می‌نمایند در مدیریت صحیح، راهنمایی از مدیر، و عمل از مردم است. عدالت واقعی در سایه قانون و رهبر الهی است. حدید آیه ۲۵



## بخش چهارم آیات اخلاق در سیمای امام حسین علیه السلام

**۸۵. همنشینی با تهی‌دستان:** زیبایی‌های صفات امام حسین علیه السلام دلربا و روح نواز است و نگاه و رفتارش ظهور آیات حق، و مکارم اخلاقش تجلی بخش فلسفه بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمود: **بُعِثْتُ لِاتِّمَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ.**

عصمت و قداست او در آیه تطهیر **لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ (احزاب ۳۳)** با جلوه‌ای پرفروغ انعکاس یافته و بر عشق الهی و ایثار او کریمه و **يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا انسان ۸** شاهد و گواه است زیبایی و جمال روح و اعتدال جسمانی اش با نام حسین علیه السلام شکوهی افزون یافته؛ زیرا که حسین یعنی زیبایی و براساس روایت، نامی است که خداوند آن را برایش برگزیده است.

که از اهل بیت نبوت، اله ۳۳ بخواهد کند دور رجس و گناه

شما را ز هر عیب سازد بری کند پاک و تطهیر از هر بدی

به حب خدا می نمایند سیر ۸ یتیم و مساکین و شخص اسیر

او چنان است که خود فرمود **بِحُسْنِ خَلِيقَةٍ وَ عِلْوِ هِمَّةٍ لِيَالٍ فِي الضَّلَالَةِ مُدْلِهِمَّةٍ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتَمَّهَ** از یزید الجاهدون **لِيُطْفِئُوهُ سَبَقْتُ الْعَالَمِينَ إِلَى الْمَعَالِي؛** و لاح بحکمتی نورالهدی فی یزید الجاهدون **لِيُطْفِئُوهُ يُرِيدُ الْجَاهِدُونَ لِيُطْفِئُوهُ** (بحارالانوار ج ۴۴)

با اخلاق نیک و همت بلند، از همه جهانیان به قلّه‌های فضیلت پیشی گرفتم و با حکمت من، نور هدایت در شب‌های تاریک گمراهی درخشید.

منکران می‌خواهند این نور را خاموش کنند؛ ولی خداوند نخواسته که این نور خاموش شود. بایستی جلوه‌های آیات الهی را در چهره پرفروغش توجه داشته و نظاره‌گر پرتوی از شکوه‌مندی زیبایی‌های اخلاقی اش باشیم.

وَاللَّهُ يَتِمُّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ همه ساله استکبار با اقدام ضد انسانی دشمنان کینه توز اسلام عزیز که به سرکردگی سردمداران جنایت پیشه و پلید استکبار جهانی، با اهانت و قیحانه به نگین آفرینش رحمت للعالمین و مقدس‌ترین شخصیت عالم هستی حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبد الله (صلی الله علیه و آله) قلوب بیش از یک و نیم میلیارد مسلمان و قاطبه مستضعفین جهان را جریحه دار کرد.

و اکنون با ترور ناجوانمردانه سردار دلها سپهبد قاسم سلیمانی که نابود کننده‌ی داعش در سرزمینهای عتبات بودند شهید کردند و فرزندان شهدا را دوباره یتیم شدند. دشمن با وقاحت تمام اعتراف می‌کند و او را تروریست می‌نامند.

بر جهانیان پوشیده نیست که این سردار پیرو امام حسین علیه السلام در صف اول مبارزه با تروریست می‌باشد.

و کشورهای ایران عراق سوریه افغانستان یمن و .... مدیون او هستند.

## ۸۶ . اوج تقوی و مقابل هوای نفس

قرآن، تقوا را معیار ارزشمندی و کرامت انسان‌ها را در برخورداری هرچه بیشتر از آن می‌داند و با اندیشه اصالت قدرت و ثروت، مبارزه کرده و آن را در نظام ارزشی خویش مُلغی ساخته است

وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَا تُطِعْ مَنْ اَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ اَمْرُهُ فُرُطًا كَهْف ۲۸

شکیبا همی باش و بس مهربان	به قومی که خوانند رب جهان
خدا را بخوانند هر صبح و شب	نمایند قرب خدا را طلب
یکی لحظه چشم از فقیران مپوش	تو بر دستگیری آنان بکوش
مبادا که بر زینت دنیوی	تمایل نمایی و مایل شوی
از آن قوم هرگز اطاعت مکن	که غافل بگشتند از بیخ و بُن
بکردیمشان غافل از یاد خویش	ره نفس خود را گرفتند پیش
بگشتند مشغول کار تباه	فتادند در ظلمت و در گناه

مفسران در شأن نزول آیه، نوشته اند که: عده ای از ثروتمندان مغرور به حضور پیامبر صلی الله رسیدند و در حالی که به اصحاب صفه و تهی‌دستان پاک سیرت همانند سلمان، ابوذر، عمار و صهیب اشاره می‌کردند، گفتند: اگر تو در بالای مجلس بنشین و این‌گونه افراد را که بدنی بدبو و جامه هایی پشمینه برتن دارند،

از خود دور کنی با تو همراه خواهیم شد و به سخنانت گوش خواهیم داد. تنها وجود این افراد است که مانعی عمده برای حضور ما در مجلس شما شده است. در این زمان آیه فوق نازل شد و جایگاه متعالی صّفه نشینان تھی دست را که قلبی مالمال از عشق و اخلاص داشتند، بیان داشت.

پس از آن پیامبر صلی الله علیه و آله به جست و جوی آنان برخاست و در حالی که آنان را در آخر مسجد یافت، فرمود الحمد لله الذی لم یمثنی حتی آمرنی أن أصبر نفسی مع رجالٍ من أمتی معکم المَحیا و معکم المَمات حمد خدا را که مرا نمیراند تا این که به من دستور داد با شما باشم. زندگی ام با شما و مردنم نیز با شما خواهد بود (مجمع البیان ج ۳)

امام حسین علیه السلام قبل از حرکت به کربلا وقتی با محمد حنیفه مشورت می کند و می بیند از روی دلسوزی به امام می گوید به یمن یا ... برو و .... امام نمی پذیرد و به وظیفه الهی خود عمل می کند که اگر نمی کرد معلوم نبود یزید و یزیدیان چه بر اسلام می آوردند اوج تقوی و پا گذاشتن روی هوای نفس در حرکت و قیام امام حسین علیه السلام کاملاً مشهود است.

## ۸۷ . حسین انسان و بشری برگزیده

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَ مَا نَرَاكَ أَتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّئِ الرَّأْيِ وَ مَا نَرِي لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ

بگفتند بر او، بزرگان کیش      هود ۲۷      نباشی تو چون ما یکی شخص بیش

به چشمان ما هرکه یار تو هست      نباشد مگر شخص ناچیز و پست

ندارید هرگز مزیت به ما      که گوئیم پیکی ز یکتا خدا

گمان می نمایم اندر عمل      شما یید ناراست گو و دغل

گذشتگان این مستکبران نیز همین ایراد را با نوح پیامبر علیه السلام در میان گذاشتند که قرآن می فرماید. سپس قرآن پاسخ نوح علیه السلام را بیان می کند

وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ (هود ۲۹)

نرانم ز خود هیچ گه مؤمنان      اگرچند باشند محتاج نان

بر آنهاست دیدار یزدان هدف      بیابند این رتبت و این شرف

(اگر آنها را از خود برانم، در دادگاه قیامت خصم من خواهند بود.)

در راستای همین تفکر مادی جمعی از بنی اسرائیل پس از برگزیده شدن طالوت به فرماندهی، گفتند: چگونه او بر ما حکومت کند با این که ما از او شایسته تریم و او ثروت زیادی ندارد؟!

قرآن کریم پاسخ اشموئیل پیامبر علیه السلام بیان می دارد

قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفِيَهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ (بقره ۲۴۷)

به پاسخ بگفتا رسول خدا                      که اویست بر پادشاهی سزا

که او برگزیده ز سوی خداست                      به نیرو و دانش فزون از شماست

از آنجا که پیامبر و امام برگزیده ی خداوند می باشد در مورد امام وقتی ایراد گرفته می شود مطمئنا همین افراد لجوج و بهانه خیز نسبت به پیامبران هم مشکل داشتند.

امام حسین علیه السلام بارها سپاهیان مقابل را یادآور می شدند سخنان جد بزرگوارشان پیامبر صلی الله را در مورد انتخاب ولی امر و سفارش هایی که در مورد پدر و امام حسن علیه السلام و در مورد خودشان در شرائط و مناسبت هایی که پیش می آمد را یادآور می شدند و از این طریق بنا داشتند تبلیغات چندین ساله ی معاویه پدر یزید را خنثی نموده و مردمی که از اهل بیت آگاهی نداشتند را روشن سازند

از جمله این حدیث که به اتفاق مورد قبول همه بوده را متذکر می شدند: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

## ۸۸. جلوه های متعالی و مفاهیم بلند

با دقت در سیره اخلاقی ابی عبدالله علیه السلام نیز همین جلوه های متعالی و مفاهیم بلند را مشاهده می کنیم :

**الف** انسان های وارسته از هر طبقه و نژاد، گرد هم آمده اند تا عاشقانه ترین نظام عزّت و کرامت انسانی را در کربلا تجسم بخشند. **مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا.**

یکی از آنها جون است که قبلاً غلام ابوذر غفاری بوده. با گوهر محبت و ولایت در کربلا حضور یافته است و بی اعتنا به تحقیر دنیاگرایان، عزّت خویش را در همراهی سیدالشهدا علیه السلام دیده است.

هریک از یاران ابی عبدالله علیه السلام به سوی نبرد حرکت می کند و مدتی نمی گذرد که بدنش نقش زمین می شود و به ملکوت اعلیٰ پر می کشد. او نیز خود را آماده می کند تا در صف بلاجویان دشت کربلا قرار بگیرد؛ پس به حضور امام حسین علیه السلام می رسد و می گوید: بدنم بدبو و رنگم سیاه و بی بهره از نسب و قبیله هستم؛ اما شوق بهشت، بی تابم کرده است پس بهشت را ارزانی من دار تا بوی بدنم خوش و حسب و نسب من شرافت یابد و صورت من سفید گردد. به خدا سوگند! از شما جدا نخواهم شد تا خون من با خون پاک شما مخلوط گردد.

سپس از امام حسین علیه السلام رخصت طلبید و به میدان شتافت؛ مبارزه ای شگفت نمود تا این که بر زمین افتاد.

اگرچه سراسر وجودش عشق و محبت به امام بود و تنها آرزوی او از این دنیا، این بود که یک بار دیگر نگاهش بر چهره پرمهر ابی عبدالله علیه السلام نقش بندد، اما تصوّرات پیشین او، که در پیشگاه حضرت آن را اظهار کرد، به او اجازه نمی‌دهد که از ابی عبدالله علیه السلام بخواهد تا بر بالینش حاضر گردد. ولی بر خلاف این تصوّرات، مشاهده می‌کند که امام بر بالین او حاضر گشته و دعای خویش را بدرقه راه آخرتش می‌نماید **اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ، وَ طَيِّبْ رِيحَهُ وَ احْشُرْهُ مَعَ الْأَبْرَارِ وَ عَرِّفْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَارِئًا!** روی او را سفید گردان و بوی او را خوش کن و بین او و محمد و آل محمد آشنایی و شناسایی ده.

اکنون او ظهور قرآن ناطق را با دیدگان خویش مشاهده نموده و عزّت و افتخار انسانی خویش را در پناه او، متحقّق دیده و خویش را در کاروانی از نور می‌بیند که دور از امتیازات مادّی و فخر فروشی های ناپسند، به سوی کمال انسانی گام می‌نهد و در استمرار حرکت بلال، جویبر، سلمان و صهیب، خود را با جامعه برین که اینک رهبرش سیدالشهدا است، رو به رو می‌بیند (بحارالانور ج ۴۵، ص ۲۲)

**ب . إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ**

بر این هشت دسته به دور حیات توبه ۶۰ باید تعلق بگیرد زکات

يك و دو به مسکین و شخص فقیر که هستند در چنگ محنت اسیر

سوم بر کسانی که با شوق و شور بگشتند همکار در این امور

چهارم به بیگانگان به دین مگر مؤمن آیند خود این چنین

بر آزادی بندگان بلاد بر آن کس که او قرض دارد زیاد



به تبلیغ در راه پروردگار      به ره ماندگان به عسرت دچار

که حکمی است واجب زیکتا خدا      علیم و حکیم است آن رهنما

روزی امام حسین علیه السلام از کنار جمعی از فقرا گذشت، عبای خود را پهن و نان خشکی را بر آن نهاده و می خوردند. چون آن حضرت را دیدند، او را دعوت کردند، فرمود: اگر این مال صدقه نبود، آن را می خوردم. و فرمود: برخیزید به سوی خانه من آید. آنان را با خود به خانه برد و میهمان کرد و لباس به آنها هدیه کرد و دستور داد تا پول نیز به آنان بدهند (بحار ج ۴۴، ۱۹۱)

آیات قبل، منافقان از نحوه تقسیم اموال به پیامبر صلی الله علیه و آله عیب می گرفتند؛ **يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ** و در این آیه، صدقات تنها برای گروه های خاصی اجازه داده شده، می فهمیم که منافقان، به زکات چشم داشته اند.

**الْغَارِمِينَ** که یکی از مصارف زکات است، بدهکارانی هستند که بی تقصیر زیر بار قرض رفته اند، مثل آنان که در آتش سوزی، سیل، غرق کشتی و حوادث طبیعی دیگر، هستی و دارایی خود را از دست داده اند. **ابْنِ السَّبِيلِ**، کسی است که در وطن خویش توانگر است، ولی در سفر، گرفتار و بی پول شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: **اَيُّمَا مُؤْمِنٍ اَوْ مُسْلِمٍ مَاتَ وَ تَرَكَ دِينًا وَ لَمْ يَكُنْ فِي فِسَادٍ وَلَا اسْرَافٍ فَعَلَى الْأَمَامِ اَنْ يَقْضِيَهُ** هر مؤمن یا مسلمانی که بمیرد و بدهی بر جای گذارد، که بر اساس فساد و اسراف نباشد، پرداخت بدهی او بر امام است. **فِي سَبِيلِ اللَّهِ**، همه ی کارهای خدایسندانه است و شامل مواردی چون تبلیغات دینی، خدمات رفاهی و گره گشایی از مشکلات مسلمانان می شود. گرچه مصداق بارز آن در غالب تفاسیر، جنگ و جهاد معرّفی شده است.

## بخش پنجم آیات در شان امام حسین علیه السلام

۸۹. آیه مباحله فَمَنْ حَاجَّكَ ... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهُلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ آل عمران ۶۱ هرکس که درباره او با تو مجادله کند بگو: بیایید تا حاضر آوریم، ما فرزندان خود را و شما فرزندان خود را، ما زنان خود را و شما زنان خود را، ما برادران خود را و شما برادران خود را آنگاه دعا و تضرع کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم. (اشعار در صفحات قبل) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عبا بر دوش گرفته و ۴ نفر را زیر آن عبا گرد آورده و در همان حال این جملات از سوی خدا نازل گشته.

شکی نیست که مصداق مباحله کنندگان مسلمان، ۵ تن بودند و اسقف نجران با دیدن آنها گفت: ای گروه نصاری، من افرادی را می بینم که اگر از خدا بخواهند کوهی را از جا بکنند، خدا آنرا می کند.

روزی که بنا شده بود، پس از مذاکرات بسیار پیامبر با مسیحیان نجران، در مکانی با آنان گرد آید و مباحله کند. شاید سران هیئت نمایندگی نجران گمان می کردند که محمد (صلی الله علیه و آله) با افسران و سربازان خود به میدان مباحله بیاید و شکوه مادی و قدرت ظاهری خود را نشان ما دهد. اما پیامبر وارد شد در حالی که جز جگر گوشه هایش کسی همراهش نبود. مسیحیان از اینکه پیامبر فرزندان معصوم و بی گناه و یگانه دختر و یادگار خود و داماد و پسرعمویش را به صحنه مباحله آورده، انگشت تعجب به دندان گرفتند. و منصرف شده و به دادن مالیات و جزیه تن دادند. و این خود یک حقانیتی بر رسالت پیامبر و معصومین (علیهم السلام) می باشد

## ۹۰ . الگوی ایثار

إِنَّمَا نُنْظِعُكُمْ لِيُوجِهَ اللَّهُ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا (انسان ۹)

ما تنها برای خدا، به شما غذا می دهیم و انتظار هیچ پاداش و تشکری نداریم علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) برای شفای حسن و حسین (علیهما السلام) که بیمار شده بود نذر کردند که سه روز روزه بگیرند. پس از شفای آنان روزه گرفتند، روز اول غذای خود را به فقیر. روز دوم به یتیم و روز سوم به یک اسیر دادند و تنها با آب افطار کردند

خداوند سوره ی انسان را نازل کرد در ۱۷ آیه، مقامات مادی و معنوی آنان را ستود.

و اما زمانی که امام حسین علیه السلام حرکت خود را آغاز می کند و زیر بیعت ظالم نمی رود با بذل جان خود و خانواده برای نهضتی که برای آیندگان درس و الگو باید باشد از همه چیز خود می گذرد

لِيُوجِهَ اللَّهُ : به خاطر ذات پاک یزدان. برای رضای خدا. مراد از وجه، ذات است منظور از عَلِي حُبِّهِ، علاوه بر اخلاص، ایثار آنان نیز ثابت می شود. اگر به فکر نام و شهرت نباشید، خداوند نامتان را جاودانه می کند. کاری که اهل بیت کردند، ارزش مادی فراوانی نداشت ولی چون خالصانه بود، خداوند آن را ماندگار ساخت. این آیه از زبان حال نیکان و نیکوکاران است؛ نه این که محسنان چنین سخنی را هر بار به مستمندان گفته باشند.

## ۹۱. امام حسین علیه السلام و نماز

اگر قرآن **الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ** و همچنین در (کوثر) از نماز سخن به میان می‌آورد، امام حسین علیه السلام آن را اقامه می‌نماید **أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ** اگر قرآن می‌فرماید **وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّكَّعِينَ** امام نماز ظهر عاشورا را با جماعت آن هم در برابر صفوف دشمن برگزار می‌کند. اگر قرآن نحوه ی اقامه نماز در میدان جنگ را به پیامبر صلی الله علیه و آله آموزش می‌دهد **وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لْيَأْخُذُوا بَأْسَلِحَتِهِمْ فِإِذَا سَجَدُوا** امام در میدان جنگ نماز را اقامه می‌فرماید.

اگر قرآن نماز را به عنوان یک منبع انرژی زای غیبی معرفی و مؤمنان را امر به استعانت از آن می‌فرماید: **اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ** امام نیز در بحبوحه ی جنگ و مشکلات آن، از نماز استعانت می‌جوید. اگر قرآن اقامه ی نماز را در اوّل وقت سفارش می‌فرماید **اقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ** امام حسین نماز ظهر عاشورا را در اوّل وقت اقامه فرمودند. اگر عیسیای مسیح علیه السلام تا زمانی که نفس دارند، مأمور به اقامه نماز شده اند؛ **وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا** امام نیز تا آخرین لحظه همراه نماز است. اگر قرآن از کسانی که تجارت، آنها را از نماز غافل نمی‌سازد، ستایش می‌کند؛ **رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ** راجع به امام چه باید گفت که حتی حفظ جان هم او را از نماز غافل نساخت. امام نمازهای نمازگزاران را در آن شرائط خاص جنگی، نماز واقعی کرد.

## ۹۲. امام و عبادت عاشقانه

در حدیث می‌خوانیم: سه چیز موجب قبولی نماز است: حضور قلب، نماز نافله و تربت سیدالشهدا. امام حسین علیه السلام به خواهرش زینب س می‌فرماید: در نمازت به من دعا کن. نماز باید در جامعه و علنی اقامه شود؛ اقیموا الصلوة و امام حسین علیه السلام با آنکه می‌توانست در خیمه نماز بخواند و با اینکه نمازش شکسته بود، در مقابل جمعیت نماز بپا داشت. هنگام اقامه ی نماز در ظهر عاشورا، ۳۰ تیر به سوی حضرت رها شد، یعنی در برابر هر کلمه از حمد و رکوع و سجده تقریباً یک تیر به امام پرتاپ شد.

به راستی نماز چیست که در عصر تاسوعا هنگامی که به سید الشهداء پیشنهاد حمله می‌شود، حضرت طی چند نوبت گفتگو جنگ را یک روز به تأخیر می‌اندازند و می‌فرمایند **إِنِّي أَحِبُّ الصَّلَاةَ** و نفرمود: می‌خواهم نماز بخوانم، بلکه من نماز را دوست دارم. بسیاری از ما نماز می‌خوانیم، ولی چقدر نماز را دوست داریم؟ امام حسین علیه السلام حاضر می‌شود تا بدن مبارکشان سوراخ سوراخ شود، ولی ارزش نماز شکسته نشود.

سر مقدس سید الشهداء علیه السلام بر روی نی قرآن می‌خواند، یعنی سر از بدن جدا می‌شود ولی سر و دل از قرآن جدا نمی‌شود. **إِنِّي أَحِبُّ الصَّلَاةَ**

امام حسین آن چنان با قرآن انس داشت که عصر روز تاسوعا در کربلا که تصمیم حمله به سوی خیام آن حضرت و یارانش را داشت به حضرت عباس فرمودند: نزد دشمنان برو و به آنها بگو امشب را به ما مهلت بدهند چرا که: **و هو يعلم اني احب الصلاة له و تلاوة كتابه**

## ۹۳. یاری حسین(علیه السلام) در طول تاریخ

امام حسین(علیه السلام) در روز عاشورا از همگان خواسته تا در مسیری که او در پیش گرفته به یاری و نصرت او بروند زیرا کاری که او با قیام عاشورایی خویش آغاز کرده اصلاح امت بود که نیازمند تداوم و استمرار از سوی امت مؤمن و شیعه وفادار است. هنگامی که آن حضرت(علیه السلام) پس از شهادت همه یاران خویش فریاد می زند و می فرماید: **هل من ناصر ینصرنی**؛ آیا یآوری هست که مرا یاری رساند؟! خطاب به تاریخ است؛ زیرا کسانی که در مقابل ایشان صف بسته بودند، شقاوت را به اوج خود رسانیده بودند و خطاب به ایشان که اشقی الاشقیاء در امت اسلام بودند، بی معنا بود

امام طبق آیه **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبْ أَقْدَامَكُمْ** (محمد ۷) ای اهل ایمان، شما اگر خدا را یاری کنید (یعنی دین و پیغمبر خدا را) خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم گرداند. خطاب می کند **أَمَّا مَنْ مُغِيثٌ يَغِيثًا لَوْجَهُ اللَّهُ؟....؟** آیا کسی نیست که به خاطر خدا ما را یاری بدهد؟!

آیا کسی نیست که از حرم رسول خدا دفاع کند؟! می کوشد تا حقیقت بزرگی را آشکار کند که امروز قیام پایان نمی یابد، زیرا حرم و حریم رسول الله (صلی الله قرآن و عترت است که در میان مردمان گذاشته شده و می بایست تا قیامت از سوی امت حفظ و عمل شود. از این رو در تبیین استمرار و تداوم عاشورا گفته شده که **کل یوم عاشوراء و کل ارض کربلاء** هر چند که **لا یوم کیومک**؛ روزی چون روز تو نیست. انسان، موجودی محدود است و نصرت و یاری او از راه خدا نیز محدود؛ ولی خداوند بی نهایت است و نصرت او برخاسته از قدرت نامحدود.

## ۹۴ . احکام و دستورات الهی، تنها تکالیف شرعی نیست

در روایتی از معصوم: که شیعیان ما را به بسیاری نماز و روزه و انفاق شناسید، به طول رکوع و سجده شناسید، بلکه به تسلیم بودن به «امر» ما بشناسید. اگر این تسلیم در ما وجود داشت، می توانیم امیدوار باشیم که از یاران قرار بگیریم، افراد تسلیم، بر سر عهد و پیمانی که می بندند باقی هستند، **مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ** (احزاب ۲۳) از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنها به شهادت رسیدند و برخی در [همین] انتظارند. صادق بودن و باقی بودن بر سر عهد و پیمان، خصوصیت برجسته افراد «تسلیم» است. ویژگی دیگر یاران واقعی پیامبر و ائمه (علیهم السلام)؛ این است که هرگز در مقابل امام نمی ایستند و این شاید همان برگرفته شده از تسلیم امر مولا بودن است. غلبه بر هوای نفس و پیروی نکردن از وسوسه های شیطانی و هواهای نفسانی، خصوصیت دیگر یاران ولایت است حب دنیا و قدرت طلبی و جاه طلبی و گرایش به سمت غرایز نفسانی، با اطاعت از امام جمع نمی شود.

**شهید شدن یا منتظر شهادت بودن** علامت صداقت مؤمن در پیمان با خداست. رمز پیروزی و قدرت مقاومت لبنان و یمن در **ایمان به وعده الهی و ایمان به ولایت** است. رهبر انقلاب به حزب الله لبنان وعده پیروزی داد و محقق شد، ایشان به مسئولین سیاسی ما هم بارها وعده نصرت الهی داده اما باور نمی کنند! **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ**؛ وعدهی تخلف ناپذیر خدا. این هم یکی از نقاط امیدبخش است.

## ۹۵. تجدید پیمان یاران امام حسین (علیه السلام)

امام حسین علیه السلام در اوایل شب یاران خود را جمع کرد و پس از حمد و ثنای خداوند خطاب به آنان گفت: **أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَ لَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي وَ لَا أَهْلَ بَيْتِ أَبَرَّ وَ لَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا**

«همانا من یارانی باوفاتر و بهتر از یاران خود، و خاندانی نیکوکارتر و مهربان‌تر از خاندان خود سراغ ندارم؛ خدایتان از جانب من پاداش نیکو دهد.»

سپس چنین ادامه داد: به گمانم این، آخرین روزی است که از سوی این قوم مهلت داریم. آگاه باشید که من به شما اجازه (رفتن) دادم.

پس همه با خیالی آسوده بروید که بیعتی از من بر گردن شما نیست.

اینک که سیاهی شب شما را پوشانده، آن را مرکبی برگزید و بروید. در این هنگام ابتدا اهل بیت امام و سپس یاران امام هر یک در سخنانی حماسی، اعلام وفاداری کردند و بر فدا کردن جان خویش در دفاع از امام تاکید کردند.

منابع تاریخی و مقاتل برخی از این سخنان را ضبط کرده‌اند.





## ۹۶. ایجاد حکومت مبتنی بر امامت

یکی از پیشنهادهای که به آن حضرت حسین علیه السلام داده شده نه تنها رد بیعت یزید بلکه قیام برای حکومت است. یکی از فعالیت‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایجاد حکومت و سپس گفتمان حکومت ولایی است که براساس آیاتی از جمله ۵۹ نساء

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا وَ آیه ۳ مائده الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

و آیه ۷ مائده يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ وَ مائده ۵۵

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ می‌بایست در شکل امامت ادامه یابد. اما در سقیفه یک گفتمان منافقانه شکل گرفت و به عنوان خلافت جایگزین حکومت ولایی و الهی شد.

امیرمومنان علی (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) در طول ۶۰ سال کوشیدند تا این گفتمان را زنده نگه دارند و در نهایت در میان گروهی از شیعیان این گفتمان جا افتاد و چنانکه از نامه‌های اهل کوفه به دست می‌آید، این گفتمان خودنمایی کرد و کوفیان به جای خلافت سخن از امامت و پیشوایی دین و دنیای امام حسین (علیه السلام) به میان آورده و خواهان حکومتی همانند حکومت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌شوند که انسانی الهی مرجع دین و دنیای مردم باشد.

## ۹۷. دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید

هر زمینی که در آن معروفی چون عدالت ترک و منکری چون ظلم وجود دارد، لازم است که مردم در آنجا عاشورایی و کربلایی و حسینی شوند. و در هر روزی که ظلم و ستمی در آن روا می شود مردم می بایست آن روز را چون عاشوراییان قیام کنند و سکوت نکنند. زیرا بازتاب سکوت ایشان به معنای پذیرش ظلم و خودگناهی بزرگ است؛ انسان اگر مظلوم شود و حق او ضایع و تباه شود، صاحب عذر است ولی اگر منظم (پذیرنده ظلم) شود، هیچ عذر ندارد.

در آموزه های قرآنی آمده که انسان می بایست در برابر ظلم به خود، بایستد و قیام به عدالت کند و حتی اگر کسانی از مردم ناتوان و مستضعف مورد ظلم قرار گرفتند برای نجات آنان سلاح برگیرد و به جنگ برخیزد **وَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ** و کسانی که چون ستم بر ایشان رسد یاری می جویند [و به انتقام بر می خیزند (شوری ۳۹) **يَا وَ مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ ...**

نساء ۷۵ چرا در راه خدا جهاد نمی کنید و در راه (آزادی) جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک که (در مکه اسیر ظلم کفارند و) دائم می گویند: بار خدایا، ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آر و از جانب خود برای ما (بیچارگان) نگهدار و یآوری فرست. از این رو یاری مظلوم بر هر دین و مذهب و آیینی باشد فرض و واجب است. علی (علیه السلام) می فرماید: **كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصِمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛**

دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید (نهج البلاغه نامه ۷۴) اگر میتوانی به مظلوم کمک کنی، کمک کن. ما ایستاده ایم؛ در قضیه های مقاومت، آمریکایی ها تصمیم گرفتند ریشه های مقاومت را در غرب آسیا بکنند، امروز برای همه ی دنیا ثابت شده است که او میخواست و نتوانست، و ما خواستیم و توانستیم.

## ۹۸. جامعه برتر (امر به معروف، نهی از منکر و ایمان به خدا)

تنها امتی که در چارچوب معیارهای عقلانی و وحیانی توانست به این مهم عمل کند و جامعه برتری را ارائه دهد، امت پیامبر در دوره و عصر حضور ایشان بوده

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ

شما باید نیکوترین امم آل عمران ۱۱۰ که کنید بنیان ظلم و ستم

به پا خاسته تا که از ظلم و شر	نمایید اصلاح، نسل بشر
نمایید دعوت به خوبی و نور	بدارید از زشتکاری بدور
بیاورده ایمان به پروردگار	زده چنگ بر رشته کردگار
گر این گونه هم نیز اهل کتاب	بکردند آیین حق انتخاب
بر آنها از این کار نیکوی تر	نبودی دگر هیچ چیز دگر
گروهی همه مؤمنان حقند	ولی اکثر آن کسان فاسقند

خداوند در این آیه در بیان علت نامگذاری امت پیامبر (صلی الله) در عصر آن حضرت به عنوان جامعه برتر و نمونه، مولفه هایی را بیان می کند که می تواند بیانگر عناصر جامعه برتر هر جامعه دیگر باشد. بهترین امت بودن با شعار نیست، با ایمان و امر به معروف و نهی از منکر است و در امت ساکت و ترسو خیری نیست و امر به معروف و نهی از منکر به قدری مهم است که انجام آن معیار امتیاز امت هاست. امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی محقق می شود که مسلمانان به شکل يك امت باشند، یعنی حاکمیت داشته باشند. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ مسلمانان مسئول اصلاح تمام جوامع بشری هستند.

## ۹۹. مجازات ساکتین

از نظر اسلام همه انسانها در خسران و زیان هستند مگر آن که خود عامل به خوبی و تارک بدی بوده و دیگران را نیز بدان دعوت و توصیه کرده و اجازه ندهند که معروفی ترک یا منکر عمل شود و الْعَصْرِ. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ. (سوره عصر)

قسم باد بر عصر کاین آدمی	زیانها رساند به خود هر دمی
بجز مؤمنان به پروردگار	که پیوسته نیکند و پرهیزکار
سفارش نمایند هم را مدام	به حق و شکیبائی و اهتمام

از این رو در آیات قرآنی گزارش شده کسانی که نسبت به ترک معروف یا عمل به منکر واکنشی نشان نمی دهند و مسئولیت اجتماعی خود را در قبال دیگران نمی پذیرند، همانند تارک معروف (سفارش به حق و صبر) و عامل منکر قلمداد می شوند و خشم و عذاب الهی دامنگیر آنان می شود. براساس همین ماموریت اصلی و وظیفه الهی است که امام حسین (علیه السلام) در نقش وارث پیامبران وارد میدان عمل می شود و قیام و نهضت حسینی را شکل می بخشد. به گونه ای که همه خوبی ها در برابر همه بدی ها می ایستد و در نهایت با شهادت صادقان، صالحان، متالهان و ربانیون در کربلا و اسارت خوبی ها، توده های مردم به یکباره از خواب غفلت بیدار می شوند و گمراهی خود و غضب الهی را می یابند.

سفر به حق داشته باشم در مورد حقیقت امام سلام الله علیه و امامت ایشان

سفارش به صبر داشته باشم در غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

## ۱۰۰. مبارزه با جهل و سنت های جاهلی

قرآن کریم همواره بر جهل حاکم بر جامعه و نیز رسوم جاهلی به مبارزه برخاسته است مبارزه با رسوم چون زنده به گور کردن دختران و تقلید از آباء و اجداد در مسیر باطل از این قبیل است. یکی از رسوم جاهلی که قرآن با آن به مبارزه برخاسته فخر فروختن به دیگران است تا جایی که برای فخرفروشی به قبرستان متوسل شده، مردگان خویش را نیز به آمار خود می افزودند.

أَلْهَيْكُمْ التَّكَاثُرُ. حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ تَفَاخُرَ بِهِ بِيَشْتَرِ دَاخِتِن، شَمَا رَا غَافِل دَاشْت تَا كَارْتَان [و پایتان] بَه گورستان رسید (سوره تکاثر) .

تفاخر به فرزند و مال زیاد      شما را نمودست غافل زیاد  
برفتید بر سوی اهل قبور      نه پندی گرفتید از اهل گور

میان دو قبيله بر سر تعداد نفرات گفتگو شد، تصمیم گرفتند سرشماری کنند بعد از زنده‌ها به قبرستان رفتند تا آمار مردگان را نیز به حساب آورند.

## جلوه‌های تکاثر و جاهلیت

تکاثر در شرك و چند خدایي يَا صَاحِبِي السَّجْنِ ءَأَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ  
أَلَوْا حِدَ الْقَهَّارُ ۳۹ (حضرت یوسف به هم زندانی‌های خود که مشرك بودند، گفت:  
آیا ارباب متفرق بهتر است یا خداوند یکتای قهار؟)

کنون ای رفیقان نمایم سؤال      بتانند به ، یا حق ذوالجلال

در این نظم و خلقت چه کس برترست      خدا یا بتانی که هستند پست

**تکثیر در غذا.** بنی اسرائیل می گفتند: ما بر یک نوع غذا صبر نداریم لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ ما خوردنی های دیگر همچون پیاز و سیر و عدس و خیار می خواهیم. قِثَائِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلِهَا بقره ۶۱

هم از سبزی و هم خیار و پیاز      ز سیر و عدس [آنچه باشد نیاز]  
بگفتا: شما [این چنین می کنید؟]      کھین را بَدَل با مھین می کنید؟!

**تکثیر در عمر** چنانکه بعضی دوست دارند هزار سال عمر کنند يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعْمَرُ أَلْفَ سَنَةٍ بقره ۹۶

به این آرزویند ایشان دچار      کنند عمر ای کاش سالی هزار

**تکثیر در مال** برخی افراد به دنبال جمع مال و شمارش آن هستند الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَّهُ

همان که فراهم نمودست مال      بدان گشته سرگرم در طی سال

**تکثیر در مسکن** قرآن در مقام سرزنش بعضی می فرماید: در دامنه هر کوهی ساختمان های بلند بنا می کنید. أَ تَبْنُونَ بِنَاءً كَمَا بَنَى الَّذِينَ فِي الْأَرْضِ لَئِيْلَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ شعراء ۱۲۸

بنا می نمایید کاخی بلند      که مشغول گردید خود تا به چند؟

**تکثیر در شهوت** اسلام برای مسئله جنسی، راه ازدواج را تجویز کرده و بهره گیری از همسر را بدون ملامت شمرده: إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ و ارضای شهوت از غیر راه ازدواج را تجاوز دانسته است. فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ مومنون ۷

هرآن کس که جز با زنان حلال

ز دیگر زنی بازجوید وصال

همانا شقی و ستم پیشه است

که بر این چنین کار آورده دست

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه، بعد از تلاوت این سوره مطالبی دارند که ابن ابی الحدید در شرح: در طول پنجاه سال، بیش از هزار بار این خطبه را خوانده‌ام و عظمت این خطبه به قدری است که سزاوار است بهترین گویندگان عرب جمع شوند و این خطبه برایشان تلاوت شود و همه به سجده افتند، همانگونه که هنگام تلاوت بعضی از آیات قرآن، همه به سجده می‌افتند.

دو جمله از آن خطبه: **آبائهم یفخرون** آیا به مقبره پدرانشان افتخار می‌کنند؟ **ام بعدید الهلکی یتکاثروا** یا به تعداد معدومین فزون‌طلبی می‌کنند؟ «اجساد خرت و حرکات سکنت» آنان جسدهایی بودند که متلاشی شدند و متحرک‌هایی بودند که ساکن شدند. **و لئن یکونوا عبدا حق من ان یکونا مفتخرا** آن جسدها سزاوارترند که سبب عبرت شوند تا مایه افتخار. تکاثر تنها در آمار و نفقات جمعیت نیست، بلکه گاهی در ثروت و فرزند است. **وَ تَكَثَّرَ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ وَ لَذَا فِي الْقُرْآنِ سَفَارِشٌ شَدِيدَةٌ** که مال و فرزند شما را سرگرم نکند. **لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنبال تلاوت این سوره فرمودند: **تکاثر الاموال جمعها من غیر حقها و منعها من حقها و سدها فی الاوعیه** گردآوری اموال از راه نامشروع و نپرداختن حقوق واجب آنها و نگهداری آنها در صندوق‌ها تکاثر است. در شعری منسوب به حضرت علی علیه السلام آمده است:

یا من بدنیاه اشتغل دنیا گرای

قد غرّه طول الامل آرزوهای طولانی

الموت یأتی بغتة سكرات و عذاب قبر و القبر صندوق العمل قبر صندوق عمل

## ۱۰۱. اهل بیت و یاران؛ تمثّل دل انگیز صفت شجاعت

شجاعت حدّ اعتدال روحیه تهوّر و ترس، موجب صیانت از اعتقادات، جان و مال است، و مانع تسلّط ستمگران می‌شود. آرامش نفس، عزّت، منزلت و نام نیک، از دیگر آثار شجاعت است و قرآن کریم انسان‌های برخوردار از این صفت را می‌ستاید **الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ**

**خدا مهر دستور زد این چنین احزاب ۳۹ بر آن کس که تبلیغ کردست دین  
بترسند آنان ز پروردگار ز چیزی نترسند جز کردگار**

خدا در باره جنگجویان اُحد که هنوز زخم‌های آنان التیام نیافته بود می‌فرماید: آنان کسانی بودند که (بعضی از مردم) به آنها گفتند: مردم (لشکر دشمن) برای حمله به شما اجتماع کرده اند، از آنها بترسید؛ اما این سخن بر ایمانشان افزود. اهل بیت‌علیهم السلام تمثّل دل انگیز صفت شجاعت بوده و در زندگی و سیره عملی خویش ثابت کرده اند که از هیچ قدرتی غیر خداوند، هراسی ندارند.

امام علی‌علیه السلام: به خدا سوگند! اگر تمام عرب‌ها برای جنگ با من همداستان شوند، من پشت نخواهم کرد. شجاعت ابی‌عبداللّه‌علیه السلام به گونه ای است که حتی مورّخان غیر مسلمان را تحت تأثیر قرار داده و در باره آن سخن گفته اند یکی از آنها «جیمز کارگرن» هندو مسلك: جوانمردی خصلتی ارزشمند است که زیربنای بسیاری از ملکات اخلاقی همانند بخشش، گذشت و دوری از تهمت و خیانت، بوده و موجب می‌شود که فرد حتی در سخت‌ترین شرایط بر ارزش‌های انسانی و اصول اخلاقی تأکید ورزد. قرآن کریم در باره اصحاب کهف **نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى** آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم.



## ۱۰۲. درخشش چهره ی امام و یارانش در مبارزه

امام جواد علیه السلام از پدران خویش حالت امام حسین علیه السلام و یاران خاصّ وی را پس از سخت شدن کارزار، این چنین نقل می کند **وَ كَانَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَصَائِصِهِ تَشْرِقُ الْوَأْنُهُمْ** .... یاران مخصوص وی چهره هایشان می درخشید و اعضا و جوارح آنها ساکن و آرام و روحشان استوار و با آرامش بود. و می گفت: نگاه کنید که چگونه از مرگ باکی نداشته و بدان اعتنا نمی کند سلام و صلوات خدا بر سیدالشهداء در آن هنگام که متولّد شد و جبرئیل و ملائک تبریک گویان به استقبالش شتافتند و آن هنگام که مقام وصایت را عهده دار گشت و آن زمان که با چهره برافروخته به سوی لقای حقّ شتافت و جهان را شیفته صفات زیبای خویش نمود.

از امام سجاد علیه السلام روایت شده که فرمود: در روز عاشورا چون جنگ شدت گرفت و کار بر حسین بن علی علیه السلام سخت شد، بعضی از یاران آن حضرت متوجه گردیدند که تعدادی از اصحاب و یاران امام در اثر شدت جنگ و با مشاهده ابدان قطعه قطعه شده دوستانشان و رسیدن نوبت شهادت شان، رنگشان متغیر و لرزه بر اندامشان مستولی گردیده است، ولی خود امام و تعدادی از خواص یارانش برخلاف گروه اول، هرچه فشار بیشتر و فاصله آنان به شهادت نزدیکتر می شد، رنگ آن حضرت سرخ می گردید و از آرامش و سکون خاطر بیشتری برخوردار می گردند. یکی از اصحاب که از این منظره جالب و شهادت فوق العاده متعجب شده بود به دیگری گفت: به او بنگرید که از مرگ هراسی ندارد، امام علیه السلام به آنان فرمود: ای بزرگ زادگان صبر و شکیبائی به خرج دهید، که مرگ جز یک پل نیست که شما را از سختی و رنج عبور داده به بهشت.....

### ۱۰۳. مکارم اخلاق، حقیقت آموزه های تزکیه ای

اخلاق به معنای تخلق به خلق و خوی الهی است که معنایی جز تحقق اسما و صفات الهی نخواهد داشت پس مکارم اخلاقی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود را برای اتمام آن مأمور می داند: **انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق**، همان تخلق به خلق و صفات الهی است

در فضایی که امام حسین علیه السلام می زیست فعالیت های منافقان اموی موجب شده بود که هیچ آثاری از مکارم اخلاقی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعلیم داده بود باقی نماند، فضای عمومی جامعه به رذایل اخلاقی متمایل بود و بداخلاق در جامعه موج می زد و شرابخواری و زن بارگی و سگ بازی و میمون بازی و ظلم و ستم در دربار شاهان اموی به نام خلفای پیامبر (صلی الله علیه و آله) علنی شده بود.

امام حسین (علیه السلام) ناچار بود تا اقدام نخست را برای کندن موانع انجام دهد. از این رو قیام خود را با عنوان امر به معروف و نهی از منکر آغاز کرد.

ایشان بر آن بود تا جامعه را به سوی مکارم اخلاقی بازگرداند و در مقام خلیفه الهی به تعلیم و تزکیه و تربیت خلق پردازد.

بنابراین، حرکت قیامی امام حسین (علیه السلام) را می بایست در چارچوب مأموریت خلفای الهی یعنی تعلیم و تزکیه و تربیت مکارم اخلاق و صفات الهی تبیین و تحلیل کرد **و يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ**

## ۱۰۴. امام حسین (علیه السلام) در مقام تعلیم و تزکیه

مقام تعلیم و تربیت یا تعلیم و تزکیه، همان مقام خلافت الهی انسان از خداست؛ زیرا آن چیزی که انسان را شایسته خلافت ساخته است، همان تعلیم همه اسماء از سوی خداوند به انسان و ناتوانی دیگر موجودات از جمله فرشتگان مقرب الهی از دریافت این معارف و علوم الهی است (بقره ۳۰ تا ۳۳)

انسان های کامل همان پیامبران (علیهم السلام) و معصومان (علیهم السلام) هستند. امام حسین (علیه السلام) یکی از این خلفای الهی است که در مقام تعلیم و تربیت به خلافت از خداوند نه تنها در کائنات بلکه در همنوعان انسانی به تعلیم و تربیت می پردازد

تزکیه؛ خداست که انسان ها را به رشد کمالی رسانیده و پاک و پاکیزه می دارد و اگر فضل الهی شامل بنده ای نمی شد هرگز کسی تزکیه نمی شد ... ما زَكِيٍّ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ ... احدی از شما (از گناه و زشتی) پاک و پاکیزه نشدی، لیکن خدا هر کس را می خواهد منزّه و پاک می گرداند، و خدا شنوا و داناست (نور ۲۱)

امام حسین (علیه السلام) به عنوان مظهر اتم و اکمل در مقام تعلیم و تزکیه الهی برآمده است و انسانیت را به کمال بایسته و شایسته اش رهنمون کرده و می کند. اما کسانی خود خواسته از این کلاس بیرون می روند و نمی خواهند شاگرد مکتب امام حسین (علیه السلام) باشند؛ وگرنه رحمانیت ایشان دربرگیرنده است و کسی را از دایره تعلیم و تزکیه و تربیت بیرون نمی کند مگر آنکه خود بگریزد.

## ۱۰۵. آموزه های حسینی / تواضع

امام حسین(علیه السلام) در مقابل فقرا که تعارف کردند و پذیرفت **إِنَّ اللَّهَ لَأُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ** (نحل ۲۳)

**نباشد خداوند همراه و دوست هرآن ملتی را که کبری در اوست**

سپس فرمود: من دعوت شما را اجابت کردم، شما هم دعوت مرا بپذیرید .  
در راهپیمایی اربعین مردم فقیر از تمام ادیان برای پذیرایی از عزاداران سبقت می گیرند و با اشتیاق و التماس از سرور شهیدان آموخته اند که با امکانات کمی که دارند در این زمینه تلاش کنند.

**خود را از دیگران پایین تر دیدن :** از امام حسین(علیه السلام) درباره ادب پرسش کردند که ایشان در پاسخ فرمودند: ادب آن است که از خانه خود بیرون آبی و با هیچ کس برخورد نکنی مگر آن که او را برتر از خود ببینی چنانچه همین فرمایش کوتاه امام(علیه السلام) را خوب مورد توجه قرار دهیم، نتایج و آثار درخشانی را در روابط فردی و اجتماعی و اصلاح رفتارها در پی خواهد داشت.

به عنوان مثال: وقتی دیگران را بهتر و بالاتر از خود دانستیم قطعاً به او بی احترامی نمی کنیم. از مردم غیبت نکرده و دنبال عیوب آنان نخواهیم بود. هنگامی که مردم بهتر از ما دیده شوند، برای آنها ناز و افاده و تکبر نمی فروشیم بلکه برعکس بالهای تواضع و فروتنی را برای آنها خواهیم گشود.

در برخورد با یکدیگر تلاش می کنیم جلوتر سلام کرده و ادب را رعایت نماییم. کوشش می کنیم که به سخنانش توجه نموده و حتی الامکان آنها را بکار بندیم.

## ۱۰۶. عفو و گذشت (عذرپذیری)

امام سجاد(علیه السلام) از پدر بزرگوارش امام حسین(علیه السلام) نقل می فرمایند که چنین شنیدم: اگر مردی در یک گوشم مرا دشنام دهد و در گوش چپم از من پوزش بخواهد، عذر او را می پذیرم **فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ** (شوری ۴۰) **ولی گر کسی عفو سازد عذر او به صلح اندر آید به راه نکو**

از جدم رسول الله شنیدم که می فرماید: بر حوض کوثر وارد نمی شود کسی که پوزش و عذر مردم را قبول نکند، اعم از اینکه عذرش موجه و قابل قبول باشد و یا موجه نباشد (میزان الحکمه ج ۱ ص ۸۱) یکی از اساسی ترین ارزش ها و مکارم اخلاقی در زندگی اجتماعی و روابط انسانها گذشت از خطاهای دیگران و پذیرش عذر آنهاست این ویژگی می تواند دشمنی ها را ریشه کن کند و محبت و وحدت در پی داشته باشد. زیرا آدمیان در روابط اجتماعی خود قطعا دچار اشتباه و خطا می شوند. و روزی نیز اکثرا پشیمان شده و در پی عذرخواهی بر می آیند

**الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ** آل عمران ۱۳۴

**کسانی که در وسعت و فقر مال نشانند هم خشم خود را فروببینند**  
**نمایند انفاق مال و منال**  
**چنین اند مردان شایسته کار**  
**که باشد خداوندشان دوستدار**

روزی یکی از خدمتکاران امام سجاد علیه السلام در موقع شستشوی سر و صورت آن حضرت، ظرف آب از دستش افتاد و سر امام علیه السلام را زخمی کرد. او دریافت که امام ناراحت شده است. امام فرمود: تو در راه خدا آزاد هستی.

## ۱۰۷. شیعه واقعی

مردی به امام حسین (علیه السلام) عرض کرد: من شیعه شما هستم. حضرت فرمود: چیزی را ادعا نکن که خداوند تکذیب کند. شیعیان واقعی ما کسانی هستند که قلبشان از غل و غش و خیانت پاک باشد فقط بگو که از دوستان و علاقمندان ما هستی و از خدا بترس و ادعای چیزی نکن که خداوند به تو بگوید دروغ می گویی و با ادعای خود به راه کج می روی. شیعیان ما آنهایی اند که دلشان از هر نیرنگ و دسیسه پاک است طبق این ادعا مانند حضرت ابراهیم (علیه السلام) هستی که خداوند درباره او چنین می فرماید: **وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ. إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ** (صافات ۸۴-۸۳)

**خود از پیروانش یکی بُد خلیل**      **که کردی اطاعت ز نوح جلیل**  
**بر او قلب پایی خداوند، داد**      **رسالت بدو داد اندر بلاد**

به خودت نگاه کن، اگر قلب تو مانند قلب ابراهیم (علیه السلام) باشد، تو از شیعیان ما هستی ولی اگر دل تو به آن درجه نمی رسد که از هر نوع غل و غشی پاک و پاکیزه باشد، تو از دوستداران ما خواهی بود.

کلمه «شِيعَة» به معنای گروهی است که تابع رئیس خود باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود: قلب سلیم قلبی است که جز به خدای تعالی به چیزی وابسته نباشد. آری، شرك یکی از بیماری های قلبی است.

حضرت ابراهیم در میان انبیا ویژگی هایی داشت از جمله: در قرآن القاب ویژه ای برای او ذکر شده است، مانند: صدیق، اوّاه، حلیم، خلیل، حنیف، قانت و دارای قلب سلیم.

## ۱۰۸. حفظ کرامت انسان

وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء ۷۰)

بنی آدمی را خود اندر زمین  
بسی منزلت داد جان آفرین  
به مرکب بگشتند ایشان سوار  
به خشکی و دریا شده رهسپار  
به آنها بدادیم روزی پاک  
از آنچه بروید از بطن خاک  
که نسبت به مخلوقهای دگر  
فضیلت بدادیم ما بر بشر

کرامت، گاهی کرامت معنوی و اکتسابی و نزد خداست، مثل کرامتی که خاصّ اهل تقواست. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ

همانا گرامی ترین شما فقط متقین اند نزد خدا

و گاهی کرامت در آفرینش است، لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ تین ۴

که بر بهترین وجه اندر جهان نمودیم خلق آدمی و سپس

مردی انصاری از امام حسین (علیه السلام) تقاضای مقداری پول کرد. امام فرمود: ای برادر! آبروی خود را از درخواست حضوری نگهدار و حاجت خود را به وسیله نامه ای برایم بنویس. او نوشت: ای ابا عبدالله! فلانی از من پانصد اشرفی می خواهد و اصرار دارد که زود بگیرد. به او بگویند به من فرصت بدهد. حضرت همین که نامه را خواند به منزل او رفت و کیسه ای به او هدیه کرد و فرمود: با پانصد اشرفی قرض خود را بده و با پانصد تایی دیگری زندگی خود را اداره کن

امام (علیه السلام) فرمودند: همیشه از سه گروه تقاضا و درخواست کن: مردم دین دار و با ایمان - مردم جوانمرد و با مروت - مردم خانواده دار و دارای اصل و نسب .

## ۱۰۹. صبر و استقامت

در شب عاشورا، زینب (سلام الله علیها) یکی دو نوبت حتی نمی تواند جلوی گریه اش را بگیرد. یکبار آنقدر گریه می کند که بر روی دامن حسین (علیه السلام) بیهوش می شود. امام (علیه السلام) با صحبت های خودش زینب (سلام الله علیها) را آرام می کند و می فرماید: **لا یذهبن حلمک الشیطان خواهر عزیزم، مبدا و سوسه های شیطان بر تو مسلط بشود و حلم را از تو برباید و صبر و تحمل را از تو بگیرد**

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره ۱۵۳)

**پس ای اهل ایمان به صبر و نماز از الله یاری بجوئید باز خداوند با صابرانست یار بود یاور صابران کردگار**

امام حسین (علیه السلام) خطاب به ابوذر غفاری می فرمایند: **عمو جان، نصیحت من به تو این است که: از خدا مقاومت و یاری بخواه و از اینکه حرص بر تو غالب بشود (که بدبخت می شوی) بر خدا پناه ببر. از جزع و بی تابی بترس، عمو جان توصیه من به تو این است که مبدا در مقابل فشارها و سختی ها اظهار جزع و ناتوانی بکنی. و حالا با صبر و استقامت و استعانت از خداوند در اربعین، با حرکتی تاریخی، حیات بشر به سوی ولی خداست.**

مظلومیت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) و عزاداری بهانه است؛ جهان در حال ولایی شدن است و اربعین طلعه آن است.

مشابه این کلام الهی را در همین سوره خواندیم که خداوند به بنی اسرائیل می فرمود: **در برابر ناملایمات و سختی ها، از صبر و نماز کمک بگیرید.**

آری، دردهای یکسان، داروی یکسان لازم دارد.



## ۱۱۰. تسلیم در برابر قضا و قدر الهی

امام حسین (علیه السلام) هنگامی که داشت به طرف کربلا می آمد، جمله ای در جواب فرزدق شاعر معروف دارد که جالب است بعد از آن که فرزدق وضع عراق را وخیم تعریف می کند امام می فرمایند: اگر جریان قضا و قدر موافق آرزوی ما درآمد خدا را سپاس می گوئیم و از او برای ادای شکر کمک می خواهیم. و اگر برعکس، قضای الهی برخلاف آنچه ما آرزو می کنیم جریان یافت، باز هم (کسی که قصد و هدفی جز حق و حقیقت ندارد و سرشتش سرشت تقوا است و از هر غرض و مرضی پاک است) زیان نکرده است **إِلَهِي رَضِي بِقَضَائِكَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ** این دعا را آن حضرت اول صبح عاشورا هنگام تسویه صفوف و تعیین میمنه و میسر و قلب انشاء کردند.

و اما آخرین دعای آن حضرت نیز معلوم است که در آخرین لحظات حیات در حال آرامش و سکون صورت بر روی خاک نهاده می گفت: [ای خدای من، من راضی به قضاء و حکم تو هستم و تسلیم امر و اراده تو می باشم. هیچ معبودی جز تو نمی باشد ای پناه هر پناه جوئی.]

**إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ** (قمر ۴۹) پس به هر حال هرچه پیش آید خیر است.

### هرآنچه که پروردگار آفرید به اندازه خاص کرده پدید

من خدا را سپاس می گوئیم، هم برای روزهای راحتی و آسانی و خوشی و هم برای روزهای سختی و ناخوشی. در طریقت پیش سالک هرچه آید خیر اوست در صراط المستقیم ای دل کسی گمراه نیست.

## ۱۱۱. ارزش روشنگری

درست است که پوشاندن برهنه یا سیر کردن گرسنه ای از شیعیان، ثواب بزرگی دارد، اما از دیدگاه امام حسین (علیه السلام) کار فکری و عقیدتی و روشنگری برای شیعیان از همه کارها بیشتر پاداش دارد. امام (علیه السلام) می فرمایند: کدام یک بر تو خوشایند و دوست داشتنی است؟

نجات آن مسکین و ناتوانی که فردی قصد کشتن او را کرده و یا نجات مؤمنی که شخصی دشنام دهنده و بی دین، قصد دارد او را از نظر فکری منحرف کند؟ آری، اگر این فرد را از دست آن دشمن دشنام دهنده نجات دهی ارزشمندتر است که خدای بزرگ می فرماید: و کسی که آن شخص را زنده کند گویا همه انسانها را زنده کرده **وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا** (مائده ۳۲)

### هرآن کس به شخصی ببخشد حیات ز چنگال مرگش ببخشد نجات

بنابراین اگر فکر کسی را زنده و روشن سازی و او را از انحراف و کفر به سوی ایمان سوق دهی گویا همه انسانها را زنده کرده ای، پیش از آنکه با شمشیرهای آهنی کشته شوند. و در ادامه فرمودند:

ارزش کسی که یتیمان آل محمد صلی الله علیه و آله را از نظر فکری اداره می کند که از رهبران خود جدا شده و در جهل و نادانی سقوط کرده اند.

و آنها را از نادانی می رهاند و به تردید و اشکالات آنها پاسخ می دهد، در مقایسه با کسی که به آنها غذا و آشامیدنی می خوراند همانند خورشید است نسبت به ستاره کم رنگ سهاء. **وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ**

## ۱۱۲. حسین علیه السلام جهانی است

هیچ شهیدی در سراسر زمین مانند حسین(علیه السلام) نیست که احساسات و قلب ها را قبضه کند و نسل ها را به غیرت و فداکاری بکشاند. چه بسیار کسانی که اگر هزار سال هم می زیستند، امکان نداشت بتوانند عقیده و پیامشان را گسترش دهند ولی حسین عقیده و پیامش را با شهادتش به کرسی نشاند. هیچ خطابه ای نتوانست قلب ها را به سوی خود سوق دهد و میلیون ها نفر را به سوی اعمال بزرگ بکشاند مگر خطبه آخر حسین(علیه السلام) که با خون خود آن را امضا کرد و برای همیشه موجب حرکت و تحول مردم در خط طولانی تاریخ گردید (سیدقطب از اهل تسنن)

ابی عبدالله همان تأثیری را بر اهل سنت گذاشته که بر شیعه گذاشته و به همان میزان که در ادبیات مذهبی شیعه می توان تأثیر کربلا و عاشورا را مشاهده نمود. در ادبیات مذهبی اهل سنت هم قابل مشاهده است حرمت امام حسین و دفاع جانانه از حریم او به همان میزان که شیعیان را برانگیخته، سُنّیان را نیز برانگیخته است.

**حسینه ای در میان معابد هند بنارس** یکی از شگفتی های عاشورا را می توان در سرزمین هند یافت بی گمان حسین(علیه السلام) نه تنها اصلاح گر بزرگ امت اسلام و احیاگر اسلام است، بلکه احیاگر انسانیت و فضائل انسانی است. از این رو محبوب همه انسان های جهان است. در کشور هند همانند کشورهای ایران، عراق، افغانستان و پاکستان، روز عاشورا در تقویم کشور، این روز تعطیل رسمی و عمومی است و همه هندی ها از شیعه، سنی، سیک، هندو، بودایی و جین این

روز را تکریم و تعظیم می کنند . و بسیاری از مردم بی توجه به مذهب خود، در این مراسم مشارکت فعال دارند. در هند، امام را نشانه آزادی انسان می دانند و بر حرمت و فضیلت آزادی و عدالت خواهی، او را ارج می نهند. در همه جا می توان از حسین(علیه السلام) گفت و سخنانش را بر زبان جاری کرد بی آن که مخالفتی انجام شود. شگفت این که هندی ها اصولاً اهل جشن و سرور هستند و برای هر روزی جشنی دارند و تنها روز سوگواری آنان همین روز عاشورا است می توان در هند شگفتی ها و داستان های بسیاری درباره امام حسین علیه السلام و کرامات او شنید.

**شاعر مسیحی به ساحت مقدس سید الشهدا** عشق شیعیان به ساحت مقدس سید الشهدا علیه السلام شعله ای است که از درون جان می افروزد و نه تنها در تربیت بلکه در پاکی ولادت و نان ریشه دارد.

شور، محبتی پنهان است که خدا در نهاد مومنان به ودیعت نهاده و این شور و شعله را براساس همان سنت الهی، خاموشی و خمود نیست در چنین حالی اوضاع و موضع صاحب نظران و اهل فکر غیر مسلمان روشن است

به طور طبیعی کسی انتظار ندارد یک شاعر یا نویسنده مسیحی در مدح و منقبت سید الشهدا علیه السلام سخن سرایی کند یا اگر هم چیزی می نویسد و می گوید از تحلیلی تاریخی فراتر رود و با احساس و عاطفه و جان و دل خود به اظهار ارادت و ابراز عشق و محبت به شهدای کربلا پردازد. **بولس سلامه** از مشهورترین شاعران و ادبای کلاسیک لبنان بود. آنچنان گریستم که چشمم از اشک خیس شد و در قلمم پژواک ناله ها مویه کرد، **من مسیحی را حسین به گریه انداخت** و **قطرات اشک از افق چشمانم تابید و درخشید.**

حسین، مرزها را شکسته و دارد یک «قدرت مرکزی» برای اسلام ایجاد می کند مشکل اصلی کافران با پیامبر (صلی الله علیه و آله) سر نماز خواندن، عبادت کردن یا عدم پرستش بتها نبود، اتفاقاً آنها خودشان اهل عبادت بودند. دعوا سر شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود؛ سر اینکه مردم به این شخص، ایمان نیاورند و بر حول ولی الله الاعظم متحد نشوند. حرف کافران این بود: به خدا بگو برای هر قومی (یا هر شهر و روستایی) یک پیغمبر بفرستد! وَ لَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا.

فَلَا تَطِعِ الْكُفْرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا

اگر میل یزدان بر این کار بود      به هر قریه پیغمبری می نمود

مبادا که از کافران دیار      اطاعت نمائی در این روزگار

تو با کافران سخت می کن قتال      همان سان که کردند آنان جدال

این آیه به نوعی بیانگر خاتمیّت پیامبر اسلام و جامعیت مکتب اوست، چرا که می فرماید: در کنار تو هیچ پیامبری در هیچ کجا مبعوث نشده، زیرا در مکتب و شخصیت تو توان اداری کلّ جامعه هست و نیازی به دیگری نیست. تو دارای چنان مقامی هستی که با وجود تو پروندهی نبوت خاتمه می یابد. پس هرگز تابع کافران مباش و با آنها چنان که مخالفت قرآن و دین حق کنند سخت جهاد و کارزار کن. خداوند از همان اول، دنبال ایجاد قدرت مرکزی ولایت، و قدرت متمرکز در یک نقطه بود؛ برای فتح عالم و برای تحقق لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (توبه ۳۳) الان هم خیلی ها دارند از دست ایرانی ها، پاکستانی ها، افغانستانی ها و عراقی ها و... دق می کنند که چرا همه ملت ها دور حسین (علیه السلام) جمع شده اند؟

## بخش ششم مبانی قرآنی زیارت عاشورا

حماسه سازان عاشورا در برابر هجمه ناجوانمردانه غاصبان اسلام نما، مردانه ایستادگی کردند و موجبات احیای ارزش های اسلامی در جامعه و رسوایی حزب اموی را فراهم آوردند. احیای عاشورا و پاسداشت آن، یادآور نقش ائمه اطهار (علیهم السلام) در بیداری جامعه اسلامی و ارائه الگوهای قرآنی به جامعه است. زیارت عاشورا خود نمودی از این پاسداشت و زیارتی که تکریم چهره مجاهدان فی سبیل الله و انزجار از ظالمان و همراهی با احیاگران سنت نبوی است .

**احیای شخصیت و مرام پاکان:** قرآن کریم در آیات نورانی خویش بر احیای نام و چهره های پاک و مجاهد در طول تاریخ تصریح دارد تکریم پیامبرانی چون حضرت نوح، ابراهیم، هود، موسی و یحیی و ذکر مبارزات و فداکاری آنها در برخورد با طاغوت‌های زمان خود، نمودی از این سنت احیاء است. بر همین اساس نیز سوره هایی از قرآن به نام پیامبران و پاکان نامگذاری شده زیارت عاشورا احیاکننده شخصیت و مرام پاک ابا عبدالله و یاران وفادارش است.

### نزول قرآن و انبیا و اولیا و رابطه آن با زیارت عاشورا

خداوند قرآن را نازل کرد چون سنگین بود و تحمل آن ناممکن و این بار سنگین معنوی توسط حضرت جبرائیل، آسمان به آسمان پایین آمد تا به زمین رسید که زمین و زمینیان تاب تحمل آن را بیاورند. **إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا** (احزاب) ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم و آنها از تحمل آن سر باز زدند و از آن هراسیدند ولی انسان آن را بر دوش گرفت

به راستی او ستمگری نادان بود. حضرت جبرائیل توانست این بار عظیم را تحمل کرده و نازل کند و از طرفی با اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله عقل کل بود بر عقل او نازل نشد بلکه بر قلب او نازل شد

يا ابا عبد الله لقد عظمت الرزية وجلت و عظمت المصيبة بك علينا و على جميع اهل الإسلام وجلت و عظمت مصيبتك في السموات على جميع اهل السموات اي ابا عبدالله مصيبت تو آن قدر بزرگ است که بر ما و تمام مسلمین جهان بزرگ و عظیم است و مصيبت تو بر تمام آسمانها و تمام اهل آسمانها بزرگ است

نتیجه می‌گیریم که حضرت جبرائیل که توانست قرآن را فرود آورد و پیامبری که توانست قرآن را با قلب خود دریافت کند که هر دو و انبیای دیگر از حضرت آدم تا حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و مولای متقیان علی و خانم حضرت فاطمه زهرا و آقا امام حسن مجتبی و سایر ائمه اطهار (علیهم السلام) و ... که همه مسلمان و اهل زمین و آسمانند و برایشان این مصیبت سنگینی بود و عاشورا بیان کننده چنین عظمتی است و لذا نبایستی آن را سرسری خواند و رفت باید در آن تعمق کرد و اندیشید و معرفت پیدا کرد و بالا رفت. عاشورا بار تکلیفی است بر دوش ما و همان امانتی است که خداوند فرو فرستاد و هیچ یک از مخلوقات توان پذیرش آن را نداشتند جز انسان که خدا می‌فرماید او هم ظلوم است و جهول؛ پس همین قدر بدانیم که اینها امانت الهی است و بار تکلیف بر ما که اگر عمل کنیم امین الله می‌شویم، اگر از روی نادانی عمل نکنیم جهول می‌شویم و اگر طغیان کنیم و عناد، ظلوم می‌شویم

بدانیم که قرآن و اولیا برای هدایت ما نازل شده‌اند انسان اشرف مخلوقات که کمال او نهایت ندارد، نباید زمینی بماند باید بخواند، با صوت هم بخواند و دست در دست زیارت شونده بگذارد و بالا برود و اگر ما با قرآن، صاعد نشویم زندگی را باختیم. پس این انسان است که می‌تواند به درک برسد چنانچه کوه با آن عظمت نمی‌تواند و این انسان است که با معرفت پیدا کردن از عاشورا می‌تواند بالا برود و به طور کلی در عاشورا همه چیز به نحو احسن تجلی پیدا کرده، عاشورا تجلی صبر است، آخر صبر است، تجلی شهادت و شجاعت است.

عاشورا تجلی عشق و عاشقی است، تجلی ایثار و فداکاری است، عاشورا تجلی گاه تمام پیامبران است چرا که همه پیامبران خلاصه می‌شوند در وجود پیامبر اسلام و علی اکبر تجلی پیامبر است عاشورا تمام اسلام است که به نمایش گذاشته می‌شود در مقابل تمام کفر. امام وقتی چنین فرزندی را به میدان می‌فرستد می‌فرماید پسرم آهسته، آهسته برو می‌خواهم با خدا معامله کنم، چطور جگرم دارد پاره پاره می‌شود، می‌دانم چگونه به شهادت می‌رسی و ... این نهایت ایثار است

در عاشورا تک تک آیات قرآن متجلی می‌شود و قرآن می‌شود یک موجود زنده و در حسین تجلی می‌کند. و این قرآن را که جبرائیل پایین آورده وقتی در حسین متجلی می‌شود برایش عظیم است و برای همه اهل سماوات و ملکوت و همه اهل زمین و همه مسلمین، عظیم و بزرگ است و این دورنمای کوچکی بود از زیارت عاشورا تا بتوانیم وارد اولین کلمه زیارت که سلام است بشویم .



## لعن و تولى و تبری، در قرآن و زیارت عاشورا

اظهار تنفر از ستمگران، از دیگر شیوه های قرآن است.

لعن، اعلان برائت و تبیین خط مشی اعتقادی و سیاسی است لعن بر کسانی است که دست خود و دیگران را از دست خداوند و دامن رهبران معصوم جدا کردند . اللهم العن های زیارت ابتدا، اواسط و آخر زیارت عاشورا

لعن، ابراز تنفر از کسانی است که سد راه سعادت شده و دیگران را از کمالات لایق انسانی محروم کرده اند در فرهنگ قرآن و زیارات (خصوصاً زیارت عاشورا) عوامل اصلی و فرعی این محرومیت مورد لعن قرار گرفته اند؛

أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (لعنت خدا بر ستمگران)

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ  
وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ. إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي  
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا.

مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا ﴿احزاب ٦١﴾

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَ أَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿احزاب ٦٤﴾

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَ الْعَنَّهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿احزاب ٦٨﴾

فُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (مرگ بر اصحاب اخدود) ...

فُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ كشته باد انسان (بی ایمان) که تا این حد کفر می‌ورزد.

فُتِلَ الْخَرَّاصُونَ كشته باد آن که دروغ می‌بندد.

اما در مورد توطئه علیه پیامبر و قرآن، دو بار فرمود: **فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ . ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ** و خدایش بکشد که چقدر اندیشه غلطی کرد. باز هم خدایش بکشد که چه فکر خطایی نمود.

### **دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان او**

از آیات تَوَلَّى و تَبَرَّى به خوبی برمی آید که مسئله پیوند با ذات پاک خدا و اولیای الهی و جدا شدن از ظالمان و فاسدان و طاغوت ها و در یک کلمه **حُبُّ فِي اللَّهِ وَ بُغْضُ فِي اللَّهِ**،

از اساسی ترین و اصولی ترین آموزه های قرآن است که اثری عمیق در تمامی مسائل فردی و اجتماعی و دنیایی و آخرتی انسان دارد

**لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَّ وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ** (سوره ممتحنه) دشمنم و دشمن تان را به عنوان دوست و سرپرست نگیرید . و ..... .

**إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانُ مَرَصُوصٍ** (سوره صف) همانا خداوند دوست دارد آنانکه در راهش صف زده چون بنیانی استوار جهاد می کنند.

زیارت عاشورا نیز با سلام و درودهای خویش بر اوصیاء و اولیای الهی و نفرین هایش بر ظالمین و فاسدان و طواغیت، پیوند انسان را با اولیای الهی وثیق تر و نفرت و انزجار و دوری جستن از دشمنان خدا را صد چندان می سازد.

### بَرِّئْتُهَا وَ اللّٰهُمَّ الْعَن هَا ی زیارت

بَرِّئْتُ إِلَى اللّٰهِ وَ اِلَیْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ اَشْیَاعِهِمْ وَ اَتْبَاعِهِمْ وَ اَوْلِیَائِهِمْ بیزاری جویم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان و از پیروان و دنبال روندگانشان و دوستانشان  
بَرِّئْتُ إِلَى اللّٰهِ وَ اِلَیْكُمْ مِنْهُمْ وَ اَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ ثُمَّ اِلَیْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَ مُوَالَاةٍ وَلِیْكُمْ بیزاری جویم بدرگاه خدا و به پیشگاه شما از ایشان و تقرب جویم بسوی خدا سپس بشما بوسیله دوستیتان و دوستی دوستان شما

وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِكُمْ وَ النَّاصِبِیْنَ لَكُمْ الْحَرْبَ وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ اَشْیَاعِهِمْ وَ اَتْبَاعِهِمْ و به بیزاری از دشمنانتان و برپا کنندگان (و آتش افروزان ) جنگ با شما و به بیزاری از یاران و پیروانشان

وَ اَیَّامِ حَیَاتِی بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَ اللَّعْنَةَ عَلَیْهِمْ وَ بِالْمُؤَالَاتِ لِنبِیِّكَ وَ آلِ نبِیِّكَ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ و در تمام دوران زندگیم به بیزاری جستن از اینها و لعنت فرستادن بر ایشان و بوسیله دوست داشتن پیامبرت و خاندان پیامبرت که بر او و بر ایشان سلام باد.

## ۱۱۷. تکریم مجاهدان و شهیدان، در قرآن و زیارت عاشورا

تکریم مجاهدان و شهیدان راه حق و برتری مجاهدان بر دیگران و بیان مبارزات و تلاش های آنان در احیای حق و تشویق به جهاد در راه خدا، از اهداف اساسی قرآن و زیارت عاشورا است.

وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا .

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى

وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (سوره نساء) و .... آیات  
جهاد و شهادت

زیارت عاشورا نیز زنده نگاه داشتن خط سرخ شهادت و اهداف و مقاصد والای مجاهدان فی سبیل الله و شهیدان والامقام و بستن پیمان مجدد با آرمان های آنان است

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي  
خدایا مخصوص تو است ستایش سپاسگزاران تو بر مصیبت زدگی آنها، ستایش  
خدای را بر بزرگی مصیبتم

اللَّهُمَّ الرَّزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ خدایا روزیم گردان شفاعت حسین  
علیه السلام را در روز ورود (به صحرای قیامت) وَ ثَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ  
الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مُهَجَّهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و ثابت بدار گام راستیم را در نزد خودت با حسین علیه السلام و یاران حسین آنانکه بی دریغ دادند جان خود را در راه حسین علیه السلام.

امام حسین (علیه السلام) در عصر تاسوعا، در جمع اصحاب خود، حمد و ستایش الاهی را در حال خوبی و ناراحتی به جا می آورد: **احمده علی السراء و الضراء؛** خدا را در حالی که در وضع مناسب و خوب یا در وضع ناراحتی هستم، حمد و ستایش می کنم.

یاران حضرت، حمد و ستایش الاهی را به جا می آوردند، به جهت آن که توفیق یاری حضرت و شهادت همراه امامشان را پیدا کردند: **الحمد لله الذی أکرمننا بنصرک و شرفنا بالقتل معک؛** حمد و سپاس خدایی را که نصرت و یاریت را به ما کرامت فرمود، و ما را به شهادت در کنارت مشرف نمود.

### **الگو بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آل او**

قرآن مسلمانان را به پیروی از ابراهیم (علیه السلام) و یارانش به عنوان اسوه حسنه و الگوی زیبا و پر ارزش دعوت کرده **قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ** ممتحنه ۴ ابراهیم (علیه السلام) عهده دار امامت و رهبری مردم: **إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا** بقره ۱۲۴/ ابراهیم برگزیده خدا در دنیا: **وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا** بقره ۱۳۰/

ابراهیم از شایستگان آخرت: **وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لِمَنِ الصَّالِحِينَ** بقره ۱۳۰/ ابراهیم حق گرای فرمانبردار ما **كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَ لَا نَصْرَانِيًّا وَ لَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا** آل عمران ۶۷ ابراهیم حق گرای موحد **فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ** آل عمران ۹۵

ابراهیم دوست خدا: وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا نساء / ۱۲۵  
 ابراهیم جزو نیکوکاران: وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ انعام / ۸۴  
 ابراهیم دلسوز و بردبار: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ توبه / ۱۱۴  
 ابراهیم بردبار، نرم‌دل و اهل انابه: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ هود / ۷۵  
 ابراهیم پیشوایی مطیع: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ نحل / ۱۲۰  
 ابراهیم شکرگزار نعمت‌های الهی: شَاكِرًا لِأَنْعَمِهِ نحل / ۱۲۰  
 ابراهیم برگزیده و هدایت‌یافته الهی: اجْتَبَاهُ وَ هَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ نحل / ۱۲۱  
 ابراهیم شخصیتی رشدیافته: وَ لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ انبیاء / ۵۱  
 ابراهیم صاحب قلب سلیم: إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ صافات / ۸۴  
 ابراهیم علیه السلام دریافت‌کننده سلام الهی: سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ صافات / ۸۹  
 ابراهیم از بندگان مؤمن خدا: إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ صافات / ۱۱۱  
 ابراهیم صاحب قدرت و بینش و اذکر عبادنا ابراهیم ... اُولَى الْأَيْدِي وَ  
 الْأَبْصَارِص ۴۵ و نیز پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه و آله) را به عنوان اسوه نیکو به  
 جهانیان معرفی نموده که: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ  
 يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ

**زیارت عاشورا نیز با تاسی به آیات قرآن**، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و خاندان پاک  
 او را الگوی انسان‌ها معرفی نموده: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ  
 وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) خدایا قرار ده زندگیم را زندگی  
 محمد و آل محمد و مرگم را مرگ محمد و آل محمد. اهل بیت، در زندگی و  
 مرگ، در اخلاق و جهاد، در کمالات انسانی و چگونه زیستن و چگونه مردن، برای



زیارت وارث آیه‌ای دیگر از قرآن وجود حسین است دعای عرفه آیه‌ای دیگر از قرآن وجود حسین علیه السلام است

**زیارت وارث**، یکی از زیارتنامه‌های مشهور حسین (علیه السلام) که در کربلا قرائت می‌شود. این زیارتنامه بخشی از دستورالعمل زیارت امام سوم شیعیان است که امام صادق (علیه السلام) به صفوان تعلیم داد.

این زیارتنامه در واقع بخشی از یک دستورالعمل برای زیارت حسین (علیه السلام) در حرم آن حضرت است که زائر باید آن را هنگام رسیدن به ضریح مبارک و در قسمت بالای سر امام حسین (علیه السلام) بخواند.

السَّلَامُ عَلَيكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ ... السَّلَامُ عَلَيكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ نَارِهِ وَ الْوِثَرَ الْمُؤْتَوَرَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَطَعْتَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ،

وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُظَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا اِغْرَقَ شَيْعَةُ فِي آيَةِهَا وَ جُودَ قُرْآنِ نَاطِقِ يَعْنِي حُسَيْنَ تَدَبَّرْ نَمَائِدَ، بِرِ دَلِشْ قَفْلَ مِي زَنْدِ وَ آيَ بِهْ حَالِ آنْ شَيْعَةُ آيَ كِهْ بَدَانْدِ ائِمَّةِ اِطْهَارِ قُرْآنِ نَاطِقِ آندِ وَ لِي قُرْآنِ وَ جُودِ آنْهَارِ تَلَاوَتِ نَكُنْدِ وَ دَرِ آنْ تَدَبَّرْ نَمَائِدِ. اَيْنِ كِهْ چَنْدِينِ بَارِ دَرِ زِيَارَتِ عَاشُورَا بِهْ عَظْمَتِ مِصَابِبِ الْحُسَيْنِ تَصْرِيحِ شُدِهْ اَنْچَنَانِ كِهْ بَرَايِ آسْمَانِهَا، تَحْمَلِ آنْ سَنْگِينِ بَاشْدِ، اِشَارَتِ بِهْ عَظْمَتِ عَاشُورَا بِهْ عِنْوَانِ يَكِ آيَةِ اَزِ وَجُودِ قُرْآنِ نَاطِقِ



یعنی حسین یا ابا عبدالله لَقَدْ عَظَمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظَمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ  
عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ ای ابا عبدالله براستی بزرگ شد سوگواری تو و  
گران و عظیم گشت مصیبت تو بر ما و بر همه اهل اسلام

وَ جَلَّتْ وَ عَظَمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ فَلَعَنَ اللَّهُ  
أُمَّةً أَسَّسَتْ آسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ گران و عظیم گشت  
مصیبت تو در آسمانها بر همه اهل آسمانها پس خدا لعنت کند مردمی  
را که ریختند شالوده ستم و بیدادگری را بر شما خاندان. این که ائمه  
اطهار این همه بر تلاوت زیارت عاشورا تأکید فرموده‌اند به دلیل آن است  
که اسراری که در زیارت عاشورا نهفته است، برای شیعه مکشوف گردد.

### رسوا کردن چهره های منفور، در قرآن

افشای شخصیت واقعی چهره های منفور و بی‌زاری جستن از آنها روش دیگر قرآنی  
است قرآن کریم با اشاره یا صراحت به ترسیم چهره های خبیثی چون ابولهب و  
همسرش و زنان لوط و نوح پرداخته است در مذمت ولید بن مغیره آمده : إِنَّهُ  
فَكَرَّ وَ قَدَّرَ . فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ . ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ . ثُمَّ نَظَرَ . ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ .  
ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَكْبَرَ . فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلا سِحْرٌ يُؤْتَرُ (مدثر ۱۸-۲۴) اوست که فکر و  
اندیشه بدی کرد (که رسول خدا را به سحر و ساحری نسبت داد). و خدایش  
بکشد که چقدر اندیشه غلطی کرد. باز هم خدایش بکشد که چه فکر خطایی  
نمود. پس باز اندیشه کرد. و (به اظهار تنفر از اسلام) رو ترش کرد و چهره در هم  
کشید. آن‌گاه روی گردانید و تکبر و نخوت آغاز کرد و گفت:

این (قرآن) به جز سحر و بیان سحرانگیزی که (از ساحران گذشته) نقل می‌شود هیچ نیست. زیارت عاشورا نیز رسواکننده چهره های منفوری چون خاندان آل ابوسفیان و آل زیاد و آل مروان و مرجانه است. قرآن در مورد کفر و دروغ، کلمه «قُتِلَ» را یکبار به کار برده است: قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ کشته باد انسان (بی ایمان) که تا این حد کفر می‌ورزد. قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ کشته باد آن که دروغ می‌بندد. اما در مورد توطئه علیه پیامبر و قرآن، دوبار فرمود: فَكَيْفَ قَدَّرَ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ در آیه ۲۳ فرمود: ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ، حال ببینیم کیفر کسی که به حق پشت کند و با آن مخالفت ورزد، چیست؟

قرآن درباره کسانی که با وجود شناخت حق بدان کفر می‌ورزند و از آن روی می‌گردانند می‌فرماید: چنین کسانی به کیفرهای گوناگونی دچار می‌شوند، از جمله: جهت و هدف خود را در زندگی از دست می‌دهند. استهوته الشیطان فی الارض حیران فریب و اغوای شیطان او را در زمین سرگردان ساخته است.

ضیق صدر او را تحت فشار قرار می‌دهد: یَجْعَلُ صَدْرَهُ ضَبِّقًا حَرَجًا خداوند، دل او را تنگ و سخت قرار می‌دهد. دچار معیشت دشوار و تنگ می‌شود: وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا هرکس از یاد و اطاعت من سرپیچی کند، معیشتش تنگ شود. نکبت و بدبختی بر او مسلط می‌شود: إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَ السُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ امروز ذلّت و خواری عذاب، بر کافران خواهد بود. از بهره‌گیری از نعمت‌های الهی در راه صحیح محروم می‌شود خداوند بر دل و گوش و بر چشم کافران مُهر می‌زند و پرده‌ای بر آن می‌افکند تا از فهم حقایق الهی محروم مانند: خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً

## آمیزه از عشق و نفرت، تولی و تبری

زیارت نامه اولیاء آمیزه اسلام و لعنت است، عشق و نفرت، خواندن و راندن و این فرهنگ رویکرد تعادل رفتاری و نگرشی را تضمین میکند .

در قرآن باورمندان پیامبر و همراهان او مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا (فتح

۲۷) در این آیه، شیوهی ارتباطات يك مؤمن ترسیم شده است :

رابطه با بیگانگان أَشِدَّاءُ شَدَتْ وَ سَخَتْ با خودی‌ها رُحَمَاءُ محبت و مهربانی.  
با خدا رُكَّعًا سُجَّدًا عبودیت و بندگی با خود يَبْتَغُونَ تلاش و کوشش و امید  
فضل خدا معرفی شده اند یعنی در رویاروی ستم همه خشم، نفرت بغض و شدت اند و با دوستان و همراهان همه عشق، رحمت و لطافت هستند.

امام صادق تبری را نشانه صداقت در صحت دانسته، فرمود: دروغ می گوید آن که ادعای دوستی ما دارد و از دشمنان ما دوری نمی‌گزیند . در رجزهای یاران، نفرت از آل زیاد و آل مروان فراوان است و در همان رجزها تموج ارادت و ولایت اهل بیت و عشق ورزی به ابا عبدالله (علیه السلام) دیده می‌شود. شکوه‌مندترین نمونه‌های آن رجز عباس (علیه السلام) است که حسین علیه السلام را مولا و سید می‌خواند و در شهادت عطش، همه هستی خود را به پای امام صادق الیقین می‌ریزد و الله **إِنْ قَطَعْتُمَا يَمِينِي إِنْ أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي وَ عَنْ إِمَامِ صَادِقِ الْيَقِينِ نَجَلِي النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْإِمَامِيْنَ** ملتها برای پی بردن به عینیت مفهوم تولی و تبری در دین، به فرهنگ عاشورا که از هر چیز دیگری بهتر این مفاهیم را تداعی می‌کند توجه و تفقه داشته باشند. **ما نمی‌توانیم از برکات حسینی استفاده کنیم، مگر اینکه**

**اول دشمنان او را لعن کنیم** اما در مورد دشمنان غدار، کینه توز و قسم خورده. و لن ترضی عنک الیهود و لا النصراری حتی تتبع ملتهم تا دست از انقلابتان بر ندارید، آمریکا از شما راضی نخواهد شد. بزرگداشت مراسم سیدالشهداء حسین علیه السلام بازسازی حیات حسینی است، تا از آن حیات به نحو احسن استفاده شود و نباید به بحث‌های علمی اکتفا شود. چون انسان به برانگیخته شدن عواطف و احساسات احتیاج دارد. نباید به عواطف مثبت، به شادی، به خنده، بسنده کرد، زیرا زنده نگه داشتن خاطره سیدالشهداء (علیه السلام) و مظلومیت او از راه احساسات شورانگیز حزن و گریه و سوگواری امکان دارد. و بالاخره همراه با آن همه درود و سلام و عرض ارادت به خاک پای حسینی و به خاک قبر حسینی، باید بر دشمن حسین (علیه السلام) دشمن اسلام و دشمنان خدا لعن و نفرین کرد. تنها سلام و درود مشکل را حل نمی‌کند. ما نمی‌توانیم از برکات حسینی استفاده کنیم، مگر اینکه اول دشمنان او را لعن کنیم، بعد بر او سلام بفرستیم، قرآن هم اول می‌فرماید: **أشداء علی الکفار رحماء بینهم** پس در کنار سلام، باید لعن هم باشد. در کنار ولایت، باید تبری و اظهار دشمنی نسبت به دشمنان اسلام هم باشد. اگر این گونه شدیم، حسینی هستیم؛ وگرنه بی‌جهت خودمان را به حسین (علیه السلام) نسبت ندهیم.

### منابع :

تفسیر نور . تفسیر نمونه . برداشت های مولف و قرآن منظوم امید مجد  
(تاریخ مدینه دمشق، ج ۷ ص ۵۰۹) (بحار الانوار ج ۴۵ ص ۳۴)  
(المناقب ج ۴ ص ۶۱) (الفتوح ابن اعثم ج ۵ ص ۱۳۲) (تاریخ طبری ج ۳ ص ۲۹۶)